

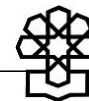
آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس در ایران
۲. پس از انقلاب اسلامی تاکنون

معاونت پژوهش‌های سیاسی – حقوقی
دفتر مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰
شماره مسلسل: ۱۷۲۷۲
آذرماه ۱۳۹۹

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۵.....	مقدمه
۸.....	۱. تغییرات نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس پس از انقلاب اسلامی
۸.....	۱-۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).....
۱۰.....	۱-۲. قانون انتخابات مجلس شورای ملی، مصوب شورای انقلاب (۱۳۵۸/۱۱/۱۷).....
۱۱.....	۱-۳. دوره اول مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۵۹ - خرداد ۱۳۶۳).....
۱۳.....	۱-۴. دوره دوم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۶۳ تا خرداد ۱۳۶۷).....
۱۸.....	۱-۵. بازنگری در اصل شصت و چهارم قانون اساسی (۱۳۶۸).....
۲۳.....	۱-۶. دوره سوم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۶۷ - خرداد ۱۳۷۱).....
۲۶.....	۱-۷. دوره چهارم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۷۱ تا خرداد ۱۳۷۵).....
۲۹.....	۱-۸. دوره پنجم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۷۵ - خرداد ۱۳۷۹).....
۳۳.....	۱-۹. دوره ششم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۷۹ - خرداد ۱۳۸۳).....
۳۴.....	۱-۱۰. دوره هفتم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۸۳ - خرداد ۱۳۸۷).....
۳۷.....	۱-۱۱. دوره هشتم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۸۷ - خرداد ۱۳۹۱).....
۳۹.....	۱-۱۲. دوره نهم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۹۱ - خرداد ۱۳۹۵).....
۴۲.....	۱-۱۳. دوره دهم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۹۵ - خرداد ۱۳۹۹).....
۴۵.....	۲. تحلیل.....
۴۵.....	۲-۱. نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه.....
۴۷.....	۲-۲. علت (یا علل) اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه.....
۴۹.....	۲-۳. معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه.....
۶۶.....	۲-۴. مشارکت مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه.....
۶۷.....	نتیجه‌گیری.....
۷۰.....	پیوست‌ها.....
۸۶.....	منابع و مأخذ.....



آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس در ایران ۲. پس از انقلاب اسلامی تاکنون

چکیده

یکی از پیش‌نیازهای اصلی برگزاری انتخابات، تقسیم سرزمین به حوزه‌های انتخاباتی با مرزهای مشخص و مبتنی بر قوانین انتخاباتی است. فرایند ترسیم این مرزها که از آن با عنوان فرایند تحدید مرزهای حوزه‌های انتخابیه هم یاد می‌شود، عبارت است از ترسیم تعدادی خط روی نقشه با هدف تقسیم یک منطقه به چندین حوزه انتخابیه مجزا که از هر یک از آنها یک یا چند نماینده انتخاب می‌شوند. ساختار رسمی و مجموعه قوانین مرتبط با ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه، باید به چهار مسئله اصلی بپردازد: نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه؛ علت/علل اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه طی زمان؛ معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و مشارکت مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه.

گزارش حاضر از طریق استخراج مباحث مرتبط با فرایند تصویب قوانین مرتبط با حوزه‌بندی انتخاباتی از مشروح مذاکرات تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز ۱۰ دوره مجلس شورای اسلامی، به آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی انتخاباتی و روند تغییرات حوزه‌ها از زمان تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تاکنون می‌پردازد. نتایج پژوهش حاکی از وجود ایرادهای اساسی ذیل است:

۱. **نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه:** اولین قانون انتخابات که جدول حوزه‌بندی انتخابات نیز بخشی از آن بود، به‌وسیله شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ تدوین و به تصویب رسید. از آنجا که مشروح مذاکرات شورای انقلاب در زمینه تدوین قانون انتخابات در دسترس نیست، نمی‌توان به‌صورت دقیق بیان کرد که جدول حوزه‌بندی دقیقاً توسط چه افرادی و با چه تخصصی تدوین شده است. پس از این مقطع زمانی، ترسیم طرح اولیه جدول حوزه‌بندی، یا توسط دولت در قالب لایحه و یا توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی در قالب طرح انجام شده است. طرح‌ها و لوایح پس از تقدیم به مجلس در کمیسیون تخصصی مربوطه و معمولاً با حضور کارشناسان وزارت کشور، نمایندگان پیشنهاددهنده و بعضاً افراد دیگری مانند ائمه جمعه و بزرگان استان‌ها بررسی شده است. نهادهای مسئول تصویب نهایی جدول حوزه‌بندی انتخابات، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان بوده‌اند. در فرایند بررسی طرح‌ها و لوایح مرتبط با حوزه‌بندی انتخاباتی که به تصویب قانون در این زمینه منجر شده است، اصالت دادن به پیشنهادهای نمایندگان حوزه‌ها برای تصویب نهایی جدول حوزه‌بندی

با وجود واقعیت تعارض منافع نمایندگان و بی‌طرف نبودن آنها نسبت به مسئله حوزه‌بندی؛ اعمال تغییرات در لایحه وزارت کشور توسط هیئت دولت؛ اتخاذ موضع اغلب منفعل توسط وزارت کشور طی فرایند بررسی در مجلس و واگذار کردن تصمیم به نمایندگان؛ در حاشیه قرار گرفتن معیار جمعیت و در اولویت قرار گرفتن سایر معیارها و نبود یک رویه واحد از منظر معیارهای استفاده شده برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابات سراسر کشور، از عواملی هستند که سبب ورود ملاحظات سیاسی به امر حوزه‌بندی، تأثیرگذاری جغرافیای قدرت بر ترسیم مرزهای حوزه‌ها، تفاوت فاحش لایحه اولیه با قانون مصوب و در نتیجه نواقصی مانند عدم برابری جمعیت حوزه‌ها و عدم تأمین برابری قدرت رأی‌دهی، عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای اداری و ... شده است. اغلب این مسائل ناشی از مستقل، غیرحزبی و بی‌طرف نبودن نهاد مسئول ترسیم طرح اولیه مرزهای حوزه‌های انتخاباتی بوده است.

۲. علت (یا علل) اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه: اصل شصت و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دوره زمانی ۱۰ ساله را برای افزایش تعداد نمایندگان مجلس معین می‌دارد که لزوماً به معنای تجدیدنظر در مرزهای حوزه‌های انتخابیه نیست. هرچند تبصره ذیل ماده واحده قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۶۶/۰۱/۳۰) بیان می‌دارد «حوزه‌های انتخاباتی همواره از هر نوع انتزاع و الحاق که براساس قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری در حد روستا و دهستان انجام می‌شود تبعیت خواهند کرد»؛ با این حال قوانین عادی مرتبط با حوزه‌بندی انتخابات به لزوم اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه به دلایل دیگر و دوره زمانی آن بی‌توجه بوده است. توضیح اینکه به دلیل تغییرات جمعیتی و تغییرات سایر شاخص‌ها، اغلب مرزهای حوزه‌های انتخابیه نیازمند بازترسیم هستند. بدین معنا که گاهی انحراف فاحش از یک معیار و مقیاس مشخص، تجدیدنظر در مرزهای حوزه‌های انتخابیه از طریق ادغام حوزه‌ها و کاهش نماینده را ضروری می‌کند؛ در برخی موارد افزایش نماینده نیازمند بازترسیم مرزهای حوزه‌ها، از طریق ادغام حوزه‌ها و یا تفکیک حوزه‌ها به دو یا چند حوزه مستقل است. مواردی نیز وجود دارد که بدون افزایش یا کاهش نماینده، تفکیک یک حوزه چندکرسی به حوزه‌های تک‌کرسی و ... نیازمند اصلاح و بازترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه است.

در همه دوره‌های مجلس شورای اسلامی، نمایندگان بر اشکال‌ها و نارسایی‌های جدول حوزه‌های انتخاباتی تأکید داشته و خواستار تجدیدنظر در آن بوده‌اند. به استثنای دوره اول مجلس شورای اسلامی که به دلیل کمبود وقت، بحث اصلاح جدول حوزه‌بندی در لایحه قانون انتخابات نادیده گرفته شد، در همه دوره‌ها طرح و یا لایحه‌ای برای تغییر نظام حوزه‌بندی و یا اصلاح جدول حوزه‌بندی انتخابات به مجلس ارائه شده است. دلایل تلاش برای اصلاح مرزهای حوزه‌ها یا اصلاح نظام حوزه‌بندی انتخابات، عمل به اصل شصت و چهارم قانون اساسی، افزایش جمعیت کشور و حوزه‌ها، نواقص موجود در نظام حوزه‌بندی و یا نواقص موجود در مرزهای حوزه‌ها از منظر شاخص‌های موجود در قانون به‌ویژه نابرابری



جمعیت حوزه‌ها و عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای تقسیمات کشوری بوده است.

۳. **معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه:** اصل شصت و چهارم قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ (قبل از بازنگری)، با ذکر اینکه «عده نمایندگان مجلس شورای ملی ۲۷۰ نفر است و پس از هر ده سال در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر ۱۵۰ هزار نفر یک نماینده اضافه می‌شود»، معیار حوزه‌بندی انتخاباتی را عامل «جمعیت» تعیین کرد و در این اصل قید «۱۵۰ هزار نفر» برای افزایش نماینده تعیین شد که از آن برداشت به داشتن حداقل ۱۵۰ هزار نفر جمعیت برای داشتن یک نماینده نیز می‌شود. از سال ۱۳۶۲ و با تصویب قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵، برای اولین بار در تاریخ حوزه‌بندی انتخاباتی کشور، عامل جغرافیایی «مرزهای سیاسی محلی» به‌عنوان معیاری برای حوزه‌بندی به عامل جمعیت که از دوره مشروطه اغلب یگانه معیار حوزه‌بندی انتخاباتی بود، اضافه شد. با این حال تبصره «۳» ذیل ماده (۲) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۱۰ نیز عامل «جمعیت» و حدنصاب ۱۵۰ هزار نفر را معیار افزایش تعداد نمایندگان تعیین کرد.

در فرایند تدوین و تصویب قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۶/۰۱/۳۰ که درواقع اولین تغییر در جدول حوزه‌بندی ضمیمه قانون انتخابات مصوب شورای انقلاب بود، با وجود تأکید اصل شصت و چهارم قانون اساسی و نیز تبصره «۳» ذیل ماده (۲) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۱۰، عامل جمعیت تحت تأثیر توجه بیشتر به سایر ملاحظات ازجمله مسائل سیاسی حوزه‌های انتخابیه و تطابق مرزهای حوزه‌ها با مرزهای تقسیمات کشوری، در حاشیه قرار گرفت. درعین حال در قانون تصویب شده، به تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای تقسیماتی نیز به‌صورت کامل عمل نشد. درواقع معیار و رویه واحدی در ترسیم مرزهای همه حوزه‌ها اتخاذ نشد. در برخی حوزه‌ها تقسیمات اداری، در برخی حوزه‌ها عامل جمعیت و در دیگر حوزه‌ها سایر مقتضیات مبنای عمل حوزه‌بندی قرار گرفت. درنتیجه قانونی که تصویب شد هم به‌لحاظ برابری جمعیت حوزه‌ها و هم تطابق مرزهای حوزه‌ها با تقسیمات اداری ایرادهای زیادی داشت.

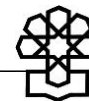
با بازنگری در اصل شصت و چهارم قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، حدنصاب ۱۵۰ هزار نفر برای افزایش نماینده که درواقع به نوعی نشانگر حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده بود، حذف شد و معیار حوزه‌بندی از تأکید بر عامل جمعیت به «عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها» تغییر یافت. تاکنون در قوانین جمهوری اسلامی ایران، مقرر قانونی که عوامل مطرح در اصل شصت و چهارم قانون اساسی را تعریف عملیاتی کند و برای آنها شاخص‌های دقیق تعیین کرده و وزن و سهم هر کدام را در ترسیم مرزهای حوزه‌ها و تعداد نمایندگان تعیین کند وجود ندارد. با وجود اینکه در بند «۱» سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری بر عامل «جمعیت و مقتضیات اجتناب‌ناپذیر»

به‌عنوان معیاری برای حوزه‌بندی تأکید شده است، اما در این بند نیز به حداقل تعداد «جمعیت» برای داشتن یک نماینده و میزان مجاز انحراف از آن اشاره‌ای نشده است. ازسویی «مقتضیات اجتناب‌ناپذیر» نیز نیازمند تعیین دقیق شاخص‌ها در قالب یک مقررہ قانونی است.

به این ترتیب در حالی‌که پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۸، چالش مهم در امر حوزه‌بندی این بود که میزان انحراف مجاز از مقیاس عددی ۱۵۰ هزارنفر برای داشتن یک نماینده توسط قانون تعیین نشده بود و برخی ملاحظات ازجمله تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای تقسیمات کشوری سبب در حاشیه قرار گرفتن عامل جمعیت در امر حوزه‌بندی شد؛ از این زمان به بعد، نبود حدنصاب جمعیتی برای داشتن یک نماینده و عدم مشخص بودن میزان انحراف از آن، در کنار کلی بودن و مشخص نبودن دقیق شاخص‌ها و میزان تأثیر عوامل سیاسی و جغرافیای و نظایر آن، اصلاح جدول حوزه‌بندی انتخابات و افزایش نمایندگان را با چالشی جدی مواجه ساخته و رسیدن به توافق در این زمینه را دشوار کرده است. به‌گونه‌ای که با گذشت زمان تعداد طرح‌های ارائه شده در این زمینه بیشتر شده، اما نتیجه کمتر حاصل شده است؛ مسئله‌ای که برخی اعضای شورای بازنگری قانون اساسی، طی فرایند بازنگری اصل شصت و چهارم قانون اساسی به‌درستی آن را پیش‌بینی کرده بودند.

با وجود اینکه اصل شصت و چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد «از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر ۲۰ نفر نماینده می‌تواند اضافه شود» و هرچند اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه در دوره‌های مختلف از دغدغه‌های اصلی مجلس شورای اسلامی بوده است و پس از سال ۱۳۶۸ در همه ادوار مجلس طرح‌ها و لوایحی برای اضافه شدن ۲۰ نماینده به مجلس ارائه شده است، اما در این میان تنها یک لایحه در سال ۱۳۷۸ به تصویب نمایندگان رسید که این قانون نیز نتوانست یک حوزه‌بندی عادلانه را به ارمغان آورد. پس از سال ۱۳۷۸، ۱۵ طرح و لایحه برای افزایش تعداد نمایندگان مجلس یا اصلاح نظام حوزه‌بندی انتخابات به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است؛ که هیچ کدام به نتیجه نرسیده است.

با توجه به گذشت ۲۱ سال از تصویب قانون اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها (مصوب ۱۳۷۸/۰۸/۱۲) و نیز افزایش جمعیت کشور و جمعیت اغلب حوزه‌ها، عدم برابری جمعیت و عدم برابری حق رأی‌دهی بیشتر شده است، به‌گونه‌ای که امروزه وضعیت بغرنجی بر آخرین جدول حوزه‌های انتخابیه از منظر تعداد نمایندگان حوزه‌ها نسبت به جمعیت آنها وجود دارد. این وضعیت نیازمند نه‌تنها اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه کنونی مجلس بلکه مهم‌تر از آن اصلاح نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی است.



۴. مشارکت مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه: پس از انقلاب اسلامی ایران، سازوکاری برای دخالت مستقیم مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه شکل نگرفته است.

در نهایت باید گفت که آسیب‌هایی که امروزه متوجه نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس در جمهوری اسلامی ایران است، همان آسیب‌هایی است که در دوره مشروطه نیز بر نظام حوزه‌بندی انتخابات حاکم بوده است؛ با این تفاوت که پس از انقلاب اسلامی ایران، با حذف مقیاس «حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده» توسط قانون در سال ۱۳۶۸، بر آسیب‌های مذکور افزوده شده است.

مقدمه

یکی از پیش‌نیازهای اصلی برگزاری انتخابات، تقسیم سرزمین به حوزه‌های انتخاباتی با مرزهای مشخص و مبتنی بر قوانین انتخاباتی است. حوزه‌های انتخاباتی به‌عنوان بستری برای انتخاب نمایندگان مردم، هم کل فرایند انتخابات و هم نتایج آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از آنجا که انتخابات در چارچوب حوزه‌های انتخابیه برگزار می‌شود، نحوه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه به‌طور اساسی بر ماهیت نمایندگی سیاسی تأثیر می‌گذارد. به‌دلیل همین تأثیرگذاری و اهمیت است که مسئله ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه اغلب تبدیل به مسئله‌ای منازعه‌برانگیز می‌شود. اگر یک چارچوب حقوقی مشخص برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه وجود نداشته باشد، فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه ممکن است با پیامدهای منفی روبه‌رو شود. البته چنانچه نظام انتخاباتی یک کشور به گونه‌ای است که در آن نیازی به اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه در فواصل زمانی منظم نیست، در این صورت اگر قوانینی در رابطه با ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه تدوین نشود، چندان مشکلی ایجاد نخواهد شد، اما اگر نظام انتخاباتی یک کشور به گونه‌ای است که اصلاح مرزهای حوزه‌ها در فواصل زمانی منظم ضروری است، به‌ویژه اگر نظام انتخاباتی مبتنی بر حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده باشد، ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و تغییر و اصلاح این مرزها در فواصل زمانی معین، فرایندی مهم، حساس، پیچیده و نیازمند یک ساختار رسمی و مجموعه‌ای از قوانین برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه است.

فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه که از آن تحت عنوان فرایند تحدید مرزهای حوزه‌های انتخابیه هم یاد می‌شود، عبارت است از ترسیم تعدادی خط بر روی نقشه با هدف تقسیم یک منطقه به چندین حوزه انتخابیه مجزا که از هر یک از آنها یک یا چند نماینده انتخاب می‌شوند. در ساختار رسمی و مجموعه قوانینی که در رابطه با ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه ایجاد می‌شود، باید به مسائل زیر پرداخته شود (هندلی و گروفنم، ۱۳۹۵: ۴۹۷-۵۱۹):

- **نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه:** در اینجا این پرسش‌ها وجود دارد که چه کسی مسئول ترسیم طرح اولیه مرزهای حوزه‌های انتخابیه است؟ تصویب نهایی طرح اولیه مرزهای حوزه‌های انتخابیه برعهده چه نهادی است؟ آیا مجلس قانونگذاری باید در ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه نقش داشته باشد؟ اگر پاسخ به این سؤال منفی است، آخرین مقامی که باید طرح ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه را تأیید و به تصویب نهایی برساند کیست؟ آیا دستگاه قضایی نقشی در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه دارد؟ آیا امکان شکایت از نحوه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه (مثلاً در دادگاه‌ها) وجود دارد؟

- **علت (یا علل) اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه:** در اینجا این پرسش وجود دارد که چه عاملی باعث می‌شود که مرزهای حوزه‌های انتخابیه اصلاح شوند؟ آیا این فرایند باید پس از یک مدت زمان معین (مثلاً هر ده سال یکبار)، یا پس از هر سرشماری جمعیتی، یا پیش از هر دوره انتخابات مجلس قانونگذاری صورت گیرد؟

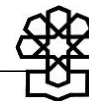
- **تعیین معیارها برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه:** مهم‌ترین پرسش این است که نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه این کار را باید براساس چه معیارهایی انجام دهد؟

- **مشارکت مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه:** سؤالی که در این خصوص وجود دارد این است که آیا باید سازوکاری برای مداخله مستقیم مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه وجود داشته باشد؟ اگر پاسخ مثبت است، این سازوکار باید به چه شکل باشد؟

با توجه به پرسش‌های فوق، قوانین و مقررات مرتبط با چگونگی ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید دربرگیرنده شاخص‌ها و معیارهای زیر باشند:

- **مستقل و بی‌طرف بودن مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه:** چارچوب حقوقی که برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه تدوین می‌شود باید بر این مسئله تأکید داشته باشد که فرد یا نهادی که مسئولیت ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه را برعهده دارد، مستقل، غیرحزبی و بی‌طرف باشد.

- **برابری قدرت رأی‌دهی:** ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید به‌گونه‌ای باشد که برابری حقوق رأی‌دهی حفظ شود، برای این کار لازم است مرزهای حوزه‌های انتخابیه به‌گونه‌ای ترسیم شوند که نسبت رأی‌دهندگان به نمایندگان در همه حوزه‌های انتخابیه تقریباً با هم برابر باشد. در مورد حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده مرزهای حوزه‌ها حتماً باید به‌شکلی ترسیم شوند که جمعیت آنها تقریباً با هم برابر باشند. این کار باید بر مبنای آمارهای به‌دست آمده از سرشماری‌های جمعیتی یا آمار مربوط به ثبت‌نام از رأی‌دهندگان صورت گیرد. همچنین به هنگام ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید به معیارهای دیگری مثل جغرافیا، تراکم جمعیت و مرزهای اداری موجود نیز توجه شود.



- **مداخله مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه:** در قانون انتخابات باید سازوکارهایی مشخص برای مشارکت و مداخله مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه پیش‌بینی شود. مشارکت مردم در این فرایند، حتی اگر به شکل محدود باشد، باعث شفافیت خواهد شد و وجهه دموکراتیک این فرایند را تقویت خواهد کرد.

ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخاباتی در ایران، همواره مسئله‌ای چالش‌برانگیز بوده است و نظام حوزه‌بندی انتخاباتی از منظر الزامات ساختار رسمی فوق‌الذکر، همواره ایرادهای اساسی داشته است. با وجود همه تغییراتی که در حوزه‌های انتخاباتی به وجود آمده است، حوزه‌بندی‌های انجام شده نتوانسته اهدافی مانند برابری حق رأی‌دهی را تأمین کند. از این رو اصلاح نظام کنونی حوزه‌بندی انتخابات ضروری به نظر می‌رسد. اصلاح نظام مذکور باید به گونه‌ای باشد که با توجه به الزامات ساختار رسمی و مجموعه قوانین مرتبط با حوزه‌بندی انتخاباتی، سازوکاری دقیق را برای حوزه‌بندی انتخاباتی و تغییر آن طی زمان ارائه دهد.

از آنجا که ویژگی‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک کشور می‌تواند تأثیری عمیق بر نحوه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه در آن کشور بگذارد، در گزارشی مجزا به بررسی چگونگی شکل‌گیری و آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس و تحولات آن در دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران پرداخته شد.^۱ مهم‌ترین نتیجه گزارش مذکور، از منظر الزامات ساختار رسمی و مجموعه قوانین مرتبط با ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه به شرح ذیل است:

اول، نهاد مسئول طراحی اولیه مرزهای حوزه‌های انتخاباتی در دوره مشروطه هیچ‌گاه توسط قانون مشخص نشد (به استثنای تبصره ذیل ماده واحده قانون افزایش تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی، مصوب ۱۰ تیر ۱۳۴۶ و قانون تفسیر این تبصره که دولت را مکلف می‌کرد لایحه حوزه‌بندی کامل کشور را براساس نتایج سرشماری ۱۳۴۵ به مجلس ارائه کند). در ادوار ابتدایی مجلس شورای ملی عمدتاً نمایندگان مجلس ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه را به انجام رساندند و از مجلس شانزدهم ترسیم طرح اولیه جدول حوزه‌بندی انتخابات را دولت برعهده گرفت. درواقع نهاد مسئول این امر در عصر مشروطه هیچ‌گاه مستقل، بی‌طرف و غیرحزبی نبود.

دوم، با وجود اینکه معیار ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه در دوره مشروطه عامل «جمعیت» بود، اما به دلایل مختلف حوزه‌بندی انجام شده به تأمین برابری حق رأی‌دهی در کشور منجر نشد. در ادوار ابتدایی مجلس مهم‌ترین دلیل این مسئله نبود اطلاعات رسمی از جمعیت مناطق مختلف کشور، عدم تعیین حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده و عدم تعیین میزان انحراف مجاز جمعیت یک حوزه از یک مقیاس مشخص بود. هرچند با اصلاح ماده (۴) قانون اساسی مشروطه در سال ۱۳۳۶،

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به گزارش آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس در ایران ۱. دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۷۱۳۰.

مقیاس عددی «یکصدهزارنفر» برای داشتن یک نماینده تعیین شد و با برگزاری اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۳۵، اطلاعات مربوط به جمعیت مناطق مختلف کشور جهت امر حوزه‌بندی در دسترس قرار گرفت، اما مسئله میزان انحراف مجاز از مقیاس یکصدهزارنفر همچنان مسکوت ماند. در نتیجه در دو قانون تصویب شده پس از این مقطع زمانی (۱۳۳۹ و ۱۳۵۰) نیز به معیار هر یکصدهزارنفر یک نماینده به صورت کامل عمل نشد. همچنین تک‌عاملی بودن معیار ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه سبب نادیده انگاشتن مقتضیات جغرافیایی مانند رعایت مرزهای سیاسی محلی و پیوستگی جغرافیایی نقاط درون حوزه‌ها شد. با وجود اینکه نمایندگان مجلس شورای ملی همواره معترض ایرادهای مذکور بودند، اما تدبیری برای رعایت عوامل جغرافیایی به عنوان معیاری برای حوزه‌بندی انتخاباتی، در قالب یک ماده قانونی اندیشیده نشد. در نتیجه حوزه‌بندی‌های انجام شده به‌ویژه در ادوار ابتدایی مجلس شورای ملی اغلب با مقتضیات جغرافیایی تناسبی نداشت.

با وجود اینکه اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه در دوره‌های مختلف از دغدغه‌های اصلی مجلس شورای ملی بود؛ اما نقایص فوق سبب شد که هیچ‌گاه حوزه‌بندی‌های انجام شده طبق معیار تعیین شده در قانون نباشد. در گزارش حاضر تلاش خواهد شد به آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی انتخابات پس از انقلاب اسلامی ایران پرداخته شود.

۱. تغییرات نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس پس از انقلاب اسلامی

۱-۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، تحولات عمیقی در اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران به وجود آمد. نخستین گام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تغییر نظام سیاسی بود که با انجام همه‌پرسی محقق شد. گام دوم تدوین قانون اساسی بود. پیش‌نویس قانون اساسی که به فرمان امام خمینی (ره) تدوین شد و توسط شورای انقلاب و دولت موقت بحث و بررسی شده بود، برای اطلاع همگان در تاریخ ۱۳۵۸/۰۳/۲۴ در روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شد. سپس با تأکید رهبر انقلاب بر تشکیل مجلس خبرگان جهت بررسی قانون اساسی، قانون انتخابات مجلس مذکور توسط شورای انقلاب در تاریخ ۱۳۵۸/۰۴/۱۴ به تصویب رسید و در تاریخ ۱۳۵۸/۰۵/۱۲ انتخابات عمومی انجام گرفت و «مجلس خبرگان» تحت عنوان «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی» در تاریخ ۱۳۵۸/۰۵/۲۸ با عضویت ۷۲ نماینده از اسلام‌شناسان و فقهای بزرگ افتتاح شد (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۲۴-۲۵). این مجلس با تشکیل جلسات متعدد خصوصی و ۶۷ جلسه علنی اصول تهیه شده در کمیسیون‌ها را در معرض رسیدگی و رأی‌گیری قرار داد و در ۱۳۵۸/۰۸/۲۴ تدوین قانون اساسی را به سرانجام رساند.



اصل شصت و چهارم قانون اساسی (اصل پنجاهم در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی) پس از مشورت با اهل فن، ابتدا در جلسه خصوصی و سپس در جلسه علنی بررسی شد. پیش‌نویس اصل مذکور بدین شرح بود «عده نمایندگان مجلس شورای ملی ۲۷۰ نفر است و پس از هر ۱۰ سال در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر ۱۵۰ هزار نفر یک نماینده اضافه می‌شود، زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال دو نماینده جداگانه انتخاب می‌کنند و در صورت افزایش جمعیت هر یک از این اقلیت‌ها به ازای هر ۱۵۰ هزار نفر اضافی یک نماینده اضافی خواهند داشت. مقررات مربوط به انتخابات را قانون معین می‌کند».

مسئله مورد سؤال برخی اعضای مجلس تکلیف نقاطی بود که کمتر از ۱۵۰ هزار نفر جمعیت داشتند. در این زمینه رئیس مجلس تأکید کرد که نمایندگان چنین نقاطی از آنها گرفته نخواهد شد.^۱ مخالفان ذکر قید ۱۵۰ هزار نفر به عنوان حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده استدلال‌های مختلفی بیان می‌کردند. برخی معتقد بودند ذکر عدد ۱۵۰ هزار نفر سبب می‌شود پس از گذشت دو دهه تعداد نمایندگان به ۵۰۰ نفر برسد. یک دیدگاه نیز وجود داشت که طبق آن تعداد نمایندگان باید کم می‌شد و به هر استان یا هر ۵۰۰ هزار نفر یک نماینده اختصاص می‌یافت به این دلیل که افراد لایق‌تری به عنوان نماینده انتخاب شوند و هزینه‌های مجلس کمتر شود.^۲ موافقان ذکر قید ۱۵۰ هزار نفر اعتقاد داشتند که تعیین ۲۷۰ نفر نماینده با توجه به تجارب قبلی مجلس است و جدول آن تنظیم شده و قبول شده است و با توجه به وضعیت مملکت قید ۱۵۰ هزار نفر و ۲۷۰ نماینده معقول است و نباید از تعداد نمایندگان کاست.^۳ برخی نیز اعتقاد داشتند از هر شهرستان یک نماینده انتخاب شود و تعداد

۱. منتظری بیان کرد «بعضی از شهرستان‌ها که تعداد جمعیت‌شان کمتر از ۱۵۰ هزار نفر است ... که نماینده داشتند حالا هم دارند ولو جمعیت‌شان کمتر از ۱۵۰ هزار نفر باشد ... هر منطقه‌ای که بعد از ۱۰ سال ۱۵۰ هزار نفر به جمعیت‌شان اضافه شده باشد يك نفر اضافه می‌شود این موضوع مربوط به اقلیت‌ها هم می‌شود اگر چنانچه در این مورد عبارت رسا نیست می‌توانیم اینجا هم در مورد اقلیت‌ها اضافه کنیم «و در صورت افزایش جمعیت پس از ده سال».

۲. ضیائی بیان کرد «عده نمایندگان، ببینیم تا چه اندازه پایه مصلحتی امت را دارد و تا چه اندازه جنبه شرعی و تا چقدر مصلحت امت در آن نهفته است. ... مکتب دموکراسی خواسته‌های مردم را قانونی می‌کند، اما مکتب الهی مصالح مردم را. ... شما به عنوان نمایندگان ملت الان می‌خواهید قوانین را وضع کنید. می‌دانیم که نمایندگان ملت طبق وظیفه‌ای که از ناحیه مردم دارند، قاطبه مردم را باید در نظر بگیرند والا نماینده نیستند. حالا ببینیم غبطه مردم در چیست؟ در ۳۰۰ تا وکیل تراشیدن است؟ در ۵۰۰ تا وکیل تراشیدن است یا کمتر از آن؟ اگر مقصود تطبیق آن با قانون الهی یا قانون است پس با حداقل ممکن، منظور حاصل می‌شود که هر استانی يك نفر یا لااقل هر پانصد هزار نفری، يك نفر، به عنوان نماینده مردم انتخاب کنند و هر چقدر تعداد آنها کمتر باشد بهترین آنها روی کار می‌آیند و آنها می‌توانند با عدد کم ولی با فهم بیشتر، بهتر تفاهم کنند و مسائل و مشکلات را حل نمایند. شما خیال می‌کنید آیندگان از نمایندگان ملت، مثل گذشتگان نخواهند بود؟ هر کسی که ذی‌نفوذتر است، ... او را وکیل می‌کنند نه آن کسی که غم مردم را بیشتر می‌خورد و درایت بیشتر دارد. در گذشته شاید این جهت را ایجاب می‌کرد که وکلا یا صاحب نفوذانی، مثل مالک‌ها، بچه مالک‌ها و فنودال‌ها را انتخاب می‌کردند و آنها هم می‌آمدند برای اینکه يك منصبی را اشغال کنند و بعد بتوانند جوازها بگیرند و اختلاس‌ها و ... و قانون‌شکنی‌ها بکنند و ... درحقیقت به نفع خودش حق موکلین و مردم مملکت خود را بقاءد. ... شاهد حرف من بعضی از وکلای گذشته هستند ... وکلای آینده مثل وکلای گذشته شما هستند و اینها مخارجی خواهند داشت. ... من نمی‌دانم شما از روی چه معیار و میزانی می‌خواهید تعداد وکلا را اضافه کنید؟ چرا هر پانصد هزار نفر جمعیت يك وکیل نداشته باشند؟ ... مصلحت مردم در این است که با خرج کمتر وکلای بهتر را انتخاب کنند. ... آن شوراهایی که درست خواهد شد، این کارهای عمرانی، اقتصادی بهداشتی و اجتماعی شهرها و دهات را انجام خواهند داد. ... من معتقدم هر استانی يك نماینده یا در مقابل هر پانصد هزار نفر، يك نماینده کافی است ...».

۳. دکتر آیت بیان کرد «آقای دکتر ضیائی ... شاید اگر محمدعلی شاه چنین تئوریسینی داشت احتیاجی به آن همه مبارزه با مشروطیت نداشت و می‌گفت همه مردم يك نماینده داشته باشند. ... ما باید فلسفه مسئله را در نظر بگیریم. اولاً ... «امر هم شورې بینهم» مفهومش همین پارلمان است ... تنها قوانین کلی و اساسی مثل مدنی و جزایی مطرح نیست بلکه هزاران مسئله امروز وجود دارد که باید مقرراتش ... به تصویب مجلس برسد. ... يك نفر نمی‌تواند به کار پانصد هزار نفر وارد شود، اما به مسائل يك منطقه كوچك وارد است. ... مسلماً ... با این ایمان ملت ... آن‌گونه مجلسی که آقای دکتر ضیائی نگرانش

باقی‌مانده نسبت به جمعیت شهرستان‌ها به آنها اضافه شود. نایب رئیس مجلس در این زمینه اعتقاد داشت که در اولین فرصت می‌توان چنین تقسیم‌بندی را انجام داد.^۱

درنهایت اصلی که تصویب شد و در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ با برگزاری همه‌پرسی به تصویب ملت رسید بیان می‌دارد «عده نمایندگان مجلس شورای ملی ۲۷۰ نفر است و پس از هر ده سال در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر ۱۵۰ هزارنفر یک نماینده اضافه می‌شود. زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می‌کنند و در صورت افزایش جمعیت هر یک از اقلیت‌ها پس از هر ده سال به ازای هر ۱۵۰ هزارنفر اضافی یک نماینده اضافی خواهند داشت. مقررات مربوط به انتخابات را قانون معین می‌کند» (مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلسه ۳۱۶۱، ۴ و ۱۵ مهر ۱۳۵۸).

گام سوم، تدوین اولین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی بود. وضع قانون نیز بنابر اصل هفتادویکم از وظایف مجلس شورای اسلامی است. اما در آن زمان، انتخاباتی برای گزینش نمایندگان انجام نشده بود و مجلسی وجود نداشت که قانون انتخابات را تصویب کند. بنابراین شورای انقلاب اسلامی که اداره امور کشور را در دست داشت و امور و وظایف قوه مقننه و مجریه را انجام می‌داد، تدوین قانون انتخابات و جدول حوزه‌های انتخابیه به‌عنوان بخشی از آن را برعهده گرفت (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۲۴-۲۵).

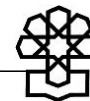
۲-۱. قانون انتخابات مجلس شورای ملی، مصوب شورای انقلاب (۱۳۵۸/۱۱/۱۷)

تدوین قانون انتخابات توسط شورای انقلاب همراه با جنجال سیاسی و بحث و گفتگوهای فراوانی بود. در زمان طرح تدوین پیش‌نویس قانون انتخابات به‌ویژه یکی از مسائلی که اختلاف‌نظر زیادی در مورد آن وجود داشت منطقه‌ای کردن انتخابات در تهران و صدور کارت اقامت برای ساکنان آن بود که به‌شدت مورد مخالفت برخی افراد و گروه‌ها قرار گرفت.^۲ نظر وزارت کشور لغو این طرح بود. شورای انقلاب آن را در تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۵۸ ملغی کرد (همان: ۶۸-۶۹).

هستند، به‌وجود نخواهد آمد ... بنابراین ما باید کوشش کنیم که مردم هر چه بیشتر در مجالس نماینده داشته باشند. ... این ۲۷۰ نفر نماینده بر مبنای ۷۲ سال تجربه است. جدولش تنظیم شده و کارهایش شده است اگر بخواهیم آن را به‌هم برنیم باید مدت‌ها وقت صرف کنیم ... آنهم با این حالت بحرانی، اگر فردا بخواهیم برای یک منطقه نماینده بیشتری در نظر بگیریم، ... مناطق دیگر هم می‌گویند که ما هم نماینده بیشتر می‌خواهیم ... در حالی که حالا این جدول تنظیم شده و قبول شده است و این دردسر را ندارد ... با توجه به وضع مملکت ما که تقریباً یک واحد ۱۵۰ هزارنفری، واحدی است که مردمش همدیگر را می‌شناسند و مسائلشان بسیار با یکدیگر تلفیق شده است، این معیار ۲۷۰ نفر، معیار ... معقولی است».

۱. میرمراذهی بیان کرد «من ... یک پیشنهاد دارم و آن این است که حداقل از هر حوزه فرمانداری یک نماینده انتخاب شود. ... و به نسبت جمعیت، از آن میزانی که در نظر گرفته‌اید، اضافه شود. نایب رئیس مجلس (دکتر بهشتی)، در پاسخ بیان کرد «با همین عدد هم نظر شما تأمین است چون عده شهرهایی که فرمانداری دارد همانست که شوراهایش اعلام شد، یعنی ۱۶۴ فرمانداری. پس از این ۲۷۰ نفر، حدود ۱۶۴ فرمانداری داریم که ۱۰۶ نفر باقی می‌ماند. منتها در تقسیم‌بندی کنونی این اصل رعایت نشده، در اولین فرصت می‌شود عده نمایندگان را طوری تقسیم کرد که نقطه نظر شما تأمین شود».

۲. بر این اساس تهران به ۲۴ منطقه انتخاباتی تقسیم می‌شد که هر منطقه می‌توانست چند نامزد نمایندگی داشته باشد و هر نامزد نمایندگی تنها می‌توانست در یک منطقه انتخاباتی کاندید شود. همچنین هر فرد تهرانی می‌توانست فقط به کاندید منطقه خود رأی دهد. طرح چنین پیشنهادی براساس این استدلال بود که اولاً نمایندگان مجلس باید کاملاً به‌وسیله مردم شناخته شده باشند، و مردم در انتخاب آنها تحت تأثیر تبلیغات و عوام‌فریبی قرار نگیرند. ثانیاً تهران شهر بزرگی است و بیشترین تعداد نماینده را دارد و ثالثاً بیشتر فعالیت‌های گروه‌ها، احزاب، جمعیت‌ها و سازمان‌ها در تهران متمرکز است. به همین دلیل این احتمال وجود دارد که بسیاری از کاندیدها بتوانند با تبلیغات و جوسازی احزاب به‌صورت ناشناخته وارد مجلس شوند.



درنهایت در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۷، قانون جدید انتخابات با رسیدگی در شورای انقلاب تحت عنوان «قانون انتخابات مجلس شورای ملی» به تصویب نهایی رسید و در ۱۳۵۸/۱۱/۱۸ در روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شد. براساس ماده (۲) این قانون «به موجب اصل شصت و چهارم قانون اساسی عده نمایندگان مجلس شورای ملی کشور جمهوری اسلامی ایران جمعاً ۲۷۰ نفر می‌باشد که تقسیم آن براساس جدول ضمیمه این قانون می‌باشد». براساس تبصره ذیل این ماده از تعداد کل نمایندگان پنج نفر مربوط به اقلیت‌های مذهبی است «زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده». شایان ذکر است که در اصلاحات متعاقب شورای انقلاب بر این قانون هیچ تغییری در حوزه‌بندی انجام شده رخ نداد. از آنجا که مشروح مذاکرات شورای انقلاب در زمینه تدوین و بررسی قانون انتخابات در دسترس نیست، نمی‌توان به صورت دقیق بیان کرد که حوزه‌بندی انجام شده توسط این شورا دقیقاً براساس چه معیاری بوده است. با این حال طبق گفته‌های متعدد برخی نمایندگان در دوره‌های بعد این جدول براساس جدول تدوین شده در دوره پهلوی و اعمال تغییرات جزئی در آن بوده است.^۱

در ادامه تغییرات به وجود آمده در قوانین مرتبط با حوزه‌بندی انتخابات و نیز فرایند بررسی طرح‌ها و لوایح ارائه شده به مجلس با هدف اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه یا اصلاح نظام حوزه‌بندی انتخابات توسط دولت و نمایندگان مجلس از دوره اول تا دوره دهم تشریح خواهد شد. بررسی روند تحولات قوانین مرتبط با حوزه‌بندی، جدول حوزه‌های انتخابیه و تلاش‌های انجام شده برای اصلاح آن یا اصلاح نظام حوزه‌بندی انتخابات، نواقص موجود در نظام حوزه‌بندی انتخابات را آشکار می‌سازد.

۳-۱. دوره اول مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۵۹ - خرداد ۱۳۶۳)

به دلیل نواقصی که در قانون انتخابات وجود داشت، لایحه قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۱۲ به مجلس ارائه شده و درنهایت پس از تغییراتی در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۹ به تصویب مجلس و در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسید. طبق ماده (۲) این قانون «عدد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر می‌باشد». براساس تبصره «۲» این ماده «جدول حوزه‌های انتخابیه دور دوم بر مبنای جدول دوره اول مجلس شورای اسلامی است». تبصره «۳» نیز بیان می‌داشت «از تاریخ رسمیت یافتن دوره اول مجلس شورای اسلامی هر ده سال یک‌بار براساس آمار سرشماری کشور در هر حوزه انتخابیه به نسبت هر ۱۵۰ هزار نفر اضافی یک نماینده اضافه می‌شود».

طی فرایند تصویب این قانون، برخی نمایندگان با اشاره به اشکالات و نارسایی‌های جدول

۱. برای مثال در دوره دوم، غراوی بیان کرد، «در رژیم گذشته يك جدول حوزه انتخاباتی تصویب شده بود ... چون وقتی برای تدوین يك تقسیمات کشوری و یا محدوده تعیین حوزه‌های انتخاباتی وجود نداشت با تصویب مجلس شورای اسلامی در دوره اول همان مصوبه شورای محترم انقلاب برای مجلس دوره دوم نیز ملاک قرار گرفت» (مشروح مذاکرات مجلس دوم شورای اسلامی، جلسه ۳۲۹، ۲۷ آبان ۱۳۶۵).

حوزه‌های انتخابات، خواستار اعمال اصلاحاتی در آن بودند. اما به دلایلی از جمله بررسی مسائل تقسیمات کشوری کمیسیون تشخیص داد که فرصت کافی برای اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه وجود ندارد. به همین دلیل تصمیم گرفته شد که پس از اجرای قانون جدید تقسیمات کشوری توسط وزارت کشور، در مورد جدول حوزه‌های انتخابیه تصمیم‌گیری شود.^۱

شایان ذکر است که لایحه تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری که قبل از لایحه انتخابات به مجلس تقدیم و توسط کمیسیون شوراها و امور داخلی بررسی شد، بر تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه بر مرزهای سیاسی-اداری در سطح شهرستان تأکید داشت. در مقابل نمایندگانی که بر لزوم هماهنگی حوزه‌های انتخابیه با تقسیمات کشوری در سطح شهرستان تأکید داشتند؛ نمایندگان مخالف استدلال می‌کردند که ضروری است بخش‌های دارای جمعیت زیاد یک نماینده مستقل داشته باشد و در نظر گرفتن شهرستان به عنوان حداقل واحد برای محدوده حوزه انتخابیه از کارایی نمایندگانی می‌کاهد.^۲ در این میان مخبر کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور و همچنین وزارت کشور استدلال می‌کردند که طبق قانون تقسیمات کشوری بخش‌های پرجمعیت به شهرستان تبدیل خواهند شد و این مسئله رفع خواهد شد.^۳ (مشرح مذاکرات دوره اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۴۸۶، ۱۴ تیر ۱۳۶۲). در نهایت تبصره «۲» ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵ بیان می‌دارد «حوزه‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی حتی‌الامکان منطبق به محدوده شهرستان‌ها و هر حوزه انتخاباتی متشکل از یک یا چند شهرستان خواهد بود. محدوده حوزه‌های انتخابات را قانون معین می‌کند». با وجود اینکه اصل شصت و چهارم قانون اساسی در این مقطع زمانی بر مقیاس عددی ۱۵۰ هزار نفر برای داشتن یک نماینده تأکید داشت و با وجود تأکید قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری بر تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای تقسیمات کشوری در سطح شهرستان، تدبیری برای تطابق حداقل جمعیت شهرستان با حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری اندیشیده نشد. به عبارت دیگر در حالی که تبصره «۲» ماده (۱۴)

۱. معزی (معاون پارلمانی وزارت کشور) درباره چرایی عدم تغییر جدول حوزه‌های انتخابیه بیان کرد «در کمیسیون نمایندگان محترم مجلس ... بحث شده بود آیا جدیداً بایم تعیین کنیم حوزه را یا اینکه همان حوزه‌های قبلی. دیدند مسائل بررسی تقسیمات کشوری لازم دارد، آمار لازم دارد، سیاسی اقتصادی اجتماعی و عمرانی را باید بررسی بکنند تا ببینند یک به یک حوزه‌ها تعیین بشود لذا دیدند از نظر زمانی امکان ندارد خود نمایندگان محترم در کمیسیون تبصره «۲» را آوردند».

۲. برای مثال طیب بیان کرد «در استان اصفهان ما یک بخش داریم که دویست و خرده‌ای هزار نفر جمعیت دارد یعنی معادل بعضی از استان‌های کشور، این بخش با این جمعیت چرا نماینده مستقل نداشته باشد، اگر ما ... بگوییم این بخش به اضافه سه، چهار بخش دیگر که یک شهرستان بسیار بزرگ را تشکیل می‌دهند برای کلش انتخابات برای نماینده‌ها انجام بشود هر نماینده‌ای در آن شهرستان نسبت به هفتصد، هشتصد هزار نفر ممکن است مسئولیت پیدا کند. و عملاً نه مردم می‌دانند به چه کسی مراجعه کنند و نه یک نماینده می‌تواند نسبت به همه مسائل همه آن بخش‌های گسترده و پر جمعیت اطلاعات داشته باشد و صاحب‌نظر باشد که نظرات منطقی و صحیحی را به مسئولین اجرایی توصیه بکند. بنابراین به اعتقاد من هرچه که بشود این واحدهای انتخاباتی را کوچک کرد که نماینده نسبت به محدوده مشخص‌تری مسئولیت داشته باشد بهتر است به جای اینکه یک محدوده وسیع را برایش ۵ یا ۱۰ نماینده تعیین کنیم ... بایم تقسیم به ۵ یا ۱۰ قسمت کنیم، هر قسمتش یک نماینده داشته باشد ... نتیجه اینکه حداقل واحدی که در آن انتخابات برای نمایندگی مجلس انجام می‌شود شهرستان در نظر گرفته شده این از کارایی نماینده‌ها خواهد کاست».

۳. علوی (مخبر کمیسیون شوراها و امور داخلی) بیان کرد «وقتی که ما قید کردیم که بخش‌هایی که حداقل ۸۰ هزار نفر جمعیت دارند در نقاط متوسط تراکم تبدیل به شهرستان بشوند و حداقل ۱۲۰ هزار نفر در نقاط پرتراکم تبدیل به شهرستان بشوند عملاً دیگر بخش‌های آنچنان بزرگی نخواهیم داشت ... آنها تبدیل به شهرستان می‌شود و حوزه انتخابیه‌اش منطبق بر این شهرستان‌ها می‌شود. موارد استثنایی را هم ما در نظر گرفتیم یعنی اگر چنانچه یک شهرستان صد هزار نفری باشد و یک بخش پنجاه هزار نفری باشد که نشود آن را تبدیل به شهرستان دیگری بکنند در این صورت می‌تواند این شهرستان با آن بخش پنجاه هزار نفری یک نماینده داشته باشد و کلمه «حتی‌الامکان» ناظر به این‌گونه موارد استثنایی است».



قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، بر انطباق مرزهای حوزه‌های انتخابیه بر مرزهای سطح شهرستان تأکید داشت، اما در این قانون حدنصاب جمعیتی کمتر از ۱۵۰ هزار نفر برای تأسیس شهرستان تعیین شد.

۴-۱. دوره دوم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۶۳ تا خرداد ۱۳۶۷)

با توجه به ایرادهای موجود در جدول حوزه‌بندی انتخابات مصوب شورای انقلاب و برای رفع آنها، طبق تبصره «۳» ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵، وزارت کشور موظف شد «ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون لایحه قانونی محدوده حوزه‌های انتخاباتی را تهیه و به جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید». اما با گذشت ۶ ماه این امر محقق نشد. در جلسات ابتدایی مجلس دوم، «لایحه تمدید مهلت تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی» توسط دولت به مجلس ارائه شد. طبق این لایحه وزارت کشور موظف بود «تا شروع انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی حوزه‌های انتخاباتی موضوع تبصره «۳» ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری را تعیین نماید» و انتخابات دوره سوم مجلس براساس جدول حوزه‌بندی موجود انجام می‌شد. کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور لایحه مذکور را بررسی و با اصلاحاتی تصویب کرد. واقعیت این بود که در قانون تعاریف و ضوابط و تقسیمات کشوری اصلاح حوزه‌های موجود و تعیین محدوده آنها منوط به دو امر شده بود که هیچ‌کدام از آنها انجام نگرفته و عملاً تهیه لایحه برای وزارت کشور ناممکن بود. مسئله اول آمار جمعیت بود. ماده (۱۷) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری دولت را موظف کرده بود که همزمان با تهیه آیین‌نامه اجرایی قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری آخرین آمار جمعیت را تهیه و این قانون را براساس آن اجرا کند، اما سرشماری جمعیتی در این مدت انجام نشد و در نتیجه یکی از مبناهای اجرای قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری و همچنین لایحه تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه به اجرا درنیامد. از سوی دیگر طبق تبصره «۲» ماده (۱۴) قانون تقسیمات کشوری «حوزه‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی حتی‌الامکان منطبق به محدوده شهرستان‌ها و هر حوزه انتخاباتی متشکل از یک یا چند شهرستان خواهد بود...» و عملاً حوزه‌بندی باید زمانی انجام می‌شد که تقسیمات کشوری اجرا شود و تقسیمات کشوری زمانی اجرا می‌شد که سرشماری جمعیت انجام شود.^۱ با توجه به اینکه طبق ضوابط موجود که هر ده سال یکبار سرشماری عمومی انجام می‌گرفت، پیش‌بینی می‌شد که در سال ۱۳۶۵ سرشماری انجام شود و یکی از الزامات اجرای قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری و حوزه‌بندی محقق شود (مشروح

۱. معزی (معاون وزارت کشور) طی فرایند بررسی این لایحه در مجلس شورای اسلامی استدلال کرد «... بیست و پنج حوزه انتخاباتی ... شهرستان نیستند، بخش هستند، شهریار، فریمان، طرقیه، خواف، برخوار، شبستر، بستان آباد، بناب، کلیبر، ورزقان، بابلسر، مینودشت، رامیان، سروستان، بوکان، بخش رزن، بهار، اسدآباد، دلفان، ملاوی، دورود، کوه‌دشت، ماه‌نشان، بوئین‌زهرا و اردل. طبق قانون تصویب شده همین مجلس که در برج ۱۳۶۲/۵ ابلاغ شده حوزه‌های انتخابی را ما باید بر مبنای شهرستان تشکیل بدهیم، تا شهرستان نشود، حوزه انتخاباتی نمی‌تواند بشود. شهرستان شدن چگونه است؟ ... معیار و ضابطه دیگری هم دارد که آن جمعیت است ... آخرین آماری که ما الان داریم، سال ۱۳۵۵ است ...».

مذاکرات دوره دوم مجلس شورای اسلامی، جلسه ۷۲، ۱۱ دی ۱۳۶۳). در نهایت طبق تصمیم مجلس، وزارت کشور موظف شد براساس آخرین آمار موجود ظرف مدت یک سال هم اجرای قانون تقسیمات کشوری را آغاز کند و هم محدوده حوزه‌های انتخاباتی را معین کند. براساس ماده واحده «قانون اصلاح تبصره «۳» ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری و الحاق یک تبصره به آن» مصوب ۱۳۶۴/۱/۱۸، تبصره «۳» ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری اصلاح و تبصره «۴» به آن الحاق شد. طبق تبصره «۳» اصلاحی، وزارت کشور موظف بود که «حداکثر ظرف یک سال از تاریخ تصویب این قانون لایحه قانونی محدوده حوزه‌های انتخاباتی را همراه با جدول و نقشه مربوطه تهیه و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید» (همان، جلسه ۱۱۷، ۱۸ فروردین ۱۳۶۴).

دولت در خرداد ۱۳۶۵، لایحه محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی، موضوع تبصره «۳» الحاقی به ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۴/۱/۱۸، را به مجلس ارائه داد (همان، جلسه ۲۸۱، ۲۰ خرداد ۱۳۶۵). لایحه در کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور بررسی و با اصلاحاتی تصویب و به مجلس ارائه شد. رویکرد کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در بررسی این لایحه بدین صورت بود که بدون دخل و تصرف جدی در لایحه آن را به مجلس ارائه کند و تصویب حوزه‌بندی موکول به اظهارنظر نمایندگان مجلس شود.^۱ در این لایحه به لحاظ تطابق با تقسیمات کشوری در مقایسه با حوزه‌بندی قبلی حدوداً ۳۶ دهستان و ۲۸ بخش به شهرستان خود بازگشتند و ۴ حوزه جدید هم ایجاد شد و نام بسیاری از حوزه‌های انتخابیه نیز اصلاح شد. از سوی دیگر کمیسیون تلاش کرده بود در امر حوزه‌بندی علاوه بر مرزهای سطح شهرستان به سایر مسائل جغرافیایی مانند فاصله جغرافیایی و عوارض طبیعی نیز توجه شود.^۲ که یک نتیجه این بود که مشکل عدم تطابق با مرزهای سیاسی در سطح شهرستان به صورت کامل حل نشد. محتوای لایحه ارائه شده به مجلس و نیز رویکرد کمیسیون در بررسی این لایحه مورد اعتراض نمایندگان قرار داشت. برخی از مهم‌ترین دلایلی که نمایندگان مخالف با تصویب کلیات لایحه به آن اشاره داشتند عبارت بود از: حل نکردن مشکلات حوزه‌بندی موجود و اضافه شدن مشکلات جدید؛ عدم رعایت حقوق اقلیت‌های دینی؛^۳

۱. در گزارش کمیسیون ذکر شد «در شور اول در کمیسیون تغییرات زیاد و دقت نظرهای خیلی زیادی روی لایحه نشد و موکول به اظهارنظر خود نمایندگان محترم شد که تغییرات جزئی انجام گرفت که باز هم همین تغییرات تصویب نهایی‌اش منوط به نظر خود نمایندگان هر حوزه انتخابیه شد و به دلیل اینکه نظر نمایندگان هر حوزه انتخابیه برای کمیسیون دارای اهمیت بود یک قسمت زیاد از لایحه را بدون دخل و تصرف به مجلس تقدیم کرد ... کمیسیون نظر داشته شور اول رای بیاورد و اصل تغییرات ... را کمیسیون موکول به شور دوم کرد که بتواند از نظریات نمایندگان ... استفاده کند...».

۲. یونس محمدی به عنوان موافق بیان کرد «ما در کمیسیون با برادران عزیز ضمن بررسی‌هایی که کردیم حوزه‌های انتخاباتی را بر قانون تعاریف تقسیمات کشوری منطبق کردیم ... مسئله بعدی وجود مشکلات فراوان برای مردم بود مثلاً یک بخشی که فاصله بسیار زیادی از شهرستانی دارد به آن شهرستان از لحاظ انتخابات ملحق شده در صورتی که شناختی از این کاندیداهایی که خودشان را معرفی کرده‌اند ندارند و اینها به شهرستان دیگر علاقمند هستند و در این لایحه سعی شده که این مشکلات مردم هم حل بشود مثلاً بعضی از جاها عوارض طبیعی وجود دارد کوهستان وجود دارد، صحرا وجود دارد که بین دو تا بخش جدایی ایجاد می‌کند و یک نماینده نمی‌تواند به این دو تا برسد این است که در این لایحه سعی شده تبعیضات از بین برود.

۳. غراوی بیان کرد «من ... با این لایحه مخالف هستم مطلب اول اینکه این لایحه مشکلات حاکم بر تقسیمات کشوری را ... متأسفانه حل نخواهد کرد ... به اعتقاد من روح حاکم و چارچوبی که در این لایحه پیش‌بینی شده چندان فرق و تغییر بنیادی با مصوبه‌ای که در رژیم گذشته وجود داشت ندارد... در اوایل انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی عده‌ای از برادران اهل سنت و تراکمه در ارتباط با تقسیمات کشوری و حوزه انتخاباتی منطقه گنبد و ترکمن‌صحرا خدمت مسئول سیاسی زمان آقای ناطق نوری رسیدند ایشان هم طرح کردند که این قانون، قانونی است که در رژیم گذشته تصویب شده



بی‌توجهی به نظرات مردم در حوزه‌بندی؛^۱ عدم برخورداری نمایندگان از دانش لازم برای اظهارنظر درباره حوزه‌بندی نهایی؛^۲ و عدم لزوم ایجاد حوزه‌های جدید و کوچک‌تر (همان، جلسه ۳۳۸، ۲۵ آبان ۱۳۶۵). در این میان معاون وزارت کشور تأکید کرد که لایحه ارائه شده براساس الزام قانونی موجود در تبصره «۲» ماده (۱۴) قانون تقسیمات کشوری برای انطباق مرزهای حوزه‌های انتخابیه بر محدوده شهرستان‌ها تدوین شده است و در تدوین لایحه اصل شصت و چهارم قانون اساسی (محدود شدن تعداد نمایندگان تا ده سال)، عامل جمعیت و تقسیمات کشوری در نظر گرفته شده است.^۳ (همان، جلسه ۳۳۹: ۲۷ آبان ۱۳۶۵). در نهایت کلیات لایحه تصویب شد.

کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور، لایحه را طی جلسات متعدد با حضور نماینده دولت و دعوت از نمایندگان پیشنهادکننده مورد بررسی قرار داد و با اصلاحاتی در نام لایحه، مواد و حوزه‌ها گزارش شور دوم را تصویب کرد. مبانی کار کمیسیون عبارت بود از نخست، استماع نظرات پیشنهاددهندگان و دعوت طرفین و بحث درباره پیشنهادها؛ دوم، نظریات کارشناسان وزارت کشور؛ سوم، بررسی نقشه و راه‌های ارتباطی و عوارض طبیعی حوزه‌های انتخابیه؛ چهارم بررسی عمیق مسائل سیاسی حوزه‌های انتخابیه و پنجم جمعیت براساس آخرین آمار در پاییز ۱۳۶۵. طبق گزارش

و با تغییرات جزئی که داده شده این الان مورد استفاده و ملاک قرار می‌گیرد برای انتخابات تا بعداً يك تصمیم کلی روی این قضیه گرفته شود متأسفانه این لایحه‌ای که الان ارائه می‌شود ... همان مصوبه‌ای است که داده شده ... است ... بیشترین تأکید و بیشتری کار .. از طرف وزارت کشور تبصره «۲» ماده (۱۴) است ... به اعتقاد من این درست نیست چون اگر معیارهای دیگری را اگر در این لایحه مد نظر نگیرند به هیچ‌وجه این لایحه معضلات و مشکلات تقسیمات کشوری جامعه ما را حل نخواهد کرد ... در رژیم گذشته یکی از سیاست‌هایی که در رابطه با اهل سنت و قومیت‌ها در نظر گرفته می‌شد این‌گونه بود که تقسیمات به گونه‌ای عمل بشود که حتی يك نماینده مجلس هم به پارلمان راه پیدا نکند برای مثال در منطقه ترکمن صحرا که حدود ۶۰۰ هزار نفر برادران اهل سنت و ترکمن وجود دارد تنها يك نماینده می‌توانست به پارلمان راه پیدا بکند و این امر در لایحه پیشنهادی دولت هم متأسفانه به چشم می‌خورد».

۱. یوسف‌پور بیان کرد، «منظور این بوده که بروند واقعاً برادران وزارت کشور با مطالعه انجام بدهند و با دقت کافی لایحه را بیاورند ولی متأسفانه این امر انجام نپذیرفته ... با پیشنهاد يك نماینده با پیشنهاد يك بخشدار نمی‌شود يك حوزه انتخابیه‌ای که ۱۵۰ هزار نفر ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد این را تغییرش داد و بعداً که بخواهند اجرا کنند قانون مواجه بشود با اینکه اصلاً مردم اطلاعی نداشتند. من این را می‌خواهم خدمت برادران برسانم که آیا تغییرات در حوزه انتخابیه را باید به طریقی مردم آنجا مطلع بشوند یا نشوند؟ ... یکی از بزرگ‌ترین خصوصیات انقلابمان و رهبر انقلاب ما این است که واقعاً به مردم بها می‌دهد ... در هر زمینه‌ای باشد ما می‌نشینیم در يك اتاقی در يك بخشدار یا در يك استانداری یا در خود وزارت کشور فوری با قلم نقشه‌ها را جابه‌جا می‌کنیم. لازم است که دوباره وزارت کشور این را ... ۶ ماه مسکوت بگذارد و واقعاً يك مطالعه دقیقی انجام بدهند».

۲. مهدی مهدوی بیان کرد «اشکالات حل نشده و نتوانستند کاملاً حل بکنند ... فقط تکیه‌شان بر این است که می‌گویند آقا شما پیشنهاد بدهید بحث در این است که با پیشنهاد مسئله حل می‌شود چرا؟ برای اینکه در يك بخش یا در يك شهرستان وقتی می‌خواهند پیشنهاد بدهند باید کاملاً به وضع جغرافی‌اش وارد باشند وضع روستایش از نظر جمعیت از همه جهات باید همه گونه تسلط کارشناسی باشد و این از عهده نماینده خارج است. این کار وزارت کشور است یعنی وزارت کشور با ... آن گستردگی که دارد، با تسلط کاملی که بر همه جهات دارد او بایستی این کار را انجام بدهد یعنی او بایستی برود ببیند جمعیت این روستا چقدر است ... ارتباطش با کجا بهتر است ... خوب او بعد از يك سال نتوانست این کار را انجام بدهد که اگر می‌توانست حل می‌کرد ... من چه پیشنهادی در اینجا می‌توانم ارائه بدهم با اینکه وزارت کشور که مسلط بر همه جا بوده مسلط به همه اطراف بوده او نتوانسته در اینجا تصمیم صحیحی بگیرد ... آقایان که می‌گویند ... پیشنهاد بدهید ... این به آن حد نیست که بشود با يك پیشنهاد در يك جلسه دادن ... این مسئله را حل کرد».

۳. شریعتی (معاون وزارت کشور) بیان کرد «لایحه براساس قانونی که ماده (۱۴) قانون تقسیمات کشوری که اصولاً تبصره «۲» آن از وزارت کشور خواسته است که لایحه‌ای تهیه کند حوزه‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی حتی‌الامکان منطبق بر محدوده شهرستان‌ها و براساس الزام قانونی بوده که این لایحه الان در خدمت شما است. محورهای این لایحه اولین محور همان اصل شصت و چهارم قانون اساسی است که تعداد نمایندگان را تا ده سال محدود کرده است ... محور دوم ... براساس جمعیت بوده که ضریب جمعیت از نظر تراکم‌ها و غیرتراکم در لایحه دوم لحاظ شده ... است. محور سومی که مشخصاً در این مورد ملاحظه شده براساس همان محدودیت قانونی که رعایت تقسیمات کشوری است. ... البته در شور اول يك تغییرات جزئی در کمیسیون داده شده که حدود ۲۸ بخش بوده که جدای از تقسیمات کشوری و آن ملاحظه تقسیمات کشوری بوده که در این لایحه دولت به محدوده تقسیمات کشوری برگشته‌اند و ۴ حوزه جدید تأسیس شده. ... این نتیجه زحمات يك سال و اندی وزارتخانه است ... در وقتی که رأی به کلیات بدهند در مورد جزئیاتش هم تصمیم خاص خودشان را بگیرند می‌توانند آن قانونی که قبلاً تصویب شده مراعات کنند که حتی‌الامکان منطبق بر محدوده تقسیمات کشوری باشد چون قانون است می‌توانند آن محدوده و محدودیت را رعایت نکنند و تصمیم با خود مجلس است».

کمیسیون برای هر حوزه طبق مقتضیات خاص آن حوزه تصمیم‌گیری شد و نه یک معیار مشخص.^۱ در شور دوم پیشنهادها نمایندگان بیشتر درباره انتزاع نقاط از یک حوزه و الحاق آن به حوزه دیگر صرفنظر از رعایت مرزهای سطح شهرستان و حتی استان؛^۲ و یا انتزاع و الحاق برخی نقاط جهت رعایت مرزهای سیاسی-اداری بود^۳ و نمایندگان هیچ‌گونه استدلالی مبتنی بر جمعیت حوزه‌های انتخابیه ارائه نکردند. شایان ذکر است که در برخی حوزه‌ها عدم تطابق با مرزهای سیاسی در سطح بخش و شهرستان در حالی صورت گرفته بود که در لایحه چنین ایرادی وجود نداشت. درواقع چنین عدم تطابق‌هایی محصول تصمیم کمیسیون بوده است.^۴ (همان، جلسه ۳۶۹، ۲۶ اسفند ۱۳۶۵). جالب اینکه

۱. در گزارش کمیسیون شوراهای و امور داخلی کشور ذکر شد «این‌طور نبوده که در ... حوزه‌های انتخابیه بتواند يك ... یا چند معیار مشخص مبنای عمل قرار بگیرند هر حوزه‌ای ... مقتضیات خاصی داشتند یعنی در بعضی از حوزه‌ها مسئله جمعیت و مبنای جمعیت مبنای تصمیم‌گیری می‌توانسته باشد در بعضی از حوزه‌ها مسائل سیاسی بوده. در بعضی از حوزه‌ها راه‌های ارتباطی بعضی از حوزه‌ها مسائل مختلفی از این چند مبنای ... این است که در هر حوزه یا منطقه‌ای یکی یا دو معیار یا سه معیار از معیارها مبنای عمل و تعیین‌کننده بوده است. لذا ممکن است در يك حوزه با يك معیار عمل شده باشد در حوزه دیگری عکس آن عمل شده باشد ...».

۲. برای مثال یکی از پیشنهادها این بود که بخش گرم جاجرم از شهرستان بجنورد در استان خراسان منتزع و به حوزه شهرستان شاهرود در استان سمنان الحاق شود. در این زمینه محمود علوی (مخبر کمیسیون) بیان کرد - «در موارد انتزاع از استان و الحاق به يك استان دیگر کمیسیون اساسی‌ترین مبنای را بر این قرارداد که در مطالعات اخیر تقسیماتی پیش‌بینی و مطالعه انتزاعش از آن استان و الحاقش به آن استان دیگر شده باشد و ... ما تنها در يك مورد داشتیم که کارشناسان ... وزارت کشور گفتند انتزاع این بخش از این استان و الحاقش به آن استان دیگر امری محرز و مسلم است. ... ما آن يك مورد، آن هم در حد بخش این کار را انجام دادیم. اما این مورد ... اصلاً چنین چیزی ... پیش‌بینی نشده است».

۳. علوی حسینی نماینده گران پیشنهاد کرد که در مورد حوزه انتخابیه گران این جمله «به استثنای تاش و شاهکوه» حذف بشود. وی بیان کرد «در پیشنهاد خود دولت که قبلاً این لایحه را تقدیم مجلس کرده ... این «به استثنای تاش و شاهکوه» مطلقاً نبوده یعنی اینها ... جزو بخش مرکزی محسوب شده. متأسفانه این لایحه‌ای که بعد رفته به کمیسیون و اصلاح شده آمده‌اند روستاهای «تاش و شاهکوه» را از بخش مرکزی استثنای کرده‌اند. ... معلوم نیست ... به چه علت آمده‌اند جدا کرده‌اند؟ مسئله بعد مسافت را در نظر می‌گیرند و حال آنکه مسافت بین گران تا شاهکوه و تاش حدود ۶۰ کیلومتر است و مسافت بین شاهکوه و تاش تا شاهرود حدود ۵۰ کیلومتر است. یعنی فقط به خاطر ۱۰ کیلومتر ... آقایان آمده‌اند و این استثنای را در اینجا گذاشته‌اند. ... شما عیایت دارید معمولاً آنچه که موجب می‌شود روستایی را به شهری منتقل می‌کنند و آن را داخل در آن بخش می‌کنند از چند دیدگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد: یکی ... بعد فرهنگی‌اش هست. یکی مسئله روابط اقتصادی هست، روابط خانوادگی و روابط دیگر است. شما الان اگر تشریف ببرید در خود شاهکوه، مردم شاهکوه کلاً با همان زبانی صحبت می‌کنند که مردم گران و اطراف گران صحبت می‌کنند و این از نظر زبانشان و تمام ارتباطاتی هم که مردم شاهکوه و تاش دارند کلاً با خود گران است. اصلاً اینها ربطی به شاهرود ندارد، ... ما الان خانواده‌های شاهکوه‌ای را در گران زیاد داریم، خانواده‌های تاشی در گران زیاد داریم ... و از همه اینها مهم‌تر رابطه اقتصادی بین این روستاها و گران است. ... حالا من نمی‌دانم چطور کمیسیون محترم آمده ... تاش و شاهکوه را از بخش مرکزی جدا کرده و ظاهراً می‌خواهند آن را جزو بخش مرکزی شاهرود قلمداد بکنند».

محمود علوی (مخبر کمیسیون) بیان کرد «تصمیم‌گیری‌های کمیسیون ... بر مبنای پارامترهای مختلفی بود از جمله مسئله راه که حتی کارشناسان محترم وزارت کشور اظهار کردند که برای رای‌گیری از گران با هلی‌کوپتر آمدند و رأی این دو روستا را گرفتند. ما دیدیم که وقتی این دو روستا بشود با شهرستانی باشد که به راحتی با ماشین بروند رأی را بگیرند، مراتب اولی است ... و برادرهای کارشناس وزارت کشور در همان جلسه فرمودند که در مطالعاتی که در این زمینه انجام دادیم اینها را پیش‌بینی کردیم به شاهرود ملحق بکنیم ... براساس این اظهار کمیسیون به این‌صورت تصویب کرد که تاش و شاهکوه جزو حوزه انتخابیه شاهرود باشد».

شریعتی (معاون وزارت کشور) نیز بیان کرد «اولاً ملحق کردن چند روستا از استانی به استان دیگر مشکلات فراهم می‌کند ... با توجه به این جهت از نظر اجرایی برای مسئولان تقسیمات کشوری و همچنین مسئولان انتخابات مشکلاتی در این الحاق هست. ... در مورد گزارش کمیسیون، خود وزارت کشور در این مورد نظر خاصی نداشت. برادرمان آقای طاهانی که مسئولیت استان را يك مدت داشتند اظهار نظر کردند که انتخاباتش یادم می‌آید که با هلی‌کوپتر انجام می‌شده. بنابراین در این مورد ما مخالف الحاق هستیم به شاهرود، در صورتی که شرایط الحاق به شاهرود را داشته باشد، دهستان‌ها در آینده با مطالعات و تقسیمات کشوری خود به خود با آن تبصره‌ای که در آخر این قانون هست ملحق می‌شود. من خواهشم این است که روی آن اعتبارات اصلی ... رأی بدهند و با پیشنهاد آقای علوی ما موافقم که .. این دوتا دهستان که اسمش آورده شده باید به اصطلاح حذف بشود».

۴. برای مثال غراوی پیشنهاد کرد که دهستان‌های قوجون و قان یغمز شرقی و قان یغمز غربی جزو بخش گنبد قرار گیرد و استدلال کرد «پیشنهاد ... همان پیشنهاد دولت است در ردیف ۸۲ دولت پیشنهاد آورده بود که گنبدکاووس شامل شهر گنبدکاووس باشد و بخش مرکزی و بخش داشلی برون، ولی کمیسیون آمده دهستان‌های قوجون و قان یغمز شرقی و قان یغمز غربی را از گنبد استثنای کرده و داده به بخش رامیان. ... روستاهایی ما در این دهستان داریم که حدود ۵۰ کیلومتر با رامیان فاصله دارند و حدود ۲۰ کیلومتر با گنبد فاصله دارند. ما روستایی داریم در این دهستان که چسبیده به گنبد است، مثل روستای ملائقی که ۵۰۰ متر هم با گنبد فاصله ندارد ولی از بخش مرکزی گنبد جدا کرده‌اند و داده‌اند به بخش رامیان (کمیسیون این کار را کرده است) ولی پیشنهاد خود دولت با توجه به تبصره «۳» ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری که وزارت کشور را مجلس ملزم کرده حوزه‌های انتخاباتی به گونه‌ای باشد که با لایحه قانون تقسیمات کشوری مطابقت بکنند ... پیشنهاد ما هم قابل تجدیدنظر بود، ولی متأسفانه کمیسیون نه دعوت از ما کرده و نه پیشنهاد ما را



یک تناقض فاحش در استدلال‌های مخبر کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور و معاون وزارت کشور وجود داشت. در حالی که معاون وزیر کشور در پاسخ به نمایندگان مخالف برخی حوزه‌بندی‌ها استدلال می‌کرد که حوزه‌بندی براساس اصل تطابق با تقسیمات کشوری انجام شده و اصل جمعیت نادیده گرفته شده است؛ مخبر کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور برای توجیه برخی عدم تطابق‌ها، گاه به فاصله جغرافیایی و گاهی به عامل جمعیت استناد می‌کرد.^۱ در این میان وزارت کشور اغلب موضع بسیار منفعلی اتخاذ و در همه موارد تصمیم را به نمایندگان مجلس واگذار می‌کرد. درنهایت این لایحه در تاریخ ۱۳۶۵/۱۱/۲۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. طبق ماده‌واحد، از تاریخ تصویب این قانون محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی با رعایت اصل شصت و چهارم قانون اساسی، شامل ۱۹۶ حوزه انتخابیه با ۲۷۰ نفر نماینده شد. (پیوست ۲) براساس تبصره ذیل ماده‌واحد «حوزه‌های انتخاباتی همواره از هر نوع انتزاع و الحاق که براساس قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری در حد روستا و دهستان انجام می‌شود تبعیت خواهند کرد» (همان، جلسه ۳۷۰، ۱۳۶۵/۱۱/۲۶). این قانون در تاریخ ۱۳۶۶/۱/۳۰ به تأیید شورای نگهبان رسید.

بررسی کرده، ... پیشنهاد از جمیع جهات قابل بحث است... اگر ملاک تقاضای مردم است این طومارهایی است که مردم داده‌اند و فرستاده‌اند گفته آقا ما خواهان هستیم که از بخش رامیان بیایم به بخش گنبد که بخش مرکزی هست. اصلاً دهستان‌های قوجوق و قان یغمز غربی و شرقی اصلاً مال بخش مرکزی است. ... آخر این انصاف است؟ ...».

شریعتی (معاون وزارت کشور)- در پاسخ بیان کرد «پیشنهاد دولت هم فقط براساس همان به اصطلاح تقسیمات کشوری بود ... بعد در کمیسیون براساس مصالح جمعیتی و براساس اصلاً وضعیت الان ... است یعنی این روستاها الان جزو رامیان هست و پیشنهاد دولت الان براساس آن موظف بودن است و نه براساس اعتبارات دیگری که اگر این نشود لطمه به وحدت و امثال اینها می‌زند. ... بنابراین تصمیم‌گیری با خود نماینده‌هاست». درنهایت این پیشنهاد تصویب نشد.

۱. برای مثال ملازهی پیشنهاد کرد که بخش نصرآباد و میرجاوه که به لحاظ تقسیمات کشوری متعلق به شهرستان زاهدان بوده و در حوزه‌بندی جزء حوزه خاش (شهرستان خاش) قرار گرفته بود به شهرستان زاهدان الحاق شوند. وی علاوه بر تقسیمات کشوری به فاصله جغرافیایی استناد و بیان می‌کرد: «آخرین روستای بخش نصرآباد تا خود زاهدان تقریباً ۱۶۰ کیلومتر است. و از زاهدان تا خاش ۱۸۵ کیلومتر است. از خاش تا آخرین روستای حوزه انتخابیه خاش تقریباً ۱۰۰ کیلومتر یا ۱۱۰ کیلومتر است. یعنی خط مستقیم آخرین روستای بخش نصرآباد تا آخرین نقطه حوزه انتخابیه خاش که از مغرب به مشرق هم هست، مستقیم هم هست. نزدیک به ۴۵۰-۴۶۰ کیلومتر است ... مردم نصرآباد و میرجاوه ... در دو دوره آرایشان بیش از ۳۰۰۰ نبوده، ۳۰۰۰ رأی در مقابل آرای زاهدان هیچ تفاوتی را به وجود نخواهد آورد. ... حق طبیعی و شرعی مردم نصرآباد و میرجاوه این است که اینها جزو حوزه انتخابیه زاهدان باشند هم از نظر تقسیمات کشوری و هم از نظر رفت‌وآمد مردم و هم از نظر اینکه نماینده بهتر می‌تواند به اینها سرکشی کند.

محمود علوی (مخبر کمیسیون) در پاسخ بیان کرد «در حوزه انتخابیه زمانی که يك يا دو بخش جزو حوزه انتخابیه شهرستانی می‌شود، مردم هیچ‌گونه مراجعه‌ای به مرکز آن شهرستان به‌عنوان مرکز حوزه انتخابیه نخواهند داشت. به‌خاطر اینکه تابعیت حوزه انتخابیه به‌معنی تابعیت تقسیمات اداری نیست ... تنها در هنگام انتخابات هست که صندوق‌های رأی مثلاً از خاش می‌رود به نصرآباد و میرجاوه انتخاباتی انجام می‌گیرد ... این نماینده خاش هست که بازدید و سرکشی که می‌کند از حوزه انتخابیه، ... نماینده خاش بالطبع مسائل خاش را که از طریق فرمانداری خاش دنبال می‌کند مسائل نصرآباد و میرجاوه را هم از طریق زاهدان دنبال می‌کند. ... ما زمانی که مسئله جمعیت را که عمده‌ترین پارامتر مسئله جمعیت بود، ... در نظر گرفتیم، دیدیم زاهدان ... ۲۲۸ هزار نفر جمعیت دارد و خاش شصت و پنج هزار نفر به تنهایی جمعیت دارد. این هم تازه آمار قبلی است. آمار فعلی جمعیت زاهدان را حدود سیصد هزار نفر نشان می‌دهد دیدیم يك عدم تناسب جمعیتی وجود دارد. در حالی که خاش به اضافه این دو بخش نود و دو هزار نفر می‌شود يك صورت تناسب جمعیتی بهتری به‌وجود می‌آید این است که کمیسیون به این نحو تصویب کرد». شریعتی (معاون وزارت کشور) بیان کرد «پیشنهاد دولت براساس الحاق بخش نصرآباد و بخش میرجاوه به زاهدان بوده ... بخش میرجاوه و خاش در کل زاهدان با توجه به جمعیت سی هزار نفری در برابر سیصد هزار تأثیر چندانی نمی‌تواند داشته باشد. ولی برای خاش مؤثرتر است ... در مجموع رأی به اصطلاح برای زاهدان مؤثر نیست ولی برای خاش مؤثر است. ... ما موظف بودیم طبق قانونی که شما موظف کردید ما را ملاک جمعیت را در نظر بگیریم. شما در آن قانون مقید کردید ما را که حتی‌المقدور در محدوده تقسیمات کشوری باشد و تقسیمات کشوری این را اقتضا می‌کند. ... این پیشنهادی که کمیسیون تصویب کرده وضعیت فعلی هم الان مصوبه شورای انقلاب و مصوبه قبل از شورای انقلاب هم همین بوده. بنابراین، تصمیم با خود نمایندگان مجلس است».

۵-۱. بازنگری در اصل شصت و چهارم قانون اساسی (۱۳۶۸)

در اردیبهشت ۱۳۶۸ فرمان اصلاح قانون اساسی توسط امام خمینی (ره) صادر شد و برای انجام این کار ایشان افرادی را از مجلس خبرگان، قوای مقننه و مجریه و قضائیه، مجمع تشخیص مصلحت و ... تعیین کردند. همچنین پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس انتخاب شدند. شورای بازنگری قانون اساسی در قالب کمیسیون‌هایی به بررسی مسائل تعیین شده پرداخت که یکی از آنها تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی بود. دلیل بازنگری در اصل شصت و چهارم دو مسئله بود. اول اینکه طبق این اصل به نواحی محروم که از جمعیت پایینی برخوردار بودند نماینده تعلق نمی‌گرفت؛ و دوم اینکه با حدنصاب ۱۵۰ هزارنفر، با گذشت زمان تعداد نمایندگان به صورت بی‌رویه‌ای افزایش می‌یافت.

کمیسیون شماره ۴ که مسئول بازنگری اصل شصت و چهارم قانون اساسی بود با دعوت از وزارت کشور و کارشناسان مربوطه، گزارش شور اول را تدوین و تصویب و در شورای بازنگری ارائه کرد. کمیسیون مذکور در جلسه بررسی گزارش شور اول درباره کلیات مسئله استدلال کرد که ذکر عدد ۲۷۰ نفر نماینده و ۱۵۰ هزارنفر جمعیت برای داشتن نماینده و افزایش آن سبب می‌شود که با گذشت زمان و افزایش جمعیت، به تعداد زیادی نماینده احتیاج شود که هزینه زیادی دربردارد و ازسوی دیگر برای باز شدن دست دولت برای اختصاص نماینده به مناطقی که جمعیت کمی دارند، ولی به دلیل سایر مقتضیات نیاز به نماینده دارند، باید قید ۱۵۰ هزارنفر حذف شود. آنچه کمیسیون تصویب کرده بود این بود که با اضافه شدن یک میلیون نفر بر جمعیت کشور، با در نظر گرفتن جمعیت، جغرافیا، مسائل سیاسی و اقتصادی یک نماینده به تشخیص وزارت کشور به تعداد نمایندگان اضافه شود.^۱

دیدگاه‌های متفاوتی در شورای بازنگری نسبت به این مصوبه وجود داشت. مخالفان معتقد بودند که دلایل کمیسیون برای این مصوبه ناکافی است و در این موضوع باید به تجربه سایر کشورها توجه شود. این‌گونه استدلال می‌شد که در دنیا تعداد نمایندگان براساس عامل جمعیت، وضعیت جغرافیایی -

۱. مخبر کمیسیون شماره ۴ (محمد امامی کاشانی) بیان کرد: «اگر بخواهد این اصل شصت و چهارم عمل بشود ... تعداد زیادی نماینده احتیاج است و بعد همین‌طور گسترده‌تر می‌شود و در یک زمانی با این حجم شاید ما پانصد، ششصد نفر نماینده بخواهیم و این چند اشکال ایجاد می‌کند: اشکال اول این است که تصمیم‌گیری اصولاً در این همه جمعیت مشکل است و این اضافه شدن یک اضافه شدن است که به محتوا خیلی تغییر و اساس بیشتری نمی‌دهد. مطلب دوم این است که ... این بیش از امکانات موجودی است که الان در اینجا هست ... تازه آن اضافه‌هایی هم که می‌شود ... آنوقت به آنجا‌هایی که مثل تهران و امثال آن پرجمعیت است ... با این جهت که هم مجلس یک مجلسی باشد که راحت بتواند تصمیم‌گیری کند و هم اینکه اگر یک جنبه جغرافیایی و سیاسی ایجاد کرد که وزارت کشور تشخیص داد که ... مثلاً فرض کنید فلان شهر در مرز کشور باید نماینده داشته باشد این را قانون اساسی به آن نماینده نمی‌دهد برای اینکه اصل شصت و چهارم می‌گوید ۱۵۰ هزارنفر باید به جمعیت اضافه بشود تا یک نماینده بیاید ... دعوت‌هایی شد از جمله ... وزارت کشور و کسانی که صاحب‌نظر بودند ... یکی از پیشنهادهایی که برای اصلاح اصل شصت و چهارم شد این بود که مجلس شورای اسلامی مثل مجلس خبرگان استانی بشود، ... در هر استانی نماینده تعیین بشود، ... ولی این پیشنهاد رد شد ... بعد این بحث شد که ما برای این تعداد از نمایندگان سقفی درست کنیم و حساب کنیم که تقریباً این سقف برای پارلمان چقدر گنجایش دارد (جای چند تا صندلی دارد) و روی آن بیاوریم برای هر شهری، جمعیتی که دارد و تعداد ساکنینش نماینده انتخاب کنیم. به نظر رسید که رقم ۲۱۲ نفر ... آن مشکل قانون اساسی را حل می‌کرد ... اما درعین حال دیدیم این کارساز نیست برای اینکه این را باید تقسیم بر جمعیت و افراد منطقه بکنیم، ... بعد بالاخره ... این متن در بین پیشنهادها تصویب شد که: چنانچه بر تمام جمعیت کشور، یک میلیون اضافه بشود، ... وزارت کشور با توجه به عامل جمعیت، جغرافیا، مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی و اینها ... خلاصه اگر تشخیص دادند، ... (البته این با قانونگذار است...) در آن موقع خودش می‌گوید که این یک نفر باید کجا اضافه بشود. ... اگر چنین چیزی باشد، هم مشکل هزینه را دربرندارد و ... و هم اینکه جاهایی که نیاز دارد و مصلحت کشور است که نماینده داده بشود، نماینده داده می‌شود».



سیاسی کشور و نوع نظام سیاسی تعیین می‌شود.^۱ براساس دیدگاه دیگر در نظر گرفتن یک رابطه میان تعداد جمعیت و تعداد نمایندگان صحیح نیست، بلکه حکومت و قانونگذار باید برای افزایش نماینده عامل مصلحت را در نظر بگیرد و مصلحت کشور این نیست که تعداد نماینده اضافه شود.^۲ برخی اعضای شورا نیز به کیفیت توزیع نمایندگان در صورت افزایش جمعیت در مصوبه کمیسیون اعتراض داشتند. طبق مصوبه کمیسیون در صورت افزایش یک میلیون نفر جمعیت، یک نفر به تعداد نمایندگان افزوده می‌شد، اما نه لزوماً به حوزه‌ای که جمعیت آن افزایش یافته بود. مخالفان معتقد بودند که نماینده باید به حوزه‌ای اضافه شود که جمعیت آن زیاد شده و نه حوزه‌ای دیگر؛^۳ برخی نیز استدلال می‌کردند که ابتدا باید ضابطه برای تعیین تعداد نماینده و افزایش یا کاهش آن به صورت شفاف و قابل

۱. عباسعلی عمید زنجانی بیان کرد دلیل اول ارائه شده مبنی بر «کافی بودن تعداد موجود برای بررسی لوایح و طرح‌ها و سایر وظایف مجلس ... مصادره به مطلوب است. ... به چه دلیل کافی است؟ دلیلی ارائه نشد. در دلیل دوم گفته شده زیاد شدن اعضا ممکن است به جای تأثیر مثبت، در انجام وظایف، مزاحم سرعت کار و حسن انجام امور وکالت شود، باز معیار به دست داده نشد... در مورد دلیل سوم [که بیان شد] اصل شصت و چهارم قانون اساسی مستلزم اضافه شدن تعداد نمایندگان مناطق پرجمعیت است. این دلیل دیگر خیلی عجیب و غریب به نظر می‌رسد. ... معیار اگر جمعیت است؟ خواه ناخواه تعداد هم بیشتر خواهد بود و چه اشکالی دارد در مناطقی که جمعیت بیشتر دارد، نماینده هم بیشتر باشد، باز به نظر مصادره به مطلوب می‌رسد. ... در مورد دلیل چهارم بالا رفتن عده نمایندگان مستلزم مخارج می‌شود. خوب اگر مفید است، باشد مستلزم مخارج باشد. انتخابات با شکل فعلی از بیرون آمده، ... بالاخره باید تجربیات بشری در این مسائل ملحوظ بشود، این نه التفاط است، نه اقتباس از شرق و غرب است. این مستند کردن به تجربیات طولانی بشری است و ما می‌بینیم که در تمام دنیا برای تعداد نمایندگان چند معیار ملاحظه می‌شود. ... در آمریکا و شوروی هر ۳۰۰,۰۰۰ نفر یک نماینده دارد. در انگلستان هر ۹۰,۰۰۰ نفر یک نماینده دارد (این آمار تقریبی است) در فرانسه هر ۶۰,۰۰۰ نفر یک نماینده. ... مقیاس و معیار دوم در تعیین تعداد نمایندگان مسئله جغرافیایی سیاسی کشور است. کشورهایی که با وسعت سرزمین مواجه هستند اینها به نحوی عمل می‌کنند. کشورهایی که با وسعت کمتر هستند آن سبب هزار نفر یک نماینده، شصت هزار نفر یک نماینده. ... بنابراین جغرافیای سیاسی باید حتماً در کنار جغرافیای جمعیتی ملاحظه بشود و مسئله و معیار سوم نوع رژیم سیاسی است. ... کشور ما یک کشور بسیط است. ... بنابراین، این چند معیار را اگر ما در نظر بگیریم و یک معیار چهارم را هم معمولاً منظور می‌کنند و آن فعال بودن مجلس است. اگر مجالس فعال نباشند تعداد نماینده بالاست هرچه مجلس فعال‌تر باشد تعداد نماینده پایین است. ... با توجه به این معیارها کشور ما ... هم از نظر سرزمین و هم از نظر جمعیت ... جزو کشورهای متوسط حساب می‌شود. اگر برای یکصد و پنجاه هزار نفر یک نماینده زیاد است ... اما از آن طرف هم یک میلیون نفر یک نماینده برای چنین کشوری با توجه به معیارهایی که عرض شد بسیار اندک است ... بنابراین من با کلیات مصوبه کمیسیون ... مخالف هستم و معتقد هستم که ... یک میلیون، یک نفر ... با کشور ما از نظر جغرافیای سیاسی از نظر جمعیت، از نظر نوع و رژیم سیاسی‌اش که جمهوری اسلامی ایران هست ... وفق نمی‌دهد».

۲. محمد یزدی بیان کرد «بنده می‌خواهم عرض کنم آن مسئله جمعیت و رشد جمعیت و مشکلات خدماتی و مسائل دیگر ربطی به این بحث ندارد. می‌خواهم بگویم رابطه انتخاب نماینده با جمعیت اصولاً بحث صحیحی نیست، ... مسئله مصلحت و مسئله تقنین و قانونگذاری مطرح می‌شود و حکومت و قانونگذار است که باید مصلحت آن جمعیت را و مصلحت تعداد نماینده را بررسی بکند، نه رشد جمعیت را ملاک بگیرد. اگر ملاک این شد ... اصلاً این محاسبات را باید کنار بگذاریم و واقعاً ببینیم در کشور ما با شرایط رشد جمعیتی‌مان، با شرایط اقتصادی‌مان، با شرایط سیاسی‌مان، با شرایط مذهبی‌مان، با شرایط پراکندگی جغرافیایی وضع کشورمان مصلحت چیست؟ من تصور می‌کنم اصولاً مصلحت این نیست که تعداد نماینده را اضافه بکنیم. حتی تصور شخصی خودم این است که رقم موجود را (اگر بشود) حفظ بکنیم ... حتی‌الامکان همین نصاب را حفظ بکنیم تا سال‌های زیادی. اگر می‌فرمائید این ممکن است مشکلی داشته باشد و مصلحت نباشد باز زمان را فاصله بیشتری بدهیم و رقم را هم کمتر. یعنی ۱۰ سال را می‌توانیم ۲۰ سال، ۳۰ سال بکنیم، رقم یک میلیون را هم می‌توانیم پایین‌تر بیاوریم ... به این کیفیت به نظر می‌رسد که صلاح بیشتری باشد».

۳. محمد دانش‌زاده (مؤمن) به عنوان مخالف بیان کرد «من این مکانیسم را که ... یک میلیون نفر وقتی به جمعیت اضافه بشود، یک نفر به تعداد نماینده‌ها اضافه می‌شود، با آن کیفیت توزیع و تقسیمی که در ذیل آمده این را نامناسب می‌دانم. ... این مکانیسم که پس از هر ده سال به نسبت افزایش یک میلیون نفر به جمعیت کل کشور، یک نفر به تعداد اضافه می‌شود با در نظر گرفتن عوامل انسانی سیاسی، جغرافیایی که قانون معین می‌کند برگشت به این می‌شود که الان مثلاً فرض بفرمایید ... خوانسار و گلپایگان یک نماینده دارد. ممکن است ... تعداد جمعیت شهرستان گلپایگان و شهرستان خوانسار با ده سال دیگر ... به خاطر مهاجرت‌ها چندان تفاوتی نکند. جمعیت که اضافه می‌شود، به جمعیت تهران و شهرهای بزرگ اضافه می‌شود. جمعیت اینجا اضافه شده ما نماینده بدهیم به گلپایگان. این تناسبی که ما بیاوریم به خاطر اضافه شدن جمعیت به کل کشور نماینده بدهیم به یک محل دیگری این چندان مناسب نیست ... الان که ما ... به شهرستان پنجاه هزار نفری اجازه می‌دهیم که نماینده داشته باشد و جمعیت ده میلیون نفری، شهرستان ده میلیون نفری ... به آن هم اجازه می‌دهیم نماینده داشته باشد. خوب ملاک اینکه ما به آن پنجاه هزار نفر اجازه می‌دهیم جز این است که پنجاه هزار را که ملاک قرار می‌دهیم برای اینکه می‌خواهیم مردم همگی در تعیین نماینده برای خودشان ... دخالت داشته باشند، ... بنده بین این اضافه شدن جمعیت با دادن نماینده به آنجا ارتباط مناسبی نمی‌بینم. اگر عوامل سیاسی است الان هست، ... اگر عوامل انسانی هست باید ملاک را خود آنجا قرار بدهیم. اگر عوامل جغرافیایی است، باز عوامل جغرافیایی اضافه شدن جمعیت به شهرستان‌های دیگر باعث نمی‌شود ما به شهر دیگری اجازه بدهیم نماینده داشته باشد. ... ما اگر بخواهیم این اشکال را حل بکنیم، به نظر می‌رسد که قاعده آن این باشد ... با توجه به تغییر اوضاع خود آن حوزه ما بیاوریم اضافه را در نظر بگیریم. در عین حال با یک حساب معقولی که موجب افزوده شدن به تعداد نمایندگان در مجلس به یک نحوی که نشود کنترل کرد و اسباب زحمت بشود».

دفاع مشخص شود. برای مثال مشخص شود چرا با افزایش یک میلیون نفر یک نماینده اضافه شود؛^۱ برخی نیز معتقد به استانی شدن انتخابات بودند. به این معنا که ۲۷۰ نماینده را طبق نتایج سرشماری بر جمعیت استان‌ها تقسیم و براساس آن هر استان نسبت به جمعیت خود نماینده داشته باشد و وزارت کشور حوزه‌های درون استان‌ها را تنظیم و به آنها نماینده اختصاص دهد.^۲

در مقابل موافقان معتقد بودند که مجلس در هر صورت باید عامل جمعیت را در توزیع نمایندگان در نظر بگیرد و در این زمینه باید سقف و معیاری برای اضافه کردن تعداد نمایندگان از لحاظ جمعیت وجود داشته باشد؛^۳ دیدگاه دیگر این بود که در نظر گرفتن حدنصاب ۱۵۰ هزار نفر سبب می‌شود در آینده تعداد نمایندگان مجلس خیلی زیاد شود و این امر مدیریت مجلس را دشوار می‌کند و مشکلاتی را به وجود می‌آورد. برای مثال شمردن آرا دشوار و رسیدن به اجماع در تصمیم‌گیری سخت می‌شود.^۴

۱. سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی بیان کرد «راجع به نمایندگان و تعداد آنها و افزایش و کاهش این تعداد ... دو رقم مسائل داریم، یکی مسائل اساسی و ضابطه‌ای که با چه ضابطه‌ای نماینده را انتخاب می‌کنند، در کجا افزایش می‌دهند، در کجا کاهش می‌دهند، اگر این ضابطه برای ما خوب روشن بود مسئله زودتر به نتیجه می‌رسید. یک وقت هم مسائل جنبی هست ما می‌گوییم ... این‌طور باشد منتها مجلس ما جا ندارد، وزیر کشور ما قبول ندارد، پول ما نمی‌رسد و امثال اینها در این بحث و استدلال‌ها این حرف‌ها به‌نظر من توی هم رفت ... فرمایشات جناب آقای هاشمی خصوصاً در آنجا که ... ایشان فرمود این یک میلیون در تهران ۶۰۰ هزار نفر اضافه بشود در جاهای دیگر ۴۰۰ هزار نفر اختیار آن یک نفر را بدهیم به مجلس، شهرک‌هایی که بعد ایجاد می‌شود ... آن هم یک نماینده داشته باشد. اگر این است دیگر یک میلیون ظاهراً هیچ ضابطه ندارد. این را با یک جمله می‌توانیم بگوییم جاهایی که نماینده دارد نمی‌خواهد افزایش پیدا بکند چون برای مسئولیت مجلس کافی است بلی اگر جاهای جدیدی به وجود آمد یا آنها افزایش جمعیت پیدا کردند تا کجا؟ ... من می‌خواهم بگویم که این را نمی‌توانیم از جمعیت و آمار جمعیت قطع کنیم والا چرا تهران ۳۰ تا دارد؟ کدام شهر یک دانه دارد؟ جز این است که جمعیت اینجا بیشتر است تا جمعیت آنجا ... این ارتباط مستقیم را ما بین جمعیت و افزایش و کاهش را نسبت به آمار جمعیت اگر ما در نظر گرفتیم آن وقت چرا یک میلیون؟ ... اصلاً چرا در افزایش ما فکر می‌کنیم در کاهش فکر نمی‌کنیم؟ ... این علتش این است: ضوابط درست به دست داده نشده. بنابراین ... ضوابط را به‌طور قابل دفاع روشن کنید ... والا با این وضع بنده از رأی دادن معذورم».

۲. ابراهیم امینی بیان کرد «جمعیت استان‌ها معلوم است چقدر است، همین تعداد ۲۷۰ نفر بر طبق سرشماری که استان‌ها دارند، تقسیم به آنها بکنید. یک استان ممکن است ده تا داشته باشد، یک استان پنج تا، یک استان دو تا و مختلف به این‌صورت که درواقع هم همه مردم و آنهایی که می‌خواهند رأی بدهند استفاده کرده‌اند از این جهت که حششان از بین رفته و ناراحت هم نمی‌شوند ... این را اگر وزارت کشور بخواهد حل بکند ... به یک استان به نسبت جمعیتش، به مرکز استان یک حقی می‌دهد، بخش‌ها و دهات را تقسیم می‌کند و حقی به آنها می‌دهد ... این مشکل به این‌صورت حل می‌شود، آنوقت بعد از آن البته همین ۲۷۰ نفر می‌ماند بعد هم قرار می‌شود جمعیت هر استانی اگر مقدار معینی اضافه شد، فرض بفرمایید پانصد هزار نفر به جمعیت یک استان اضافه بشود یک وکیل دیگر به آن استان داده می‌شود». محمد امامی کاشانی در پاسخ بیان کرد «اگر شما استانی کردید تا حالا خوانسار با گلپایگان دعوا دارند از این به بعد گلپایگان با اصفهان دعوا دارد، خوانسار با اصفهان دعوا دارد ... برای اینکه همه نماینده‌ها از اصفهان انتخاب می‌شوند».

۳. اکبر هاشمی رفسنجانی به‌عنوان موافق بیان کرد «اصل استدلال ما بر این است که این تعدادی که الان در مجلس وجود دارند، برای مسئولیت‌های مجلس کافی است و ما اگر بخواهیم یک نیرویی اضافه بکنیم یا مخرجی بر بیت‌المال کشور تحمیل بکنیم احتیاج به یک دلیل دارد ... دو سه محور هست که اینجا ملاک کم و زیادی است. یکی، بیش‌که جمعیت است. ما نمی‌توانیم به محور جمعیت اهمیت ندهیم. مثلاً برای تهران پنج، شش میلیونی با یک شهر پنجاه هزارنفری به‌طور مساوی یک نماینده قرار دهیم. محور دوم، مسائل جغرافیایی است. بعضی جاها هست که ممکن است جمعیتش کم باشد، اما به جای دیگری نمی‌خورد و اگر بخواهیم نماینده به آنجا ندهیم و مردم بدون نماینده باشند اختلاف قومیت‌ها و مسائلی که در مناطق هست، گاهی نمی‌شود یک نماینده برای یک شهر در نظر گرفت، باید دو تا نماینده در نظر بگیریم ... بعضی جاها داریم که ۲۵۰ هزار نفر هم دارند و یک نماینده دارند. البته تقسیم عادلانه نبوده ولی تحمیل شده بر قانونگذارهای قبلی. ... بعضی جاها آدم باید یک نماینده به آنها بدهد که آن برسد تا ... محرومیت‌ها را جبران بکند و مسائل دیگر، ... آنکه در قانون قبلی بود این بود که برای هر صدپنجاه هزارنفری که در هر حوزه اضافه می‌شود نه در کل کشور، ... این شیوه درست‌تری در قانون قبلی نبوده. این شیوه‌ای که ما انتخاب کرده‌ایم. یک میلیون را گذاشتیم. ... در گذشته راه درست‌تری برای تعیین نماینده نداشت. می‌گفتند همین تهران را بایستی اضافه بکنیم، ما آمدم گفتیم یکجا ببینید و نماینده اضافه کنید. ... الان شهرهایی در طول ده سال ساخته می‌شود، مراکز جمعیتی به‌وجود می‌آید ... آنجا نماینده ندارد. ... خیلی جاها الان در کشور هست که اینجا مسئله سیاسی حاد دارند در موقع انتخابات. اگر یک سقفی در اختیار وزارت کشور و مجلس باشد که در یک موقعی که لازم شد از یک ذخیره‌ای بردارد و به آنجا بدهد مشکل سیاسی کشور را درست می‌کند ... به هر حال ما یک منبعی می‌خواهیم که در قانون اساسی باشد ... این منبع را ما گذاشتیم، معیار هم «یک میلیون» گذاشتیم ... ما برای کل کشور دیدیم. ... ما فکر می‌کنیم ... در ده سال حدود بیست میلیون به جمعیت کشور اضافه می‌شود. ... ما بیست نماینده اضافه می‌کنیم این بیست نماینده هم برای جاهای جدید، ... خوب ما گفتیم مجلس در آینده زمان را می‌بیند، وزارت کشور هم می‌بیند، بررسی می‌کنند اگر لازم داشته باشد از این بیست تا استفاده می‌کنند. تقسیم حوزه‌ها را هم به‌عده آنها گذاشتیم. ... ضابطه‌هایی که ما امروز می‌دهیم ممکن است ضابطه ده سال آینده یک جور دیگری باشد. چرا ما این مقدار به مجلس اعتماد نکنیم که ده سال دیگر ضوابط آن روز را در نظر بگیرد نیاز آن روز را در نظر بگیرد، اگر بیست نماینده بنا شد اضافه بشود، اضافه بکنیم».

۴. اسد... بیان کرد «به‌طور طبیعی با این روند اگر افزایش جمعیت بشود ... خواهی نخواهی ما ۳۰ سال آینده یقیناً ۸۰ میلیون جمعیت خواهیم داشت، ... اگر بنا بشود هر ۱۵۰ هزار نفر یک نماینده داشته باشد به‌طور طبیعی شما آن‌موقع



در نهایت کلیات گزارش کمیسیون تصویب شد (مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلسه ۱۱، ۱۲، ۲ و ۳ خرداد ۱۳۶۸).

در گزارش شور دوم کمیسیون شماره (۴) حدنصاب یک میلیون نفر برای افزایش یک نماینده حذف شد. دلیل این امر این بود که این قصد وجود نداشت که لزوماً به منطقه‌ای که جمعیت آن اضافه شده نماینده اضافه شود که سبب ایراد شد. به همین دلیل یک میلیون نفر طبق نظر کمیسیون حذف شد.^۱ در زمان بررسی گزارش شور دوم توسط شورای بازنگری برخی همچنان استدلال می‌کردند که ملاک افزایش نماینده باید مشخص شود. برخی نیز به درستی استدلال کردند اگر حداقل جمعیت برای اضافه شدن یک نماینده به یک حوزه در نظر گرفته نشود هر ده سال یک‌بار بر سر اضافه شدن ۲۰ نماینده به کشور در مجلس غوغا به پا می‌شود و نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود و مهم‌ترین مسئله کشور را نمی‌توان بدون ضابطه رها کرد. از این رو پیشنهاد کردند که به ازای اضافه شدن هر ۳۰۰ هزار نفر به جمعیت یک حوزه یک نماینده به آن حوزه اختصاص یابد و در نقاط کم جمعیت که مقتضیات سیاسی یا اقتصادی ایجاب می‌کند با ایجاد یک ضابطه و دادن اختیار به مجلس آنها نیز از نماینده بهره‌مند شوند.^۲ مخالفان این پیشنهاد معتقد بودند بسیاری از نقاط وجود دارد که جمعیت آنها به ۳۰۰ هزار نفر

۱۰۰۰ نفر نماینده خواهید داشت. ... خواهی خواهی ما باید فکری برای تعداد نمایندگان مجلس داشته باشیم. حالا چه معیار ما خود جمعیت باشد که معیار کاملاً اصولی و درست است، چه معیار ما جغرافیای سیاسی باشد ... چه معیار ما محرومیت‌ها باشد. ... [قانون] می‌گوید که [مجلس] اگر رسمیت پیدا بکند دوسوم باید باشد ... تصویب قوانین باید چگونه بشود؟ نصف به علاوه یک. اگر ما ۱۲۰۰ نفر نماینده داشته باشیم و همه آنها در یک جا باشند یک ماده واحده را ما چطور باید تصویب بکنیم؟ ۶۰۱ نفر باید بلند بشوند. من بیچاره ۹ سال است در اینجا منشی هستم که این شمردن خودش یک کار بسیار سختی است. ما باید بنشینیم در اینجا بشماریم تا یکی کم نباشد. یک نفر نشسته یا ایستاده خودش مشکل ایجاد می‌کند. ... از آن طرف هم در اصل شصت و چهارم آمده است که عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر، ... با کمال تأسف خیرگان گذشته ... این تعداد را از طاغوت گرفته‌اند. ... تبریز جمعیتش کمتر از اصفهان است، تبریز ۶ تا نماینده دارد، اصفهان ۵ تا نماینده دارد. این طبیعی است که نوعی ظابطگی وجود دارد و ما این را قبول داریم. منشأ آن این بوده که چون در گذشته چنین مسئله‌ای بوده، آقایان هم نخواستند روی این قضایا تجدیدنظر بکنند آمده‌اند همان رقم را تثبیت کرده‌اند و حفظ کرده‌اند این درست اما اصل اینکه این مقدار نماینده برای جمعیت ما کافی است ما در آن تردید نداریم. ... با این مکانیسمی که آن اصول قانون اساسی برای تشکیل جلسات و برای رسمیت جلسات و برای ادامه جلسات پیش‌بینی کرده با ۱۰۰۰ نفر و ۱۲۰۰ نفر نمی‌شود کار کرد. ... بنابراین تجدیدنظر در این مکانیسم هیچ برورگردي ندارد».

۱. امامی کاشانی (مخبر کمیسیون ۴) بیان کرد «در شور اول مطرح شد که ما تنها به جمعیت نمی‌توانیم تکیه بکنیم ... ممکن است در بعضی از جاها جهات سیاسی پیش بیاید که ما احتیاج داشته باشیم در یکی از نقاط دور دست مثل نقاط محروم (احیاناً) ... نماینده اضافه بکنیم. ما بر این اساس یک مصوبه‌ای در شورا آوردیم که در آن گفته‌ایم چنانچه در سطح کشور یک میلیون جمعیت اضافه بشود پس از گذشت هر ۱۰ سال در برابر یک میلیون جمعیت یک نماینده اضافه بشود که نتیجه‌اش این می‌شد که بعد از ۲۰ سال ۲۰ نفر نماینده اضافه بشود دوستان تقریباً یک اشکالی بر این داشتند که ... اگر یک میلیون نفر بر جمعیت کشور اضافه شد مثلاً ... هشتصد هزار نفر بر تهران اضافه شد یک نماینده به مثلاً فلان بندر یا فلان نقطه مرزی بدهیم؟! این چه رابطه‌ای پیدا می‌کند که ما اگر بگوییم جمعیت در یک جا زیاد بشود، در یک جای دیگر آن طرف کشور ما یک نماینده اضافه کنیم؟ ... [به دلیل] عدم ارتباط صدر و ذیل، ... ما همین محتوا را به تعبیر دیگری آورده‌ایم ولی اسم جمعیت را برداشته‌ایم. ... با این اصل که گفتیم وقتی که ۱۰ سال گذشت ۲۰ نفر نماینده اضافه می‌شود دیگر «یک میلیون جمعیت» را نیاوردیم و این مصوبه ما از نظر اکثر آقایان دیگر بی‌اشکال بود. ... لذا ما این‌جوری تصویب کردیم و گفتیم که «و از تاریخ تصویب این قانون پس از هر ۱۰ سال حداکثر ۲۰ نفر نماینده با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها می‌تواند اضافه شود» ...».

۲. موسوی اردبیلی بیان کرد «در قانون اساسی که ۱۵۰ هزار نفر یک نماینده منظور شده با توجه به رشد سریع جمعیت در کشورمان خواه ناخواه این موجب می‌شود که افزایش نمایندگان در مجلس به نحوی باشد که ... از کنترل خارج بشود، ... اما با بالا بردن تعداد و نسبت به ۲۰۰ هزار نفر در حقیقت این اشکال به نصف تقلیل پیدا می‌کند ... پیشنهاد ما این است که برای هر سیصد هزار نفر در هر حوزه یک نماینده انتخاب شود، در حوزه‌هایی که نماینده تعیین شده است و به حدنصاب نرسیده است تعداد نمایندگان کاهش پیدا نکند. ... عامل جمعیت را از نظر دور نداریم، تعداد را در نظر بگیریم. ... اینکه ما بگوییم بعد از ده سال ۲۰ نفر اضافه می‌شود حالا آن آقایان خودشان ان شاء الله ... این عوامل را در نظر بگیرند بالاخره آنها هم آدم‌های عاقلی هستند ... دستشان را باز بگذاریم این یک چیز احاله بر مجهول است و ایجاد اختلاف که هر ۱۰ سال یک مرتبه بر سر تقسیم این ۲۰ نفر غوغایی برپا می‌شود این یکی می‌گوید به ما بدهید، آن یکی می‌گوید از نظر سیاسی ما مقدمیم. ... هیچ‌کس هم نمی‌داند ضابطه چیست ... مهم‌ترین مسئله این مملکت را ما بدون تهیه اینها بگذاریم من فکر می‌کنم صلاح نیست. من عرض می‌کنم که اولاً ملاک حوزه باشد. ثانیاً تعداد سیصد هزار نفر باشد. ثالثاً هیچ‌گونه کاهشی از چیزهایی که حالا هست ندهید ... کم نشود ولی اضافه هم نشود نباید برسد به آن حدنصاب تنها چیزی که در کمیسیون

نمی‌رسد و شهری که ۲۹۰ هزار جمعیت پیدا می‌کند نماینده نخواهد داشت و افزایش جمعیت معمولاً در شهرهای بزرگ اتفاق می‌افتد و با این رویه افزایش نماینده به سمت شهرهای بزرگ سوق می‌یابد.^۱ موافقان این پیشنهاد معتقد بودند قانون عادی باید راه‌حلی برای نقاطی که کمتر از ۳۰۰ هزارنفر جمعیت دارند تعیین کند.^۲

برخی نیز پیشنهاد کردند که راه‌حل مسئله اختصاص نماینده به نقاط محرومی که از جمعیت پایینی برخوردارند این است که یک تقسیم‌بندی از نظر تراکم جمعیتی ایجاد شود و با توجه به تراکم جمعیتی پایین، متوسط و بالا سه حدنصاب مختلف در نظر گرفته شود.^۳ مخالفان این پیشنهاد معتقد بودند تراکم متغیر است و این معیار سبب بی‌ثباتی در حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان می‌شود. پیشنهاد دیگر این بود که به جای اضافه شدن ۲۰ نفر، ۱۰ نفر به تعداد نمایندگان اضافه شود.^۴ مخالفان این پیشنهاد معتقد بودند که افزایش جمعیت طی سال‌های آینده زیاد خواهد بود لذا ضروری است ۲۰ نفر با اختیار مجلس و دولت در نظر گرفته شود (همان، جلسه ۲۰، ۲۳ خرداد ۱۳۶۸). درنهایت اصل

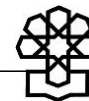
به من گفته شد این بود که گاهی ... يك جای دیگر جدیداً تأسیس شده پنجاه هزارنفر، صد هزارنفر جمعیت دارد ... وظیفه ایجاب می‌کند که آنجا يك نماینده باشد. می‌شود گفت مگر در مواردی که جدیداً تأسیس هست و قبلاً نماینده‌ای نداشته وقتی که جمعیتش به تعداد معین رسید (مثلاً پنجاه هزارنفر یا صد هزارنفر) ... مثلاً با مراعات جنبه‌های سیاسی و امثال اینها يك نفر می‌شود در آنجا اضافه کرد. اقلأً این گوشه مسئله را بدهید دست مجلس یا امثال اینها مقدماتش را هم فراهم کنید.... درنهایت این پیشنهاد ایشان که «برای هر سیصد هزارنفر در هر حوزه يك نماینده انتخاب شود. در حوزه‌هایی که تعداد نمایندگان تعیین شده از قبل (یعنی قبلاً تعیین شده) به حدنصاب نرسیده است تعداد نمایندگان کاهش نمی‌یابد ولی تا به حدنصاب نرسیده افزایش هم نمی‌یابد ... محل‌های جدیدی که از اول نماینده نداشته یا بعد این محل‌ها به وجود آمده اگر عواملی ایجاب کند در آنجا نماینده باشد و مجلس شورای اسلامی احساس کند لازم است (وقتی که جمعیتش مثلاً پنجاه هزارنفر یا صد هزارنفر شد) در آنجا می‌تواند يك نفر نماینده تعیین کند»، رأی نیاورد.

۱. نایب رئیس (هاشمی رفسنجانی) بیان کرد «این چه فرضی است برای این می‌کنید عوامل سیاسی هم پیش می‌آید الان در جاهایی مثل گلپایگان و خوانسار که دعوا دارند ... ممکن است تا ده سال دیگر جمعیت اینها هم برسد به جمعیت بالایی ما نمی‌توانیم به اینها دو تا نماینده بدهیم ... قانون اساسی هم هست یعنی اینها مایوسند که هیچ وقت نمی‌توانند نماینده بگیرند. ما که آمدم به جای يك میلیون، بیست نماینده آوردیم تقریباً همان روح را حفظ کردیم .. ما آمدم باز گذاشتیم گفتیم که دیگر نگوییم جمعیت کجا اضافه شده، ... مجلس ... صلاح آن روز را نگاه می‌کنید ببیند کجای مملکت کشش و نیاز به نماینده دارد. اشکال دیگری که آقای اردبیلی جواب ندادند حالا اگر جواب اینست که در فرض شما نوعاً به جاهایی مثل تهران و اصفهان فقط اضافه می‌شود یعنی فرض اینکه سیصد هزارنفر اضافه بشود در طرف ۱۰ سال شهرهایی مثل مشهد، تهران، اصفهان، شیراز، شهرهای بزرگ مشمول می‌شود کم اتفاق می‌افتد که ... شهرهای کوچک سیصد هزارنفر به آنها اضافه بشود ... عمدتاً این پیشنهاد شما نماینده جدید را سوق می‌دهد به تهران و به شهرهای بزرگ ... ما این کار را نمی‌خواستیم ... عوامل سیاسی و اینها را هم باید در نظر بگیریم ... اگر دیدند که جمعیت مملکت کم شده خوب انجام نمی‌دهند ... اصلاً منظور از عامل انسانی جمعیت است».

۲. عباسعلی عمید زنجانی بیان کرد «تنها مانعی که در برابر این پیشنهاد هست و منطقی هم هست همان محظور نرسیدن نماینده به مراکزی است که به حدنصاب نرسیده‌اند یعنی به سیصد هزارنفر نرسیده‌اند من می‌خواهم عرض کنم که این جور مشکلات را شما انتظار دارید در قانون اساسی حل بشود؟ اینها را باید قانون عادی حل کند. شما در قانون اساسی می‌توانید جای پای برای قانون عادی بگذارید که در قانون عادی مشکل حل بشود. شما اگر قبول بفرمایید که هر سیصد هزارنفر يك نماینده، آنوقت می‌شود به همان صورتی که جناب آقای موسوی هم فرمودند به نحوی محول به قانون بشود ... از طریق قانون عادی آن مشکل حل بشود. اما اینکه می‌فرمایید که این مصوبه کمیسیون هیچ ایرادی ندارد آخر ملاک به دست داده نشده ... بیست نفر به چه ملاکی افزوده بشود؟».

۳. حسین هاشمیان بیان کرد «ما اگر تراکم جمعیت را در کشور رعایت نکنیم هم جاهایی که رشد جمعیت‌شان پایین است دارای نماینده خواهند شد و هم اینکه جاهایی که رشد جمعیت‌شان فوق‌العاده بالا است همه نمایندگان یا اکثر نمایندگان را به خودشان اختصاص نمی‌دهند و هم اینکه پاسخگوی شهرهای جدید ما خواهد بود چون جاهایی که اختلاف وجود دارد تحت شمول قانون تراکم می‌آیند. بنابراین پیشنهاد را بنده عیناً قرائت می‌کنم «عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و پس از هر سه دوره در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر دویست هزارنفر در تراکم پایین و ششصد هزارنفر در تراکم متوسط و يك میلیون و دویست هزارنفر در تراکم بالا يك نماینده اضافه می‌شود. رزنتشيان و کلیمیان هر کدام يك نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً يك نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام يك نماینده انتخاب می‌نمایند و در صورت افزایش جمعیت هر يك از اقلیت‌ها پس از سه دوره به ازای هر دویست و پنجاه هزارنفر اضافی يك نماینده اضافه خواهند داشت مقررات مربوط به انتخاب و همچنین درجات تراکمی و محدوده حوزه‌های انتخابیه را قانون معین می‌کنند». این پیشنهاد رأی نیاورد.

۴. جنتی بیان کرد «پیشنهاد من این است که این بیست نفر، ده نفر بشود و دلیلش هم این است که اضافه کردن نمایندگان را باید به دلیل ضرورت‌ها بپذیریم و لزومی ندارد که حتماً نماینده زیاد بشود ضرورت هم خیال می‌کنم حد با ده نفر رفع می‌شود و بیست نفر چرا اضافه بکنیم؟».



شصت و چهارم قانون اساسی بدین صورت اصلاح و تصویب شد «عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر ۲۰ نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند» (همان، جلسه ۳۸، ۱۷ خرداد ۱۳۶۸).

پس از این مقطع زمانی تلاش‌های بسیاری برای اصلاح جدول حوزه‌بندی انتخابات یا نظام حوزه‌بندی انتخابات صورت گرفت که اغلب نافرجام بود. در ادامه به تغییرات به‌وجود آمده طبق قانون در جدول حوزه‌بندی انتخابات و نیز تلاش‌های نافرجام مذکور طی دوره‌های سوم تا دهم مجلس شورای اسلامی پرداخته می‌شود.

۶-۱. دوره سوم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۶۷ - خرداد ۱۳۷۱)

در ۹ اسفند ۱۳۶۸ طرح «اصلاح تبصره ذیل قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی» به مجلس ارائه شد. استدلال پیشنهاددهندگان طرح این بود که تبصره ذیل قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی که بیان می‌دارد «حوزه‌های انتخاباتی همواره از هر نوع انتزاع و الحاق که براساس قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری در حدود روستا و دهستان باشد تبعیت می‌کند»؛ مشکل‌هایی را هم برای وزارت کشور و هم احیاناً برای حوزه‌های انتخاباتی فراهم کرده، بر این اساس که برای مثال یک بخش به‌لحاظ انتخاباتی متعلق به شهرستانی است که از نظر تقسیمات کشوری تابع آن نیست. از این‌رو تبصره مذکور باید اصلاح شود و دربرگیرنده بخش نیز باشد. درواقع نمایندگان پیشنهاددهنده طرح به‌دنبال هماهنگی کامل حوزه‌های انتخابیه با تقسیمات کشوری بودند (مشروح مذاکرات سومین دوره مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۱۰، ۲۸ اسفند ۱۳۶۹).

طرح مذکور در کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور بررسی شد و کلیات آن تصویب شد. طبق گزارش کمیسیون در گذشته اگر انتزاع و الحاقی در حد روستا و دهستان انجام می‌شد بالطبع از لحاظ انتخاباتی نیز از آن تبعیت می‌شد، در مصوبه کمیسیون این قاعده از حد روستا و دهستان به بخش گسترش یافت. مخالفان معتقد بودند که این طرح نظم کار حوزه‌های انتخابیه و کارهای اجرایی را برهم می‌زند و تنش اجتماعی ایجاد می‌کند و بسیاری از حوزه‌های انتخابیه به‌دلیل از دست دادن جمعیت خود حذف می‌شوند. برخی نیز استدلال می‌کردند که تصویب این طرح سبب کاهش اختیار مجلس در برابر وزارت کشور در بحث حوزه‌بندی خواهد شد.^۱ در مقابل موافقان معتقد بودند که وقتی

۱. سیدرضی حسینی‌مدنی (مخبر کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور) بیان کرد «حق مجلس در اینجا سلب می‌شود. تعیین حوزه‌هایی انتخابیه و حد و مرز حوزه‌های انتخابیه کار مجلس است ...، اگر در اینجا مجلس رأی بدهد به این

بخشی از شهرستانی منتزع و به شهرستانی دیگر ملحق می‌شود و تمام ادارات مربوطه‌اش هم به شهرستان مادر متصل می‌شود حوزه انتخاباتی هم باید به شهرستان مادر متصل شود. وزارت کشور نظر موافق یا مخالفی نسبت به این طرح نداشت و ازسویی با استناد به تبصره «۲» ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری معتقد بود این طرح برخی از مشکلات را حل می‌کند و در مقابل سبب برخی مشکلات نیز می‌شود.^۱ درنهایت کلیات این طرح مورد تصویب قرار نگرفت (همان، جلسه ۳۸۰، ۱۳ مرداد ۱۳۶۹).

همچنین در این دوره در پی اصلاح قانون اساسی، «طرح قانونی اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و الحاق موادی به آن» به مجلس شورای اسلامی ارائه شد که کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور آن را بررسی کرد و کلیات آن تصویب شد. یکی از مواد این طرح درباره تعداد نمایندگان مجلس بود که طبق آن هر ده سال ۲۰ نفر به تعداد نمایندگان مجلس اضافه می‌شود. این طرح فرایند افزایش تعداد نمایندگان را برعهده وزارت کشور از طریق ارائه لایحه به مجلس قرار می‌داد.^۲ مخالفان معتقد بودند که مجلس نمی‌تواند دولت را مکلف به اصلاح حوزه‌بندی کند.^۳ با این حال نمایندگان کلیات طرح را تصویب کردند (همان، جلسه ۳۱۹، ۱۹ دی ۱۳۶۹).

طبق گزارش شور دوم این طرح، ماده (۱) بیان می‌دارد «تبصره «۲» ماده (۲) قانون انتخابات به شرح ذیل اصلاح می‌شود: از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ هر ده سال ۲۰ نفر به تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی اضافه می‌گردد. وزارت کشور موظف است از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ هر ده سال یکبار لایحه اصلاح تعداد نمایندگان و محدوده حوزه‌های انتخاباتی را تهیه و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید». رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور پیشنهاد داد که عبارت «و محدوده حوزه‌های انتخاباتی» به دلیل ایجاد مشکلات در حوزه‌بندی حذف شود.^۴ در مقابل برخی معتقد بودند که اصل شصت و چهارم قانون اساسی بیان می‌کند «... محدوده

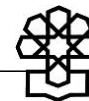
طرح، حق را از مجلس سلب کرده‌ایم و وزارت کشور هر وقت خودش بخواهد می‌تواند يك بخشی، دهستانی انتزاع و الحاق بکند ... که در بعضی جاها ممکن است مایه نگرانی بعضی از نمایندگان باشد. ...»

۱. محمدحسین رضائی (معاون وزارت کشور) بیان کرد «این طرح، هم یکسری مشکلاتی را ممکن است به وجود بیاورد. هم یکسری مشکلاتی را هم حل می‌کند. ... من تبصره «۲» ماده (۱۴) قانون تقسیمات کشوری را ... می‌خوانم ... حوزه‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی حتی‌الامکان منطبق به محدوده شهرستان‌ها و هر حوزه انتخاباتی متشکل از يك یا چند شهرستان خواهد بود. ... حتی‌الامکان ... اینکار را کردیم. ... این هم در قانون تبصره «۴» ماده (۱۴) اصلاً هست، حتی‌الامکان هم گذاشته به لحاظ اینکه وزارت کشور مسائل کلی، سیاسی، اجتماعی، این چیزهایش را ببیند. ... آمادگی هم داریم برای تطبیق‌های بعدی آن، ولی در رابطه با این طرح نظر موافق یا مخالفی نداریم هر چه مجلس رأی داد».

۲. سیدرضی حسینی‌المدنی (مخبر کمیسیون شوراها و امور داخلی) بیان کرد «از آنجایی که در قانون اساسی ما اصلاحاتی صورت گرفت ایجاب می‌کرده که در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی هم حتماً و به‌طور ضرور این اصلاحات صورت بگیرد. یکی در رابطه با مسئله تعداد نمایندگان مجلس است چون در گذشته ... به ازای هر ۱۵۰ هزارنفر يك نماینده اضافه می‌شد در ده سال ... و چون در قانون اساسی آنجا اصلاح صورت گرفته ... لذا در اینجا هم ما اصلاحیه انجام دادیم و اصلاح کردیم به این شکل که با گذشت ده سال از مجلس آن وقت ۲۰ نفر فقط می‌توانند اضافه بشوند و آن هم وزارت کشور آن را انجام می‌دهد به این معنا که رسیدگی می‌کند در حوزه‌های انتخابیه و در جاهایی که این صلاحیت را دارند پیشنهاد می‌دهند نماینده اضافه شود».

۳. موحدی ساوجی، بیان کرد: «اصل شصت و چهارم قانون اساسی را اینجا ناقص کرده‌اند به جهت اینکه در اصل شصت و چهارم لافل گفته که با توجه به شرایط جغرافیایی، انسانی، اجتماعی و چه و چه، هر ۱۰ سال يك بار ۲۰ نفر به نمایندگان مجلس اضافه بشود. اینجا حتی آن را هم ناقص آورده‌اند بعد هم گفته‌اند دولت مکلف است لایحه بدهد. با اینکه می‌دانند که اگر مجلس دولت را مکلف کند که لایحه بدهد شورای نگهبان تا به حال مواردی را رد کرده گفته مجلس نمی‌تواند دولت را مکلف کند ... در رابطه با این اصل شصت و چهارم هم می‌تواند مجلس طرح بدهد، هم می‌تواند دولت لایحه بدهد. حالا يك ماده آوردن ... هیچ ضرورت ندارد».

۴. وي بیان کرد «این محدوده‌های حوزه‌های انتخاباتی اگر در اینجا نباید معنا و مفهومش این است که ما تا ده سال دیگر اصلاً نمی‌توانیم دست به ترکیب حوزه‌های انتخاباتی بزنیم و حال اینکه وزارت کشور قبل از پایان هر دوره مجلس و اعلام انتخابات دوره بعدی در حوزه انتخاباتی يك تغییراتی باید بدهد و اگر اینکار انجام بشود بالاخره الزاماً باعث می‌شود ما هر ده



حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون تعیین می‌کند». بنابراین در متن قانون اساسی هم به تعداد نمایندگان اشاره شده و هم محدوده حوزه‌های انتخابات و آنچه را کمیسیون تصویب کرده صحیح است. عده‌ای نیز اعتقاد داشتند که مکلف کردن وزارت کشور برای تصمیم‌گیری در مورد چگونگی اضافه کردن نمایندگان و تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی سبب اعمال فشار بر وزارت کشور می‌شود.^۱ وزارت کشور نیز معتقد به حذف عبارت محدوده حوزه‌های انتخاباتی از این ماده بود.^۲ در نهایت پیشنهاد رئیس کمیسیون مورد تصویب قرار نگرفت و ماده (۱) تصویب شد. با این حال پانزده نفر از نمایندگان با این استدلال که طرح دارای موارد منفی (مسائل مربوط به استخدام نمایندگان بعد از پایان دوره نمایندگی و ...) است و نتوانسته مسائل موجود را حل کند درخواست مسکوت ماندن این طرح را ارائه کردند که تصویب شد (همان، جلسه ۳۸۱، ۱۵ مرداد ۱۳۶۹).

همچنین در این دوره «لایحه ماده‌واحد قانون تأثیر تغییرات تقسیمات کشوری در محدوده حوزه‌های انتخابیه» با قید دو فوریت به مجلس ارائه شد. دلیل این امر تغییرات شدید و پی‌درپی در تقسیمات کشوری بود. حدود ۳۳ شهرستان و ۱۱۴ بخش جدید ایجاد شده بود که نتایجی از جمله افزایش تعداد شهرستان‌ها در یک حوزه انتخابیه را داشت و موجب ایجاد مسائلی به‌ویژه در امور اجرایی انتخابات می‌شد. باید تعیین می‌شد که مسئولیت در جریان برگزاری انتخابات، تعیین هیئت اجرایی و ... با کدام فرماندار است (همان، جلسه ۴۳۷، اول دی ۱۳۷۰). دو فوریت لایحه مورد تصویب قرار نگرفت. پانزده روز بعد «طرح ماده‌واحد قانون میزان تأثیر تقسیمات کشوری در محدوده حوزه‌های انتخاباتی» با قید دو فوریت اعلام وصول شد که در ۱۷ دی ۱۳۷۰ به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسید. طبق ماده‌واحد «وزارت کشور مکلف است بدون تغییر جغرافیایی در محدوده حوزه‌های انتخابیه جز در چارچوب مفاد تبصره ذیل قانون تعیین حوزه‌های انتخاباتی مصوب ۱۳۶۶/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی تغییرات دیگری که براساس قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری به‌وجود آمده یا می‌آید را در محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی اعمال نماید». براساس تبصره ذیل ماده‌واحد «بخش امیدیه در حوزه انتخاباتی بندر ماهشهر قرار می‌گیرد و مرکز حوزه انتخابیه بر خوار و میمه مرکز شهرستان مربوط خواهد بود» (همان، جلسه ۴۴۴ و ۴۴۵، ۱۵ و ۱۷ دی ۱۳۷۰).

سال يك مرتبه دست به تركيب حوزه‌های انتخاباتی بزنیم و این مغایر با قانون است ... ما باید ده سال به ده سال يك مرتبه بیست نفر نمایندگانی را که می‌خواهند اضافه بشوند به تعداد نمایندگانی که همزمان با آن قضیه باید در حوزه‌های انتخاباتی هم تغییراتی بدهیم. بنابراین آنچه که کمیسیون هم به آن رسیده و وزارت کشور به این قضیه توجه کرد این جمله «حوزه‌های انتخاباتی» حتماً باید در این ماده حذف شود».

۱. سیدرضا اکرمی بیان کرد «اگر واقعاً ما بیایم تفکیک قائل شویم بین اضافه شدن بیست نماینده و تعیین حوزه‌های انتخاباتی و آنرا بگذاریم به‌عهده وزارت کشور کلی مشکل درست می‌کند یعنی واقعاً آنجا يك کانونی می‌شود به‌عنوان کانون فشار بر وزارت کشور که آقا اینجا چنین کنید فلان کنید ...».

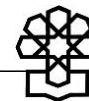
۲. محمدحسین رضائی (معاون وزیر کشور) بیان کرد «متن تبصره ۲» ماده (۱۴) قانون تقسیمات کشوری تکلیف این محدوده حوزه‌های انتخاباتی را روشن کرده که باید ما آماده کنیم بیاوریم مجلس ... الان اینجا اگر تصویب بشود خود این متن ما محدود می‌شویم به اینکه هر ده سال يكبار این کار را بکنیم و همیشه خود شما مشکل پیدا می‌کنید در هر دوره از نمایندگی مجلس لذا ما با پیشنهاد حذف موافقیم ... این محدود کردنش به هر ده سال يكبار همه‌اش مشکلات است در زمانهایی که چهار سال به چهار سال می‌خواهیم کارهای مجلس را انجام بدهیم و محدوده‌ها را مشخص کنیم این مشکل ایجاد می‌کند».

۷-۱. دوره چهارم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۷۱ تا خرداد ۱۳۷۵)

در مجلس چهارم شورای اسلامی «طرح اصلاح حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی» به مجلس ارائه شد که توسط کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور با دعوت از کارشناسان وزارت کشور و نمایندگان پیشنهاددهنده طرح مورد بررسی و تصویب قرار گرفت. شایان ذکر است که وزارت کشور نظر استانداران را در این زمینه اخذ کرد. طبق گزارش شور اول کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور دلیل ارائه این طرح این بود که اصلاح حدود حوزه‌های انتخابیه در دوره دوم مجلس انجام شده و در طول ۸ سال پس از آن تغییرات زیادی در تقسیمات کشوری و نیز در تعداد جمعیت (به دلیل مهاجرت یا افزایش طبیعی) به وجود آمده که سبب ایجاد مشکلاتی در اجرای قانون انتخابات شده است. مواردی که در گزارش شور اول ذکر شده بود شامل ۹ مورد اصلاح بود که سه مورد آن به اصلاح نام حوزه‌ها و مابقی به اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه جهت تطابق با تقسیمات کشوری اختصاص داشت و شامل افزایش تعداد نمایندگان یا ایجاد حوزه‌های جدید نبود.

مهم‌ترین استدلال‌های مخالفان تصویب کلیات عبارت بود از: اول، با توجه به قانون برنامه دوم توسعه که دولت را مکلف به اصلاح تقسیمات کشوری کرده و با توجه به اینکه هر ده سال یکبار در کشور باید سرشماری صورت گیرد بهتر آن است فرصت داده شود تا دولت طی لایحه‌ای تقسیمات جدید کشوری را با اصلاح حوزه‌های انتخابیه بیاورد و تا زمانی که تقسیمات کشوری اصلاح نشده، از اصلاح حوزه‌بندی انتخاباتی اجتناب شود. دوم، اصلاحاتی که کمیسیون انجام داده از پختگی لازم برخوردار نیست، برای مثال برخی از این اصلاحات سبب نادیده گرفتن عوامل دیگر مانند فاصله جغرافیایی می‌شود و ضروری است طرح جامعی ارائه شود؛ سوم، جابه‌جا کردن مرزهای حوزه‌های انتخابیه قطعاً در بین مردم تنش‌هایی را در پی خواهد داشت و چهارم، بعضی از شهرستان‌های جدید توقع دارند که برای خودشان نماینده داشته باشند. در مقابل موافقان استدلال می‌کردند که این طرح مغایرتی با برنامه دوم توسعه ندارد و قانون تقسیمات کشوری متمایز از قانون حوزه‌های انتخابیه است؛ و این طرح با تطبیق مرزهای حوزه‌های انتخابیه بر مرزهای تقسیمات کشوری سبب کاهش مشکلات در حوزه اجرا و رسیدگی نماینده به حوزه انتخابیه و نیز تنش‌های اجتماعی می‌شود. وزارت کشور با این طرح موافق بود.^۱ با این حال کلیات این طرح تصویب نشد (مشروح مذاکرات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی، جلسه ۳۲۵، ۵ اردیبهشت ۱۳۷۴).

۱. شریعتی (معاون پارلمانی وزارت کشور) بیان کرد، «وزارت کشور ... این طرح را برای کلیه استانداران ارسال کردند که نقطه‌نظرات آنها را ... اعلام بکند. طرح یک مقداری گسترده بود ... ولی آنچه که کارشناسان وزارت کشور و مسئولان اجرایی استان‌ها پذیرفتند ... آن مقداری بود که الان در متن طرح لحاظ شده یعنی با تقسیمات کشوری که الان موجود است، بحث انتخابات هماهنگ بشود علتش هم این بود که ظرف سال‌های گذشته طومارهای زیادی از بعضی از مناطق به وزارت کشور و به فرماندارها و استاندارها ... آمده بود فرضاً نماینده متعلق به یک استانی دیگر است اما محل انتخابیه متعلق به استان دیگر. هماهنگی بین مسئولان اجرایی و نظارت بر امور یک مقدار سخت می‌شد و علاوه بر این مکاتبات دریافت نامه‌ها و برخورد با مشکلات مردم بسیار حاد بود، لذا وزارت کشور اعتقادش این است که اگر تغییری در حوزه‌های تقسیمات کشوری و تعداد نمایندگان ایجاد نکند که نمی‌کند، با این طرح موافق است».



همچنین در این دوره «طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» به مجلس ارائه شد که توسط کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور بررسی و به مجلس ارائه و تصویب شد. آنچه در این طرح مرتبط با بحث حوزه‌های انتخابیه بود، تعداد نمایندگان و زمان تجدیدنظر در این تعداد بود. این اصلاح بدین دلیل بود که آخرین اصلاحیه قانون انتخابات مربوط به سال ۱۳۶۵ بود و تغییراتی که در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ صورت گرفت در این قانون اعمال نشده بود که از جمله آنها تعداد نمایندگان و چگونگی افزایش آن بود (همان، جلسه ۳۳۱ و ۳۳۲، ۲۷ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۴). طبق ماده (۱) این طرح که مورد تصویب مجلس قرار گرفت، ماده (۲) قانون انتخابات بدین صورت اصلاح شد «عده نمایندگان مجلس ۲۷۰ نفر می‌باشد و افزایش تعداد آن، براساس اصل شصت و چهارم قانون اساسی خواهد بود». همچنین تبصره «۱» آن به‌عنوان تبصره ماده مذکور ابقا و تبصره «۲» حذف شد^۱ (مشروح مذاکرات چهارمین دوره مجلس شورای ملی، جلسه ۳۵۴، ۴ مرداد ۱۳۷۴). شایان ذکر است که تبصره دیگری به‌عنوان تبصره «۲» به ماده (۱) الحاق گردید، که بیان می‌داشت «وزارت کشور می‌تواند در موارد ضروری با تصویب هیئت وزیران بخش‌های حوزه انتخابیه‌ای را که تابع شهرستان دیگر باشند از لحاظ حوزه انتخابیه تابع شهرستان خود گرداند». شورای نگهبان این اختیار کلی که مجلس در این تبصره، به وزارت کشور و یا هیئت دولت داده را مغایر اصل شصت و چهارم قانون اساسی دانست و اعلام کرد که تغییرات حوزه‌های انتخابیه باید طبق قانون باشد و یک قانون جداگانه‌ای درباره حوزه‌های انتخابیه وجود دارد که چنین مسئله‌ای باید در آن قانون بررسی شود. به همین دلیل این تبصره حذف شد (همان، جلسه ۳۵۴، ۴ مرداد ۱۳۷۴).

پس از اینکه شورای نگهبان انجام اصلاحات در مرزهای حوزه‌های انتخابیه توسط وزارت کشور را مغایر اصل شصت و چهارم قانون اساسی دانست، قرار بر این شد که نمایندگان طرحی را آماده کنند که درباره آن هیچ اختلافی، بین نمایندگان دو حوزه نباشد. در اوایل آبان ۱۳۷۴، «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه» با قید یک فوریت اعلام وصول شد و فوریت آن مورد تصویب قرار گرفت. این طرح به تغییرات جزئی اما مهم در حوزه‌های انتخابیه و حل مشکلاتی اختصاص داشت که نمایندگان، کارشناسان وزارت کشور و دستگاه‌های اجرایی و مردم با آن مواجه بودند. موارد ذکر شده در این طرح مسائلی بود که کمیسیون با نمایندگان هر دو طرف دو حوزه مذاکره کرده و هیچ‌گونه اختلاف‌نظری در آن مشاهده نشده بود. این طرح در واقع ناظر بر تغییر نام برخی حوزه‌ها (مثلاً در جایی که یک حوزه انتخابیه قبلاً یک بخش بوده و در این زمان تبدیل به دو بخش شده بود و باید نام دو بخش به‌عنوان حوزه انتخابیه ذکر شود) و نیز جابه‌جایی مرزهای برخی حوزه‌ها (مواردی که عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای تقسیمات کشوری وجود داشت) بود (همان، جلسه ۳۷۳، ۷ آبان ۱۳۷۴).

کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور جزئیات طرح را با حضور تعدادی از امضاکنندگان طرح،

۱. ماده (۲) سابق به این شرح بود: ماده (۲) - عدد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر می‌باشد. تبصره «۲» - جدول حوزه‌های انتخابیه دور دوم بر مبنای جدول دوره اول مجلس شورای اسلامی است.

نمایندگان پیشنهاددهنده، نمایندگان دولت و مسئولان دستگاه‌های ذی‌ربط بررسی کرد و با اصلاحاتی به تصویب رساند. اکثریت تغییراتی که در گزارش شور دوم تصویب شد، تغییراتی بود که مورد توافق مسئولان و نمایندگان بود، همچنین مواردی را نمایندگان در کمیسیون پیشنهاد دادند که تصویب شد. طبق ماده واحد، این طرح شامل ۴ مورد تغییر نام و ۶ مورد تغییر مرزهای حوزه‌های انتخابیه بود. در زمان بررسی کلیات حدود ۲۰ نفر از نمایندگان پیشنهاد مسکوت ماندن طرح را ارائه کردند و معتقد بودند که اصلاح حوزه‌ها نباید در پایان مجلس و در آستانه انتخابات رخ بدهد و بهترین زمان ارائه این طرح در اول دوره قانونگذاری است. این پیشنهاد تصویب نشد. استدلال مخالفان تصویب کلیات این طرح عبارت بود از اینکه: ایجاد تغییرات در حوزه‌بندی‌ها در آستانه انتخابات تنش ایجاد می‌کند و در آستانه انتخابات باید آرامش و اطمینان بر همه حوزه‌ها در سراسر کشور حاکم باشد؛ دوم، ایجاد تغییرات در حوزه‌های انتخابیه در آستانه انتخابات برای نمایندگان مشکل ایجاد می‌کند؛^۱ و سوم، این طرح همه مشکلات حوزه‌بندی موجود را حل نمی‌کند و بهتر است در زمان اضافه شدن ۲۰ نماینده جدید کل حوزه‌های انتخاباتی بررسی شده و تغییرات لازم ایجاد شود. در مقابل موافقان کلیات معتقد بودند که مسئولان، اعم از کارشناسان فرمانداری‌ها، استانداری‌ها، وزارت کشور و نمایندگان مجلس همه لازم می‌دانند که چنین اصلاحی انجام شود و بهترین زمان اصلاح حوزه‌ها در پایان دوره و وقتی است که انتخابات مطرح است؛ مردم باید به کسی رأی بدهند که در طول دوره بعد درواقع نماینده آنهاست. در این میان وزارت کشور درباره مسئله عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای تقسیمات کشوری و اصلاح آن معتقد بود که باید تمام حوزه‌های انتخابیه بر تقسیمات کشوری منطبق شوند یا اینکه از این ۶ مورد نیز صرف‌نظر شود.^۲ با این حال کلیات طرح تصویب شد (همان، جلسه ۳۸۷، ۱۹ آذر ۱۳۷۴). در شور دوم پیشنهادهای نمایندگان ناظر بر مسائلی مانند تغییر نام حوزه‌ها جهت دربرگرفتن همه بخش‌ها یا همه شهرستان‌ها، اضافه شدن سایر حوزه‌هایی که در آنها رعایت مرزهای تقسیمات کشوری نشده به طرح حاضر^۳ و حذف برخی موارد از طرح بود.^۴ درنهایت این طرح در ۲۲ آذر ۱۳۷۴ به تصویب

۱. محمدرضا خیار به‌عنوان مخالف بیان کرد «نماینده محترمی که سه سال و اندی تلاش کرده، زحمات ... کشیده، امکانات اعتباری را به آن منطقه برده است، توانسته است تحبیب قلوب ایجاد کند، بعد ما سه ماه به آخر سال و سه ماه به سرانجام انتخابات زحمات آن برادر عزیزمان را نادیده می‌گیریم. ... اگر این مشکلات، مشکلات حاد و مهمی بود، چرا سه سال و اندی است این مشکلات به این مهمی در مجلس محترم مطرح نشده؟ ... در آخر دوره طرحی را ما به مجلس بیاوریم که ... خوراک تبلیغاتی برای عده‌ای فراهم کند ...».

۲. تابش (معاون سیاسی وزارت کشور) بیان کرد «این نقاط صرفاً همین چند منطقه‌ای که در این طرح آورده شده نیست، این نقاط در سراسر کشور چیزی در حدود (۲۶) نقطه هست، ما در استان‌های مختلف از این نقاط داریم، ... یا ما باید همه اینها را تابع تقسیمات کشوری بکنیم که به نظر من بعضی جاهایش تنش به‌وجود می‌آورد و مشکلاتی دارد و به همین دلیل هم این تفکیک‌ها شده یا اینکه از این چند نقطه هم ... صرف‌نظر بکنید و اجازه بدهید .. طبق همان محدوده‌های سابق انتخابات در آنجا برگزار بشود».

۳. برای مثال احمد ناطق نوری پیشنهاد داد: حوزه انتخابیه نور شامل شهر نور و کلیه بخش‌ها و دهستان‌های تابعه که از نظر تقسیمات کشوری به شهرستان نور تعلق دارد. که مورد تصویب قرار گرفت. نوبخت حقیقی الیاس حضرتی و ... پیشنهاد کردند بند «ی» بدین ترتیب به ماده واحد اضافه شود: «در اجرای انطباق با ضوابط تقسیمات کشوری بخش خمام از حوزه انتخابیه بندرانزلی منفک و جزء حوزه انتخابیه شهرستان رشت قرار گیرد». که تصویب شد.

۴. برای مثال علی دانش‌منفرد بیان کرد «بخش خلجستان ۴ دوره متوالی است که ... به‌علت کمبود جمعیت تفرش و آشتیان انتخاباتش با حوزه تفرش و آشتیان است جمع جمعیت تفرش و آشتیان ۹۰ هزار است و قانونگذار برای اینکه این حدنصاب را برای حوزه نمایندگی داشته باشد این بخش را که در قبل ۱۷ هزار جمعیت داشته و الان ۱۸، ۱۹ هزار نفر جمعیت دارد این را به بخش آشتیان و تفرش داده‌اند. حذف این بخش تعادل انتخابات را در حوزه تفرش و آشتیان به هم می‌زند. من از نمایندگان محترم تقاضا دارم که به حذف این رأی بدهند». سیدمحمد تقی محصل همدانی با این استدلال که



مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۷۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. طبق ماده واحد، در ۱۲ استان کشور تغییراتی در نام حوزه‌ها یا مرزهای حوزه‌های انتخابیه در راستای تطابق با مرزهای تقسیمات کشوری در سطح شهرستان و استان ایجاد شد (پیوست ۳) که در این میان ۹ مورد مربوط به اصلاح مرزها بود. طی فرایند بررسی این طرح نمایندگان هیچ توجهی برای لزوم برابری جمعیت حوزه‌ها نداشتند و تنها زمانی که برای مثال هدف جلوگیری از تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با تقسیمات کشوری بود، به عامل جمعیت اشاره می‌شد^۱ (همان، جلسه ۳۸۸، ۲۲ آذر ۱۳۷۴).

۸-۱. دوره پنجم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۷۵-خرداد ۱۳۷۹)

مجلس پنجم را می‌توان نقطه عطفی از نظر توجه به عامل جمعیت در حوزه‌بندی انتخاباتی محسوب کرد. همچنین از این دوره تلاش برای استانی‌کردن حوزه‌های انتخاباتی شروع شد. در ۶ تیر ۱۳۸۷، طرح استانی‌شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی با قید یک فوریت اعلام وصول شد و یک فوریت آن رد شد. استدلال پیشنهاددهندگان طرح برای تصویب یک فوریت آن این بود که استانی‌شدن انتخابات مجلس را از پرداختن به مسائل جزئی که در اولویت قرار ندارند، اختلافات محلی و ناامنی‌های قبل و بعد از انتخابات باز می‌دارد؛ مانع از برخورد های قبیله‌ای، طایفه‌ای و گروهی می‌شود؛ سبب باز شدن دست تشکلهای سیاسی و حزبی برای تهییج افکار و انگیزه‌های مردم برای دخالت در انتخابات می‌شود؛ تعهدات نمایندگان را از سطح جغرافیایی محدود شهرستانی به سطح حداقل استانی می‌رساند و وظیفه شوراهای اجرایی را به خودشان واگذار می‌کند.^۲ در مقابل مخالفان معتقد بودند که این طرح سبب کاهش مشارکت ملی در انتخابات می‌شود (مشروح مذاکرات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۹۱، ۶ تیر ۱۳۷۸). در نهایت یک فوریت طرح تصویب نشد.

بخش هرات و مروست در تقسیمات کشوری تابع شهرستان مهریز در استان یزد است ولی در حوزه انتخابیه شهرستان شهربابک قرار دارد پیشنهاد انتزاع بخش هرات و مروست را از حوزه شهربابک ارائه داد. سلیمانی میمندی به‌عنوان مخالف بیان کرد «با جدا شدن این بخش که حدود ۳۰ هزار نفر جمعیت دارد، حدنصاب جمعیت حوزه انتخابیه شهر بابک به حدود ۷۵ هزار نفر می‌رسد». که مورد تصویب قرار نگرفت.

۱. برای مثال زمانی که پورقربان پیشنهاد کرد بخش هوراند در اجرای انطباق با ضوابط تقسیمات کشوری از حوزه انتخابیه شهرستان کلپیر منفک و جزو حوزه انتخابیه اهر قرار گیرد. موحدی ساوجی به‌عنوان مخالف بیان کرد «حوزه انتخابیه اهر الان شامل اهر و هریس است که جمعیت اهر ۱۶۰ هزار نفر است با اینکه دو تا بخش از آن جدا کرده‌اند و ۱۱۰ هزار نفر جمعیت هریس است، یعنی مجموعاً ۲۷۰ هزار نفر حوزه انتخابیه اهر و هریس است. اما شهرستان کلپیری که ایشان فرمودند، جمعیتش با آمارگیری سال ۱۳۷۰، ۱۱۰ هزار نفر است و جمعیت بخش هوراند ۳۰ هزار نفر، ... حالا آیا واقعاً انصاف است که ما بخش هوراند ۳۰ هزار نفری را از کلپیر کم کنیم، ... اگر آن جمعیت ۲۰ هزار نفر را به ۲۷۰ هزار نفر اضافه کنیم، می‌شود ۳۰۰ هزار نفر».

۲. برای مثال علی قنبری به‌عنوان پیشنهاددهنده طرح بیان کرد «بحث استانی شدن حوزه‌های انتخابیه دارای منطق کارشناسی شده است ... براساس فرمان امام راحل که «مجلس باید در رأس امور باشد» ... پرداختن به مسائل جزئی و در اولویت‌های سوم و چهارم مسائل کشور که الان ما با آن مواجه هستیم ما را از این هدف مقدسی که برای مجلس ترسیم شده دور می‌کند. ... ما امروز در مهم‌ترین مسائل کشور، در مهم‌ترین معضلات کشور کمترین توجه را داریم، در عوض در مسائل ... جزئی و منطقه‌ای بیشترین وقت را صرف می‌کنیم. فوریت قضیه این است، الان که در آستانه انتخابات مجلس هستیم پیشنهاد ما به‌عنوان یک طرح جامع می‌تواند خیلی از مسائل و مشکلات انتخابات ... را حل بکند، ... لذا از این جهت این طرح فوریت دارد ... چرایی این قضیه این است که ما را از پرداختن به مسائل جزئی و درجه چندم باز می‌دارد، از اختلافات محلی باز می‌دارد، از ناامنی‌هایی که چه قبل از انتخابات و چه بعد از انتخابات در کشور در مناطق ما حاکم می‌شود باز می‌دارد ... افراد شایسته، نخبه، توانمند و فکور انتخاب می‌شوند».

چندی نگذشت که در تاریخ ۱۳۷۸/۰۵/۲۵، لایحه اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی با قید دو فوریت اعلام وصول و یک فوریت آن تصویب شد. طبق این لایحه دولت در ۲۱ استان کشور حوزه‌های انتخاباتی را اصلاح می‌کرد و طبق اصل شصت و چهارم قانون اساسی و از طریق تقسیم برخی حوزه‌ها به دو حوزه، افزایش تعداد نمایندگان حوزه‌ها و ... (۲۰) نماینده به تعداد نمایندگان اضافه می‌شد. طبق گفته وزیر کشور در مجلس این لایحه با لحاظ کردن جمعیت (هر ۲۱۰ هزار نفر، یک نماینده براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵)، شرایط جغرافیایی و مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و قومی تدوین شده بود^۱ که یک فوریت لایحه تصویب و برای بررسی به کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور ارجاع شد (همان، جلسه ۳۰۱، ۲۵ مرداد ۱۳۷۸).

کمیسیون لایحه مذکور را در جلساتی با حضور نمایندگان دولت و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و نمایندگان پیشنهاددهنده بررسی کرد و با حذف بعضی از مواد و اصلاحاتی به تصویب رساند. از آنجاکه در مورد استان خراسان موضوع شفاف و روشن نبود، کمیسیون دو تن از نمایندگان را برای بررسی دقیق‌تر موضوع به استان خراسان فرستاد و براساس گزارش آنها تصمیم گرفت. معیار کمیسیون در اصلاح لایحه، جمعیت (۲۱۰ هزار نفر)، مسائل سیاسی امنیتی و اجتماعی و نظر مردم بود.

در ۲ آبان ۱۳۷۸، گزارش کمیسیون در صحن مجلس بررسی شد. مخالفان کلیات لایحه دلایلی مانند تهیه لایحه بدون انجام کار کارشناسی دقیق؛ در جریان نبودن مردم نسبت به تغییراتی که قرار است براساس این لایحه در حوزه‌بندی انتخاباتی ایجاد شود؛ داشتن بار مالی برای دولت^۲؛ نبود تعادل و عدم تناسب جمعیت در حوزه‌های انتخابیه و ضرورت بازنگری کلی در همه حوزه‌های انتخابیه؛ لزوم انجام مطالعات میدانی در همه حوزه‌ها جهت ایجاد تغییرات در مرزهای حوزه‌ها و مشخص نبودن معیار و ملاک کمیسیون در اصلاح لایحه^۳ استناد می‌کردند.

۱. سیدعبدالواحد موسوی لاری (وزیر کشور) بیان کرد «وزارت کشور بررسی این مسئله را در جلسات مختلف کارشناسی دنبال کرد، از استان‌های مختلف نظرات استانداران و مسئولان اجرایی را دریافت کرد، ... ما يك تكليف داشتيم كه ۲۰ نفر نماینده ... به تعداد نمایندگان موجود اضافه کنیم. بررسی‌هایی که ما انجام دادیم با لحاظ کردن جمعیت، شرایط جغرافیایی و مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی و مسائل مربوط به اقوام مختلف کشور است. ... به ازای هر ۲۱۰ هزار نفر، ما يك نماینده می‌توانیم در مجلس داشته باشیم، این يك فاكتور. فاكتور دوم ما این است که حوزه‌های انتخابیه به گونه‌ای دیده شود که واقعاً نمایندگان بتوانند سرکشی کنند ... مسئله سوم هم نگاه به مسائل قومی و مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و جنبه‌های اجتماعی قضیه است که در این توزیع دیده شده سعی ما هم براین بوده که زیاد ترکیب و شرایط فعلی حوزه‌های انتخابیه را به هم نزنیم. ...»

۲. برای مثال علی معلمی بیان کرد «چرا اینجا موقعی که وزارت کشور تنها از استانداران و فرمانداران و بخشداران نظرخواهی می‌کرد و آن عزیزان هم دنبال بارگیری بودند، چرا خود مردم بیشتر در جریان قرار نگرفتند؟ اگر واقعاً حق مردم است که ظرف هر ۱۰ سال، ۲۰ نماینده اضافه بشود ... به چه قیمتی دارد تمام می‌شود؟ ... و از کیسه چه کسی خواهد رفت؟ ... در شرایطی که دولت چنین مشکل مالی دارد، ما بایم این همه هزینه را روی دست دولت بگذاریم، این يك سمت قضیه و يك دليل. ... الان سه شهرستان دو نماینده دارد، خیلی راحت قابل تفكيك بوده ولی کارشناسان استانداری و فرمانداری این پیشنهاد را ندادند، چرا که تصورشان این بود که مثلاً به ضرر یارشان تمام می‌شود. نه اینکه منافع مردم را [در نظر بگیرند] ... واقعاً افزایش ۲۰ نماینده ... تغییر حوزه‌های انتخابیه کار مهمی است، نیاز داشت به اینکه در رسانه‌ها به موقع مطرح بشود، از مردم، از نمایندگان نظرخواهی می‌شد. ... ولی متأسفانه چنین چیزی اتفاق نیفتاده است ... تبعات اجتماعی، سیاسی خواهد داشت ... واقعاً حقوق مردم هم لحاظ نشده...»

۳. جلیل خانی بیان کرد «کاری که دولت کرده در راستای اجرای اصل شصت و چهارم قانون اساسی بوده، ... الان تعادلی در حوزه‌های انتخابیه موجود نیست. نمایندگان محترم شاهد هستند حوزه انتخابیه‌ای هست که با ۷۰، ۶۰ هزار نفر جمعیت و گاهی حوزه‌های انتخابیه‌ای هست که با بیش از ۱ میلیون نفر جمعیت، خوب قطعاً این نیاز داشت که روی تمام حوزه‌های انتخابیه کار کارشناسی دقیق‌تری انجام می‌شد و اصلاحاتی که مورد نظر دولت است یکباره در همین مجلس و با همین لایحه این اصلاحات را انجام می‌داد، ... نکته بعدی که باید مورد توجه قرار گیرد، بحث زمانی است. ... در این زمان کم قطعاً



موافقان نیز با اشاره به اصل شصت و چهارم قانون اساسی معتقد بودند که اضافه شدن ۲۰ نفر به حل شدن مشکلات اجتماعی و سیاسی برخی مناطق و عمران و آبادی و رسیدگی به مشکلات مردم کمک می‌کند (همان، جلسه ۳۱۷ و ۳۱۸، ۲ و ۴ آبان ۱۳۷۸). در نهایت با کلیات لایحه موافقت شد. با این حال پیشنهاد شد که اصل لایحه دولت جایگزین مصوبه کمیسیون شود. موافقان این پیشنهاد معتقد بودند که دولت با توجه به تجارب فراوان و کار کارشناسی عمیق لایحه را ارائه داده است، در حالی که مصوبه کمیسیون دارای نقص است.^۱ مخالفان جایگزینی لایحه دولت با پیشنهاد کمیسیون استدلال می‌کردند که پیشنهادهای وزارت کشور که کار کارشناسی روی آن انجام شده در خود هیئت دولت تغییراتی کرده است و برخی از تغییراتی که دولت در قالب این لایحه پیشنهاد داده بیشتر ماهیت سیاسی دارد تا اینکه براساس کار کارشناسی بوده باشد و در لایحه ارائه شده ضوابط تعیین شده در حوزه‌بندی رعایت نشده که کمیسیون با دعوت از کارشناسان دستگاه‌های مختلف آن را اصلاح کرده است.^۲ در این میان نماینده وزارت کشور بیان کرد که وزارت کشور لایحه را براساس کار کارشناسی و معیارهای تعیین شده تدوین کرده و مصوبه کمیسیون معیارها (جمعیت، تقسیمات

فرصت برای اعضای محترم کمیسیون شوراها و امور داخلی نبوده که روی قضیه کار کارشناسی جامعی انجام بدهند و مرکز پژوهش‌ها نظرات فنی خودش را ارائه بدهد ... شش جلسه دو ساعته و یا کم و بیشتر، ... بیشتر روی این پیشنهاد و این لایحه کار نشده و یک مورد کمیسیون موفق شده اعضای محترم خود را به یک استان کشور اعزام کند و ... نظرات مردم را بخواند. خوب، قطعاً ... لازم بوده که از استان‌های مختلف دیگر هم بازدید می‌کردند و این قضیه را مورد دقت و بررسی قرار می‌دادند. قطعاً تغییراتی که کمیسیون انجام داده به اعتقاد من تغییرات بسیار غیرفنی و غیرکارشناسی است و ضابطه‌ای که بر کمیسیون حاکم بوده، حداقل برای ما مشخص نیست که چه معیار و ضابطه و ملاکی حاکم بوده ... یک مورد نمونه را می‌خواهم بگویم که در حوزه انتخابیه و در استان زنجان است ... در یک مورد دو مرکز دهستانی که جزو بخش مرکزی شهرستان زنجان است، الان مردم این دو مرکز دهستان در حوزه انتخابیه ماه‌نشان رأی می‌دهند، دولت محترم به این توجه داشته، به مسائل اجتماعی، سیاسی، روی قضیه کار کارشناسی کرده و معلوم نیست که با چه معیار و اصول ...، کمیسیون محترم تغییرات استان زنجان و استان آذربایجان غربی را حذف کرده و با چه معیار و ملاکی بعضی از تغییراتی که دولت در پیشنهاد و لایحه اش آورده، تغییر داده‌اند؟...».

۱. علی اصغر یوسف‌نژاد بیان کرد «دولت مصالح عمومی را دیده، منافع ملی را دیده، دیدگاه کارشناسان خودش را که در دستگاه‌های اجرایی تا پایین‌ترین رده که دهدار و بخشدار و فرماندار و استاندار، تابع وزارت کشور که یک تشکیلات عظیم مربوط به تقسیمات کشوری است و برگزاری انتخابات را مشاهده کرده و براساس آن نظر داده. ... دولت نخواست ... و اصلاً نمی‌تواند بخشی‌نگری کند و موضوع را خیلی ساده و منطقه‌ای ببیند ... برخلاف خیلی از پیشنهاداتی که داده شده و داده خواهد شد که ممکن است پیامدهای منطقه‌ای داشته باشد، دولت بی‌نظرانه و براساس نقطه‌نظر ملی و مصالح عمومی این پیشنهادات را داده ... اما ایراداتی که به پیشنهادات کمیسیون هست: ... آمده بعضی از حوزه‌های انتخابیه را با این ۲۰ نفر اضافه‌ای که می‌خواهند نماینده بشوند تطبیق داده. این تطبیق غیرمنطقی است و ... مغایر اصل تقسیمات کشوری است. من فکر می‌کنم در زنجان، نهندان و سریش به یک چنین اتفاقی افتاده که متعلق به حوزه دیگر است، آمدند الحاق کردند هنوز آن مراحل اداری برای اینکه حوزه‌های انتخابیه تقسیم‌بندی مناسبی بشوند باید مسیر اداری را طی بکنند تا هیئت وزیران تصویب بکند، این را طی نکرده و این یک اشکال عمده است».

۲. علی موحدی ساوجی به‌عنوان مخالف جایگزینی لایحه دولت بیان کرد «در وزارت کشور چند بخش راجع به این لایحه نظر داشتند. یکی اداره کل سیاسی، یکی اداره تقسیمات کشوری و اصولاً اختلاف‌نظر در این رابطه بوده و از لحاظ کارشناسی مسئولان مربوطه‌ای که با بنده در تماس بودند، گفتند آنچه را که ما به دولت پیشنهاد کرده بودیم این لایحه نبوده. متأسفانه در دولت، پیشنهادات وزارت کشور که کار کارشناسی روی آن انجام شده دچار تغییراتی شده. ... پاره‌ای از این تصمیمات هم بیشتر جنبه سیاسی داشته تا کارشناسی. ... متأسفانه ... هم دولت اختلاف دارد، هم وزارت کشور در کمیسیون اقرار کرد، ... همه شما نمایندگان محترم اگر این لایحه را با وضع کشور بررسی کنید، دارید می‌بینید همین الان بعضی حوزه‌های انتخابیه جمعیت زیر ۱۰۰ هزارنفر با یک نماینده دارند، اما شهرستان‌هایی داریم بالای ۴۰۰ هزارنفر و یک نماینده، ... که ... عادلانه و ضابطه‌مند نیست. ... در کمیسیون شوراها و امور داخلی، ما از کارشناسان دستگاه‌های مختلف دعوت کردیم که البته عمده وزارت کشور بوده، همه نظرات را گرفته‌ایم. ... گزارش کمیسیون شوراها به‌مراتب بهتر و دقیق‌تر از لایحه دولت است». احمد مهدوی ابهری (مخبر کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور) بیان کرد «شما بدانید کمیسیون همه مسائل سیاسی امنیتی کشور و صلاح مردم را در نظر گرفته، اجازه بدهید ... من یک مثالی بزنم، اسم هیچ استانی را نمی‌برم. در یک استانی مرکز استان نزدیک ۶۰۰ هزار جمعیت دارد، یک نماینده دارد، آمدند نماینده دیگر را به آن استان بردند به بعضی از شهرستان‌هایی که اصلاً از نظر جمعیت قابل مقایسه نیست، توجیه سیاسی، امنیتی و اجتماعی هم برای آن نداریم و چگونه ... قبول کنیم که به یک ... مرکز استانی که نزدیک ۶۰۰ هزارنفر جمعیت دارد نماینده اضافه نشود، برود به یک جایی که جمعیتش اصلاً با این معیارهایی که خود وزارت کشور در نظر گرفته قابل مقایسه نیست، نماینده اضافه بشود. مسائل امنیتی اجتماعی هم ... وجود ندارد. لذا من درخواستم این است که ... اجازه بدهند آنچه که کمیسیون تصویب کرده ... مورد بحث و بررسی ... قرار بگیرد».

کشوری و ...) را رعایت نکرده است.^۱ درنهایت این پیشنهاد تصویب نشد. و پیشنهاد نمایندگان در مورد مصوبه کمیسیون ارائه شد. پیشنهادها بیشتر در مورد مسائلی مانند تفکیک برخی حوزه‌ها به دو حوزه مستقل با دو نماینده؛^۲ انتزاع برخی بخش‌ها از یک حوزه و الحاق به حوزه دیگر جهت تطابق مرزهای حوزه انتخابیه با مرزهای تقسیمات کشوری؛^۳ انتزاع برخی نقاط از یک حوزه و الحاق آن به حوزه دیگر با هدف از بین بردن تنش‌های موجود؛^۴ اضافه کردن نماینده به حوزه‌ها^۱ (همان، جلسات ۳۱۸-۳۲۲،

۱. علی محقر (معاون حقوقی و امور مجلس وزارت کشور) بیان کرد «در بررسی این لایحه ... حداقل بیش از ۲ سال کار کارشناسی شده ... از استانداران نظرخواهی شده، یک پیش‌نویسی هم ابتدا تهیه شد، ... مجدداً برای استانداران و کسانی که صاحب‌نظر بودند فرستاده شد، برگشت و بار سوم برای دولت فرستاده شد. ... اینکار واقعاً کار پخته کارشناسی بود. ... با این معیار ما کار کردیم ... جمعیت، تطابق حوزه‌های انتخابیه با تقسیمات کشوری و مسائل جغرافیایی و مشکلات و معضلات سیاسی قومی که در مناطق هست. با توجه به سه معیاری که داشتیم حداقل ۷۴ نفر لازم بود که در تمام کشور عدالت نسبی برقرار بشود ... منتها ... قانون اساسی اجازه افزایش حداکثر ۲۰ نماینده را به ما داده ... لذا به این ترتیب عمل کردیم که آمدم اول شاخص جمعیت را که با فرض ۲۹۰ نفر، به‌ازای هر ۲۱۰ هزارنفر یک نماینده در کشور می‌توانستیم داشته باشیم، آمدم جمعیت استان‌ها را بر ۲۱۰ هزارنفر تقسیم کردیم ... استان‌هایی که بالاتر از این عدد برای عدد نسبی‌شان داشته‌اند، دیگر به آن دست نزدیم، استان‌هایی که کمتر از ۲۱۰ هزار داشته‌اند ... استان‌هایی داشته‌ایم مثلاً ... استان تهران الان ۲۵ نفر نماینده دارد، ۴۱ نفر باید به نسبت جمعیت نماینده می‌داشت. باز ما آمدم در اینجاها برای اینکه معضلات استان‌های دیگر تاحدی حل بشود فرض کنید به ... استان تهران ۳ نفر اضافه شده و استان‌های دیگر همین‌طور بشود که در هر استانی که از این نصاب کمتر دارد لااقل یک‌نفر، دوفتور برای اینکه معضلات سیاسی اجتماعی و تطابق حوزه‌های انتخابیه با تقسیمات کشوری انجام بشود، ... متأسفانه در کمیسیون این دو، سه معیار آمده به‌هم خورده و مشکل بیشتر شده است. ... تطابق حوزه انتخابیه با تقسیمات کشوری در ۳ حوزه به‌هم خورده، در حوزه خراسان ما گفتیم به شهرستان بیرجند به همراه نهبندان یک‌نفر اضافه شود، دوستان آمده‌اند تطابق حوزه انتخابیه و تقسیمات را به‌هم زده‌اند. یک بخشی را از بیرجند کردند و به حوزه نهبندان اضافه کرده‌اند، تازه جمعیت برای آن حوزه جدید ۶۵ هزارنفر شده، ... یعنی یک عدم تعادل هم اینجا ایجاد شده ... در حوزه زنجان و در برخی از حوزه‌های دیگر دوباره مشابه همین مشکل ایجاد شده است».

۲. برای مثال سیدماشاء... شکیبی بیان کرد «حوزه نمایندگی طبس و فردوس جزء بزرگ‌ترین مناطق کشور با وسعت حدوداً ۷۷ هزار کیلومتر ... است ... و ما دو شهرستانی که داریم حدوداً ۲۲۰ کیلومتر با هم فاصله دارند. ... شهرستان فردوس و طبس با این وسعت، ... هر کدام یک نماینده ندارد، از طرفی طبق قانون اساسی صرفاً جمعیت ملاک نیست، ... بحث محرومیت و خیلی از فاکتورهای دیگر هم باید لحاظ بشود که متأسفانه وزارت کشور و کمیسیون ... به این قضیه توجه نکردند و حق مسلم ... مردم محروم شهر فردوس و طبس همچنان مانده، ... چرا بایستی شهر بروجرود که کار کارشناسی وزارت کشور براساس این بود که نیابستی آنجا دو نماینده داشته باشد، اعمال نفوذ شد و آوردند یک‌نفر از خراسان کم کردند و روی شهر بروجرود گذاشتند و در کمیسیون شوراها هم علی‌رغم اینکه برادران کمیسیون شوراها آمدند از منطقه بازدید کردند و دیدند که ما چه مشکلاتی در منطقه داریم، اکثریت قریب باتفاق نمایندگان کمیسیون رای دادند که طبس و فردوس مجزا بشوند و یک‌نفر نماینده از بروجرود برود آنجا، دو روز بعد از آن باز در کمیسیون اعمال نفوذ شد و متأسفانه آنجا ... با تعداد خیلی از نمایندگان که به زحمت اکثریت بودند، رای گرفتند که این رای تجدیدنظر بشود. ... چقدر اعمال نفوذ! ... من از آقای موحی شکایت دارم، ... جواب این مردم بدبخت در کویر را چه باید بدهیم؟... این نماینده که به‌حق مال این منطقه بوده و نظر دولت و وزارت کشور هم این بوده، این را به طبس و فردوس برگردانند». این پیشنهاد نیز تصویب نشد.

۳. برای مثال غلامحسین جلیل‌خانی پیشنهاد کرد که در راستای تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای تقسیمات کشوری در سطح شهرستان در استان زنجان دهستان‌های قلتوق و بوغداکندی از حوزه انتخابیه ماه‌نشان، انگوران و ایجرود منتزع و به حوزه انتخابیه «زنجان و طارم» الحاق شود.

۴. سیداکبر حسینی‌نژاد بیان کرد «حوزه انتخابیه اردکان و میبد که همیشه درگیر مسائل و تنش‌های سیاسی بوده و اختلافات شدیدی بین این ... دو شهرستان است. در ابتدا شهرستان میبد بخشی از شهرستان اردکان بوده و به‌خاطر جمعیت و مسائل سیاسی که داشته، این بخش را به شهرستان تبدیل کردند تا اینکه این تنش از بین برود. ولی متأسفانه به‌خاطر اینکه حوزه انتخابیه آن را جدا نکردند، این تنش باقی مانده و در مواقع حساس باعث تنش شدید و بحران سیاسی و انتظامی و زد و خورد و مشکلات دیگر در آنجا می‌شود. ... بنابراین، این دو حوزه باید از هم جدا بشود ... این درخواست مردم آن منطقه است، ائمه جمعه نامه نوشته‌اند، ... و مردم اردکان طومار نوشتند، درخواست‌های مکرری داشتند در مورد جداکردن این دو حوزه و ائمه جمعه پیشنهاد کردند که میبد جزء شهرستان تفت و یک حوزه شود، و ابرکوه و مهریز و بافق را هم خود من پیشنهاد کردم آن‌هم یک حوزه بشود تا این مشکل حل شود ...».

سیدمحمدتقی محصل همدانی به‌عنوان مخالف بیان کرد «حوزه انتخابیه اردکان دارای دو شهرستان است، یکی اردکان و یکی میبد. این دو شهرستان وصل به‌هم است، همسایه دیواره‌دیوار هستند و الان هم مشکلی از این جهت حوزه انتخابیه احساس نمی‌شود ... موضوعی که باید توجه داشته باشید، میبد با تفت یک فاصله‌ای دارد که یک شهر بزرگ در وسط آن است و اصلاً جایی به‌همدیگر وصل نیستند تا اینکه این دو شهر با همدیگر یک حوزه حساب شوند. ... الان حوزه تفت دو شهرستان دارد. اگر که یک شهرستان دیگر به آن اضافه شود، آن‌وقت می‌شود یک حوزه دارای سه فرمانداری و اردکان با ۶۰ هزارنفر یک حوزه انتخابیه می‌شود. ۲۰۰ هزارنفر، سه فرمانداری یک حوزه، ۶۰ هزار هم نفر یک حوزه ... بنابر تقاضای مردم میبد و مردم تفت و ابرکوه، ما با این پیشنهاد مخالفیم ...».

علی محقر (معاون حقوقی و امور مجلس وزارت کشور) بیان کرد در صورت تصویب این پیشنهاد «درواقع ما مشکل را از اردکان و میبد که عملاً یک شهر است با یک خیابانی که حالا وسط آن می‌خواهیم مرز بکشیم، این مشکل را به حوزه گسترده‌تری که تفت و میبد باشد منتقل می‌کنیم. تفت و میبد، شهرستان بزرگ و صدوق در بین آن قرار دارد. اردکان و میبد به‌هم وصل است، عملاً تبدیل به یک شهر شده‌اند ولی تفت و میبد در دو طرف شهرستان بزرگ و صدوق قرار دارند. یعنی شما دو شهرستان را که وسط آن یک شهرستان بزرگ دیگر است می‌خواهید یک حوزه بکنید اصلاً عملی نیست و خود مردم هم راضی نیستند. ... اردکان و میبد در کنار هم که بالاخره با همدیگر از قدیم عادت کرده‌اند، با همان دعواها هم



۴، ۵، ۹، ۱۱ و ۱۲ آبان ۱۳۷۸) بود. در نهایت این لایحه در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۷۸ به تصویب مجلس و در ۱۹ آبان ۱۳۷۸ به تأیید شورای نگهبان رسید. براساس ماده واحد جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها در ۱۹ استان کشور تغییر کرد (پیوست ۴) و حوزه‌های انتخابیه از ۱۹۶ حوزه به ۲۰۷ حوزه و در راستای اجرای اصل شصت و چهارم قانون اساسی، تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی، از ۲۷۰ نماینده به ۲۹۰ نماینده افزایش یافت.

۹-۱. دوره ششم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۷۹-خرداد ۱۳۶۳)

در تاریخ ۱۳۸۱/۰۳/۱، طرح استانی‌شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد. که طبق آن حوزه انتخابیه در انتخابات مجلس شورای اسلامی «محدوده جغرافیایی هر استان» بود. این طرح توسط کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی بررسی و تصویب شد. در زمان بررسی گزارش شور نخست در صحن علنی، مخالفان تصویب کلیات متمرکز شدن توجه به مراکز استان‌ها و غفلت از نقاط محروم درون استان‌ها؛^۲ کمک نکردن به تقویت فرهنگ حزبی؛^۳ سلب انگیزه از مردم برای شرکت در انتخابات و عدم پاسخگویی در مقابل مردم در مناطق محروم را از پیامدهای منفی تصویب این طرح ذکر کردند. در مقابل موافقان معتقد بودند که تصویب این طرح مزایایی مانند تفکیک وظایف مجلس از مطالبات گسترده محلی؛ ارتقای جایگاه مجلس؛ ارتقای جایگاه و منزلت نمایندگی؛ انتخاب اصلح و ارتقای کیفی انتخاب‌شوندگان؛ ایجاد فرصت برای ایفای نقش شوراهای اسلامی در مدیریت محلی؛ کاهش هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی؛ عادلانه بودن حق انتخاب و کاهش اختلافات

عادت کرده‌اند، ما يك دعواي جديد ديگر درست كنيم و ما مخالف اين پيشنهاد هستيم». با این حال این پیشنهاد با رأی نمایندگان تصویب شد.

۱. بهاء‌الدین ادب بیان کرد «استان کردستان که با هیچ‌کدام از معیارهایی که ما بسنجیم تعداد نمایندگان کافی نیست می‌بایست پیشنهاد می‌دادم از استانی کسر و به استان ما اضافه بشود من این کار را در مورد اصفهان کردم، ... براساس آمار جمعیت سال ۱۳۷۵ ... در استان کردستان مردم به ازای هر ۲۲۸ هزار نفر يك نماینده دارند. خیلی از استان‌های کشور ... به ازای هر ۱۲۵ هزار نفر، يك نماینده دارند. ضمن اینکه شاخص‌هایی ... مثل مرزی بودن استان، مسئله امنیت استان، مسئله سیاسی، جمعیت و پراکندگی جمعیت، کردستان حق اولی داشت که متأسفانه نه وزارت محترم کشور و نه کمیسیون ... به این امر عنایت نفرمودند. ... کدام کار کارشناسی می‌گوید که يك شهر با حدود ۶۰-۶۵ هزار نفر جمعیت يك نماینده داشته باشد، ولی سه شهر سنجند، دیواندره و کامیاران با حدود ۶۳۴ هزار نفر جمعیت دو نفر نماینده داشته باشند؟ ... شهرهایی با حدود ۶۵ هزار نفر جمعیت ... که تمام آن شاخص‌های امنیتی، سیاسی و پراکندگی جمعیت را هم ندارند ... يك نماینده دارند. ... هم رعایت عدالت اجتماعی نشده و هم اینکه کار کارشناسی نشده».

۲. قاسم معماری بیان کرد «می‌خواهند مثلاً کلان‌نگری کنند، ... فقط می‌خواهند نمایندگان استان‌ها و تهران تعیین بشود. ... کسی که در منطقه محروم نیست، در تهران نشسته چطور می‌تواند تصمیم بگیرد ... فقط تهران و مراکز استان را می‌بینند ... من بی‌عدالتی و تبعیض می‌بینم. آقایان می‌خواهند مجلس سنا درست کنند، ... بترس از خدا، بترس از بی‌عدالتی، ... تو که در تهران و مرکز اصفهان نشسته‌ای درد من را نمی‌فهمی».

۳. سیدحسین مرعشی بیان کرد، «شاید یکی از دلایلی که طراحان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که چنین پیشنهادی بدهند عدم وجود مجلس سنا در نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. ... نباید فکر کنیم که می‌توانیم مجلس شورای اسلامی را که مجلس ملی ماست، آن را از بین ببریم و يك مجلس سنا جای آن بگذاریم. ... دلایلی که دوستان ذکر می‌کنند، یکی ... این است که مجلس و نمایندگان الان دچار روزمرگی و دچار رسیدگی به مسائل حوزه انتخابیه هستند، ... چه نماینده استانی انتخاب بشود و چه نماینده شهرستانی انتخاب بشود، تفاوتی نخواهد داشت. بالاخره مردم ... به نماینده‌شان مراجعه می‌کنند، ... طبع مجلس این است، این را نمی‌شود از مجلس گرفت، ... نکته دومی که دوستان دنبال آن هستند تقویت گروه‌های سیاسی است، فکر می‌کنند با استانی‌شدن، امکان تأثیرگذاری احزاب افزایش پیدا می‌کند. ... برای اینکه به حزب برسیم فرهنگ حزبی را باید تقویت کنیم، ... با اصلاح يك قانون نمی‌توانیم زمینه تقویت احزاب را به‌وجود بیاوریم، اتفاقاً این طرح باعث خواهد شد که ما پشتوانه عظیم مردمی مجلس را کم بکنیم ... شما به‌خوبی واقفید که استان‌های ما دارای يك انسجام فرهنگی، انسجام قومی و انسجام مذهبی نیستند و هیچ‌يك از اقوام را نمی‌شود به‌نفع قوم دیگری قربانی کرد، هیچ‌يك از مذاهب را نمی‌شود به‌نفع مذهب دیگری در يك استان حذف کرد. در استانی مثل سیستان و بلوچستان آیا می‌شود سیستمی‌ها را به‌نفع بلوچ‌ها حذف کرد یا بلوچ‌ها را به‌نفع سیستمی‌ها حذف کرد؟ ... عملی نیست».

قومی و قبیله‌ای را دربرخواهد داشت. در نهایت کلیات این طرح تصویب شد (مشروح مذاکرات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، جلسه ۳۰۶، ۲۰ اسفند ۱۳۸۱).

در شور دوم بحث و جدل‌های فراوانی بر سر ماده‌واحد و نیز تبصره‌هایی که کمیسیون به این طرح اضافه کرده بود به وجود آمد. پیشنهادی برای مسکوت ماندن طرح ارائه شد که رأی نیاورد. در این میان دولت نسبت به این طرح منفعلانه عمل کرد و از اظهارنظر خودداری نمود،^۱ در نهایت با وجود ایرادها و تناقض‌هایی که طرح داشت و اختلافات موجود درباره مصوبه کمیسیون^۲ این طرح با یک ماده‌واحد و ۶ تبصره تصویب شد (همان، جلسه ۳۲۴، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۲)، اما شورای نگهبان مصوبه مجلس شورای اسلامی را مغایر با قانون اساسی (بند «۸»، «۹» و «۱۵» اصل سوم، اصول ششم، شصت و دوم و هفتاد و پنجم) و شرع اسلام تشخیص داد.

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی ایرادهای شورای نگهبان را بررسی کرد و عنوان طرح را به «طرح استانی‌شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی در برخی استان‌های کشور» تغییر داد و متن طرح را در قالب یک ماده‌واحد با ۸ تبصره در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۵/۱۲ تصویب و تقدیم مجلس کرد. براساس این اصلاحات انتخابات دیگر استانی شهرستانی نبود و حوزه انتخابیه، استان تعیین شد. طبق ماده‌واحد «حوزه انتخابیه استان‌های موضوع این قانون در انتخابات مجلس شورای اسلامی، محدوده جغرافیایی آن استان خواهد بود». و براساس تبصره «۱» این قانون به صورت آزمایشی برای یک‌بار در انتخابات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی در استان‌های اصفهان، آذربایجان شرقی، زنجان، فارس، گیلان و لرستان اجرا می‌شود و پس از آن مجلس شورای اسلامی با توجه به نتایج حاصله تصمیم‌گیری خواهد کرد (همان، جلسه ۳۴۸، ۱۵ مرداد ۱۳۸۲). با این حال شورای نگهبان در بررسی انطباق این مصوبه با شرع اسلام و قانون اساسی، عمده ایرادهای سابق را باقی دانست. سرانجام پس از بحث و جدل‌های فراوان و عدم حصول نتیجه و به پایان رسیدن دوره ششم مجلس شورای اسلامی، تلاش برای رفع ایرادهای شورای نگهبان به دوره بعدی قانونگذاری موکول شد.

۱-۱۰. دوره هفتم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۸۳ - خرداد ۱۳۸۷)

با آغاز هفتمین دوره مجلس تلاش برای رفع ایرادها و ابهام‌های «طرح استانی‌شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی در برخی استان‌های کشور» از سر گرفته شد (مشروح مذاکرات هفتمین دوره

۱. سیدمحمد رضوی یزدی بیان کرد «امروز من تعجب می‌کنم که چرا دولت ساکت است! هم معاون محترم رئیس‌جمهور و هم معاون محترم وزارت کشور نسبت به این طرح و لایحه حساس ... بی‌تفاوت هستند و ساکت نشسته‌اند و نظریاتی را اعلام نمی‌کنند که ما بدانیم موضع‌گیری دولت چیست؟».

۲. مجید انصاری بیان کرد «این طرح به این شکلی که اصلاح شده غیرقابل اجراست و در ذات خودش تناقضات عجیبی وجود دارد. در تبصره «۱» گفته ... داوطلبان نمایندگی می‌بایست در یکی از شهرستان‌های استان ثبت‌نام کنند پس داوطلب، شهرستانی است. در تبصره «۲» گفته ... رأی‌گیری استانی است و در تبصره «۳» گفته است که «نماینده، نماینده شهرستان است». ... مفهومی این است که نماینده باید در یک شهرستان (مثل الان) ثبت‌نام کند و رأی را از کل استان بگیرد بعد از رأی گرفتن نماینده آن شهرستان شود.... حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی ... در اینجا ضایع خواهد شد ...».



مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۹۱، ۴ بهمن ۱۳۸۵). همچنین در اسفند ۱۳۸۵، در زمان بررسی طرح یک فوریتی اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، یکی از پیشنهادهای که درباره ماده (۱۰) قانون انتخابات مطرح شد «شهرستانی استانی شدن» برخی از حوزه‌های انتخابیه بود که مورد تصویب قرار نگرفت. این پیشنهاد ناظر به این بود که یک نماینده هم رأی استان و هم رأی حوزه انتخابیه فعلی را داشته باشد. پیشنهاد دیگر این بود که کشور به حوزه‌های تک‌نماینده تقسیم شود که این پیشنهاد نیز مورد تصویب قرار نگرفت (همان، جلسه ۲۹۸، ۲ اسفند ۱۳۸۵).

در نهایت مصوبه «استانی شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی در برخی استان‌های کشور» که مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته بود، توسط کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس بررسی شد و گزارش آن به مجلس ارائه شد. براساس این گزارش، باتوجه به اینکه ایرادهای وارده توسط شورای نگهبان به طرح مذکور وارد تشخیص داده شد، کمیسیون طرح مزبور را قابل اصلاح ندانسته و با اکثریت آرا طرح را حذف کرد^۱ (همان، جلسه ۳۱۶، ۲ اردیبهشت ۱۳۸۶). این گزارش مورد اعتراض برخی نمایندگان قرار گرفت و در نهایت پس از بحث و جدل‌های فراوان نمایندگان مجلس با حذف طرح یادشده مخالفت کردند و با ۱۴۶ رأی موافق، پیشنهادی را که در زمان تصویب قانون انتخابات مطرح و تصویب نشد را با برخی تغییرات به‌عنوان متن اصلاحی به تصویب رساندند. بر این اساس، طرح «استانی شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی در برخی استان‌های کشور» با محتوایی که به‌زعم نمایندگان وقت رافع ایرادهای شورا بود، تصویب شد (همان، جلسه ۳۱۶، ۲ اردیبهشت ۱۳۸۶).

براساس ماده‌واحد مصوبه جدید برای تأمین نظر شورای نگهبان «حوزه انتخابیه در انتخابات مجلس شورای اسلامی، محدوده جغرافیایی هر استان خواهد بود. هر یک از استان‌ها به‌عنوان یک حوزه انتخابیه اصلی و حوزه‌های انتخابیه فعلی تابعه استان، حوزه انتخابیه فرعی محسوب می‌شوند». شورای نگهبان در بررسی این مصوبه نیز مجدداً بر ایرادهای پیشین، یعنی مخالفت مواد مصوبه با موازین شرع اسلام و مغایرت با اصول مختلفی از قانون اساسی (بند «۸»، «۹» و «۱۵» اصل سوم، اصول ششم و شصت و دوم) تأکید کرد. کمیسیون نظر شورای نگهبان را بررسی و با توجه به اینکه ایرادهای وارده توسط شورای نگهبان به طرح مزبور وارد تشخیص داده شد طرح مزبور را قابل اصلاح ندانست و با

۱. جواد جهانگیرزاده (عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی) بیان کرد «از چند جهت این طرح دچار اشکال و نقص اساسی است، ... این طرح باعث خواهد شد که از ورود نیروهای جدید اجتماعی به عرصه مجلس جلوگیری شود. ... قطعاً اگر انتخابات استانی شود، میزان هزینه‌هایی که برای ورود به مجلس در امر تبلیغات نیاز است چند برابر خواهد شد. ... شما و ما هم می‌دانید که در مسائل سیاسی کشور چه می‌گذرد و بحث تحزب سیاسی جایگاه و پایگاه آن در کشور ما کجاست؟ ما چرا داریم مجلس را حواله می‌کنیم به جایی که دقیقاً در آنجا می‌دانیم اساساً این امکان وجود نخواهد داشت که مجلسی مستقل و به‌دور از اراده قدرت و ثروت شکل بگیرد. ... بحث دوم کیفیت انتخاب است، اصلاً مکانیسمی که طراحی شده مکانیسم غیرقابل اجراست. ... شما دارید رأی را از آن کسانی می‌دانید که در عرصه انتخابات استان بیشترین رأی را خواهد آورد. ... در جای دیگر شما ... گفتید که انتخابات اگر استانی شود امکان انتخاب آدم‌هایی که ... تصمیم‌گیری‌های آنها ... عقلانی‌تر است، بیشتر است. شما دارید این را به این زمینه هدایت می‌کنید که اگر در يك استانی با ۱۵ نماینده، ۵ نماینده مؤثر باشد، همه مراجعات فردی استان را دارید به آنها شیفت می‌دهید. ... بنابراین هم در مکانیسم انتخاب، هم ... حضور لایه‌های قدرتمند اقتصادی که می‌تواند در سرنوشت مجلس شورای اسلامی در آینده مؤثر باشد، هم ... اینکه از ورود نیروهای جدید اجتماعی جلوگیری خواهد شد و از بسیاری جهات محل نقد است».

اکثریت آرا آن را رد کرد و گزارش خود را در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۶ به مجلس ارائه داد که مورد تصویب نمایندگان مجلس قرار گرفت (همان، جلسه ۳۲۵، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۶).

با این حال در ۵ تیر ۱۳۸۶، «طرح آزمایشی استانی شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی در دوره هشتم در برخی از استان‌های کشور» با قید دو فوریت اعلام وصول شد. براساس این طرح انتخابات دوره ششم در ۴ استان کشور به صورت استانی برگزار می‌شد. از آنجاکه دوفوریت این طرح مورد تصویب قرار نگرفت (همان، جلسه ۳۳۸، ۵ تیر ۱۳۸۶)، طرح مذکور به صورت عادی در دستور کار مجلس قرار گرفت و عملاً تا پایان مجلس هفتم به نتیجه نرسید.

همچنین در اول بهمن ۱۳۸۶، «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه با قید دو فوریت» اعلام وصول شد و یک فوریت آن تصویب شد. هدف طرح، اصلاح دو حوزه انتخابیه در استان خوزستان بود که به لحاظ تقسیمات کشوری با هم تداخل داشتند.^۱ طبق این طرح بخش هفتگل که از بخش‌های شهرستان رامهرمز بود و در حوزه انتخابیه مسجدسلیمان قرار داشت به شهرستان رامهرمز برگردانده می‌شد. مخالفان طرح معتقد بودند که با توجه به نزدیکی انتخابات و بعضی نگرانی‌هایی که ممکن است در مسائل سیاسی امنیتی وجود داشته باشد، انجام این کار توجیهی ندارد. در نهایت یک فوریت این طرح تصویب شد (همان، جلسه ۳۹۷، ۱ بهمن ۱۳۸۶). با وجود اینکه این طرح در اوایل سال ۱۳۸۷ در دستور قرار داشت، اما به دلیل نقص گزارش کمیسیون از دستور کار خارج شد و به نتیجه نرسید.

طرح دیگری در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۷ با عنوان «طرح تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه و اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» با قید دو فوریت اعلام وصول شد. در این طرح حوزه‌های انتخابیه درون استان‌ها وسیع‌تر شد (از طریق ترکیب حوزه‌ها و برای مثال تقسیم استان‌ها به چهار حوزه شمالی، جنوبی، شرقی و غربی). این طرح از ایرادهای زیادی برخوردار بود. برای مثال در برخی استان‌ها نامی از برخی شهرستان‌ها برده نشده و مشخص نبود که در کدام حوزه قرار می‌گیرند. استدلال پیشنهاددهندگان طرح این بود که کوچک بودن حوزه‌های انتخابیه سبب ایجاد ناهنجاری‌هایی از جمله تشدید تعصبات محلی می‌شود. مخالفان تصویب دو فوریت این طرح معتقد بودند که در این طرح در تجمیع حوزه‌ها و ایجاد حوزه‌های بزرگ‌تر سنخیت بین شهرستان‌ها در نظر گرفته نشده است و چنین حوزه‌بندی سبب خواهد شد که مطالبات جهت ایجاد استان‌های جدید بیشتر شود.^۲ در مقابل موافقان معتقد بودند که وسیع‌تر کردن

۱. سیدجاسم ساعدی بیان کرد «بخش هفتگل که از بخش‌های شهرستان رامهرمز است، متأسفانه در انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه مسجدسلیمان است و مشکلات زیادی برای اجرای انتخابات، برای تصمیم‌گیری درست مردم در مشارکت در انتخابات به وجود می‌آورد. هم این طرح فاقد هرگونه بار مالی است، هم انگیزه مشارکت مردم را بالا می‌برد و هم اینکه در بقیه انتخابات این اصلاح شده. یک غفلتی متأسفانه در این بین انجام شده و ما در دوره‌های انتخابات مجلس این مشکل را پیدا می‌کنیم».

۲. ابوالفضل کلهر بیان کرد «با این مواد ... سنخیت‌هایی که بین شهرستان‌های مختلف است در نظر گرفته نشده، مزیت‌هایی که بر طرح استانی مترتب بود اینجا از دست داده، به معایبی که وضع موجود دارد توسعه بخشیده و دامن زده، ... در طرح استانی طراحان به دنبال این بودند که کلان‌نگری را حاکم کنند، بحث‌های قومیت‌گرایی و تفرقه‌انگیز را کم‌رنگ کنند ... اما اینجا آمدند پنج شهرستان را کنار هم قرار دادند که توقع تمام روستاها و شهرهای آن پنج شهرستان یا پنج حوزه از تمام آن چند نمایندگان [است] ... آیا این توقع ایجاد نمی‌شود که همه آنها پیکر امروز یک حوزه انتخابیه برایشان



حوزه‌های انتخابیه اقدامی برای تخصصی کردن ساختار مجلس است. درنهایت فوریت این طرح تصویب نشد (همان، جلسه ۴۲۳، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۷) و طرح در این دوره به نتیجه نرسید.

۱۱-۱. دوره هشتم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۸۷-خرداد ۱۳۹۱)

در مجلس هشتم «طرح تغییر نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی» اعلام وصول شد. استدلال‌های مطرح شده در مقدمه توجیهی این طرح همان مواردی بود که طی دوره‌های گذشته نمایندگان برای استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی ارائه کردند. طرحی که در این دوره ارائه شد علاوه بر استانی شدن انتخابات، تغییر نظام انتخاباتی به اکثریتی-تناسبی را مد نظر داشت (مشروح مذاکرات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۶۵، ۷ بهمن ۱۳۸۸). این طرح در این دوره به نتیجه نرسید.

در تاریخ ۴ مرداد ۱۳۹۰ «لایحه اصلاح جداول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها» (به شماره ثبت ۵۶۶) با قید یک فوریت اعلام وصول و فوریت آن رد شد. طبق مقدمه توجیهی، این لایحه براساس اصل شصت و چهارم قانون اساسی و با توجه به درخواست‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی، پیشنهاد‌های استانداری‌های سراسر کشور و بررسی‌های انجام شده و با لحاظ مسائل جغرافیایی، جمعیتی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و غیره تدوین شده بود. براساس این لایحه تغییراتی شامل تبدیل برخی حوزه‌ها به دو حوزه و ایجاد حوزه‌های جدید، تغییر در مرزهای حوزه‌های انتخابیه به واسطه انتزاع برخی نقاط از یک حوزه و الحاق آن به حوزه دیگر و افزایش تعداد نمایندگان برخی حوزه‌ها در ۲۳ استان کشور ایجاد و در مجموع تعداد ۲۰ نماینده اضافه می‌شد. مخالفان فوریت این لایحه معتقد بودند که این لایحه ناعادلانه است و تقسیمات کشوری در آن رعایت نشده است.^۱ معاون سیاسی وزارت کشور در زمان تقدیم لایحه با ذکر اینکه لایحه براساس ۴ شاخص جمعیتی، جغرافیایی، سیاسی و نظایر آن تدوین شده است، بیان کرد که این لایحه عاری از ایراد نیست.^۲ درنهایت فوریت این لایحه تصویب نشد (همان، جلسه ۳۴۳، ۴ مرداد ۱۳۹۰).

دارید تعریف می‌کنید، توقع استان شدن را داشته باشند و کشور و ۳۰ استان را به ۶۰، ۷۰ استان بخواهد تبدیل کنند. ... امروز داریم چه تصمیمی را ما اینجا به بهانه انتخابات می‌گیریم؟ ...».

۱. محمدرضا خباز بیان کرد «این لایحه ... عدالت در آن رعایت نشده، استان‌هایی مانند استان فارس، گیلان، ایلام، مازندران، اصفهان، زاهدان از این نعمت محروم شدند در عوض به بعضی از استان‌ها بیش از یک الی دو و سه نماینده اضافه کردند ... در سالی که ما باید تمام تلاش خودمان را برای انتخاباتی سالم و انتخاباتی با آرامش برگزار کنیم آوردن چنین لایحه‌ای جز ایجاد ناامنی خاصیت دیگری نخواهد داشت. به محض اینکه این لایحه تقدیم مجلس شده از سراسر کشور عده‌ای شروع کردند به زنگ زدن به نمایندگان ... به عنوان مثال در خراسان رضوی شهر کلات را از مشهد جدا کردند و به شهر دره‌گز اضافه کردند. ... در آذربایجان همین اتفاق برای شهر عجب‌شیر افتاده است. و در بعضی از شهرستان‌ها اصلاً تقسیمات را به هم زدند. ... در بعضی از شهرستان‌ها الان اگر که یک نماینده به آن اضافه بشود به ازای هر نماینده ۱۳۳ هزار نفر و در بعضی از استان‌ها با ۷۰۰ هزار نفر قرار است آن استان نماینده داشته باشد. ... این به هیچ وجه من‌الوجه با عدالت سازگار نیست ... به دلیل اینکه امسال سال این اتفاق نیست، اجازه بدهید این از ابتدای مجلس بعدی کاملاً در مجلس مطرح بشود ...».

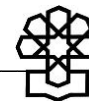
۲. مرتضوی معاون سیاسی وزارت کشور بیان کرد «وزارت کشور ... کار کارشناسی را از ... اواسط سال ۱۳۸۸ شروع کرد و خوشبختانه با انجام دقیق کار کارشناسی و اخذ نقطه نظارت کارشناسان ... از جمله پیشنهادات استانداران محترم را بررسی کردیم و نهایت امر با تعیین ۴ شاخص جمعیتی، جغرافیایی، سیاسی و نظایر آن ... محرومیت استان‌ها را مد نظر قرار دادیم. ... توزیع ... ۲۰ نماینده بین ۲۰۷ حوزه انتخابیه کاری ... طاقت فرساست. ما سعی کردیم کاری را انجام بدهیم که مدعی هستیم نزدیک به عدالت است. ... هیچ ادعایی هم نداریم که صد درصد ما بدون خطا کار را انجام دادیم. ...»

واقعیت این بود که لایحه ایرادهایی داشت. ضعف در شاخص‌ها و اعمال معیارهای دوگانه از جمله این ایرادهاست. دولت براساس عوامل جمعیت، مساحت، عوامل سیاسی، درصد بیکاری و بیسوادی نسبت به کل کشور استان‌ها را رتبه‌بندی و ۲۰ نماینده را به استان‌ها اختصاص داده بود. گذشته از مورد سؤال بودن اغلب شاخص‌های ذکر شده در مقدمه توجیهی، از جمله در نظر گرفتن بیسوادی برای اختصاص نماینده، تمام عواملی که در مقدمه توجیهی طرح به آنها اشاره شده بود، در تهیه لایحه مد نظر قرار نگرفته بود. شاخص‌ها و امتیازهایی که دولت براساس آنها ۲۰ نماینده را به حوزه‌ها اختصاص داده بود دارای ویژگی‌هایی از جمله کلی‌نگری، عدم انطباق با واقعیت، اعمال ناقص معیارها، ارائه شاخص‌ها و امتیازها در سطح استانی و اعمال تغییرات در سطح شهرستانی و بخشی و در مجموع توزیع امتیازات ناعادلانه و نامتناسب بود. لایحه براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ تهیه شده بود و تغییرات جمعیتی ۵ سال پس از آن نادیده انگاشته بود. همچنین کاهش جمعیت در برخی مناطق که علی‌الاصول باید از نماینده کمتری برخوردار می‌شدند نادیده گرفته شده بود (دارابی، ۱۳۹۰: ۴-۶). لایحه مذکور در کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور بررسی و با انجام اصلاحاتی تصویب شد.

با وجود اینکه لایحه دولت در نوبت صحن قرار داشت، در ۲۷ آذر ۱۳۹۰، «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها» که نسبت به لایحه دولت تفاوت‌هایی داشت (برای مثال افزایش تعداد نمایندگان استان سیستان و بلوچستان حذف شده بود)، با قید دوفوریت اعلام وصول شد، اما فوریت آن تصویب نشد. طبق ماده واحده ۲۰ نماینده به نمایندگان مجلس اضافه می‌شد که در این میان برخی استان‌ها مانند آذربایجان شرقی شاهد افزایش دو نماینده بودند. لایحه دولت علی‌رغم ایرادهایی که داشت دربرگیرنده شاخص‌هایی برای ارزیابی بود، اما در این طرح هیچ اشاره‌ای نشده بود که طرح براساس چه معیاری تدوین شده است (مشروح مذاکرات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی، جلسه ۳۸۴، ۲۷ آذر ۱۳۹۰).

در نهایت در اردیبهشت ۱۳۹۱، گزارش کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مورد لایحه مذکور در صحن مجلس بررسی شد. مخالفان تصویب کلیات معتقد بودند شاخص اصلی اصلاح حوزه‌های انتخابیه عامل جمعیت است و این اصل در لایحه و مصوبه کمیسیون رعایت نشده و مصوبه کمیسیون براساس زدوبند سیاسی بوده و تغییرات ایجاد شده در حوزه‌بندی عادلانه نیست^۱ و حوزه‌بندی به‌گونه‌ای تغییر کرده

۱. سیدحسین نقوی حسینی بیان کرد «نماینده مجلس منتخب ملت است، یعنی شاخص نمایندگی، جمعیت و مردم هستند، وسعت منطقه نیست، مسائل اقتصادی و جغرافیایی نیست بلکه مردم شاخص هستند. واقعاً عدالت در این لایحه رعایت نشده است. متأسفانه کمیسیون هم ... کار کارشناسی نکرده، همانچه را که دولت پیشنهاد کرده، همان را مصوب کرده ... و اصلاحاتی انجام نشده است ... بسیاری از شهرهای ما، مراکز استان‌های ما، جمعیت بسیار بالایی دارند. ... یکی از مواردی که این بی‌عدالتی را کاملاً نشان می‌دهد، وضعیت تقسیم نمایندگان در استان تهران است. ... ۱۰، ۱۲ میلیون جمعیت استان تهران در شهر تهران هستند، ۳۰ نماینده دارند در حالی که شهرستان‌های استان تهران حدود ۵، ۸ میلیون نفر یعنی نصف جمعیت تهران را در اختیار دارند و چهار نماینده دارند. این چه عدالتی است؟ ... شهرستان ورامین و پیشوا ۸۰۰ هزار نفر جمعیت دارد و یک نماینده دارد. ... ما انتظار داریم که کمیسیون واقعاً بنشیند و تعارفات سیاسی را کنار بگذارد. این زدوبندهای سیاسی را هم کنار بگذاریم و کار کارشناسی بکنیم ...».



که منافع مجلس هشتم در آن لحاظ شده است.^۱ در مقابل موافقان معتقد بودند که لایحه و مصوبه کمیسیون براساس صرفاً عامل جمعیت تهیه نشده است^۲ و مبتنی بر کار کارشناسی و براساس استماع نظرات نمایندگان استان‌ها تصویب شده است. در این میان یکی از نمایندگان موافق اذعان داشت که در کمیسیون سازش‌هایی صورت گرفته است و مصوبه کمیسیون ایرادهایی دارد، با این حال خواستار رفع ایرادها و تصویب آن بود.^۳ در نهایت کلیات لایحه تصویب نشد (همان، جلسه ۴۱۹، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱). و مجلس هشتم نیز بدون ایجاد تغییری در حوزه‌بندی انتخابات به پایان رسید.

۱۲-۱. دوره نهم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۹۱ - خرداد ۱۳۹۵)

در دوره نهم چهار طرح با موضوع اصلاح حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان آنها به مجلس ارائه شد. در جلسات ابتدایی مجلس نهم، در تاریخ ۲۰ تیر ۱۳۹۱، «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها» (با شماره ثبت ۴۳) با قید دو فوریت اعلام وصول شد. این طرح در واقع همان طرحی بود که نمایندگان در اواخر دوره هشتم موازی با لایحه دولت ارائه دادند و به دلیل اتمام دوره هشتم مجلس در کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور بررسی نشد. با نگاهی به جمعیت کشور و تعداد نمایندگان استان‌هایی که براساس این طرح به آنها نماینده اختصاص می‌یافت مشخص می‌شود که توزیع ۲۰ نماینده جدید میان حوزه‌های انتخابیه در این طرح بر مبنای شاخص‌های مشخص جمعیتی، سیاسی و ... صورت نگرفته و تبعیض آشکاری در اختصاص نماینده به استان‌ها وجود دارد^۴ (مشروح مذاکرات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی، جلسه ۵۴، ۶ دی ۱۳۹۱). کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور طرح را با حضور مسئولان و کارشناسان ذی‌ربط و مشاوران و نمایندگان پیشنهاددهنده بررسی کرد و آن را با اصلاحاتی (برای مثال تعداد نمایندگان افزوده شده به آذربایجان شرقی که در طرح ارائه شده دو نماینده بود در مصوبه کمیسیون به یک نماینده کاهش یافت)

۱. مهرداد بانوج لاهوتی بیان کرد «نوع نگاه بررسی به این لایحه نگاهی بوده است که ... بتوانیم یک طوری حوزه‌ها را تقسیم بکنیم که منافع مجلس هشتم در آن لحاظ شده باشد. این واقعاً ظلم است. ... با توجه به اینکه در روزهای پایانی مجلس هشتم هستیم، ... چهار سال فرصت داریم که ... در کمیسیون شوراها بعدی موضوع را به بحث بگذاریم، یک تقسیم‌بندی درست صورت بگیرد...».

۲. سیدنجیب حسینی بیان کرد «فقط معیار جمعیت نبوده است. اصل شصت و چهارم قانون اساسی ... کمیسیون شوراها قریب دو، الی سه ماه وقت گذاشت، همه نمایندگان عزیز حاضر در مجلس هشتم نظرات و پیشنهادات خودشان را رسماً و مکتوباً اعلام کرده‌اند و حتی در بعضی مواقع از ائمه جمعه، از بزرگان استان‌ها برای شور و مشورت در این کمیسیون دعوت به عمل آمد توانستند این لایحه را تقدیم مجلس کنند». بحث قومیتی کاملاً در اینجا لحاظ شده، بحث مذهبی لحاظ شده، بحث سیاسی و امنیتی در اینجا پیش‌بینی شده و دولت به همه شاخص‌ها نگاه مثبتی داشته است. ... واقعاً بعد جمعیت نبوده، شاخص‌های مختلف لحاظ شده، ...».

۳. محمدرضا خباز بیان کرد «در مهرماه سال گذشته که این لایحه تقدیم شد چون در آستانه انتخابات بودیم طبیعتاً کشمکش‌هایی در حوزه‌های انتخابیه به وجود می‌آمد ... ولی الان بحمدالله انتخابات تمام شده است و این اتفاق باید در مجلس هشتم بیفتد. ... چون مجلس بعدی وقتی بیاید آنها هم با اولویت به این نگاه نخواهند کرد. ... عده‌ای ... احساس می‌کنند که در این لایحه عدالت کامل رعایت نشده، .. نباید ما اصل مسئله را کنار بگذاریم. ... می‌گویند که در کمیسیون تعارفاتی بوده، اتفاقاتی افتاده. من این را هم انکار نمی‌کنم ولی عرضم این است که همین اتفاقات و همین حرف‌ها و بحث‌ها باز در مجلس نهم و در کمیسیون نهایی بعدی ممکن است اتفاق بیفتد. ... بنابراین ایراداتی که دوستان می‌گیرند وجود دارد، انکارپذیر نیست ... کار ما این است که همین ایرادات را برطرف کنیم».

۴. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به گزارش «اظهارنظر کارشناسی درباره: طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها». مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، دفتر مطالعات حقوقی، شماره مسلسل ۳۶۰۱۳۵۰۶

تصویب کرد. اصلاحاتی که کمیسیون انجام داد، مورد اعتراض برخی مسئولان و مردم در شهرهای مختلف قرار گرفت.^۱ در نهایت این طرح به دلیل پس گرفته شدن تعدادی از امضاها و باقی ماندن حداکثر ۱۳ امضا مسترد شد (همان، جلسه ۲۵۲، ۴ آبان ۱۳۹۳).

در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۳، طرح دیگری با عنوان «طرح اصلاح قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی» (با شماره ثبت ۴۵۳) اعلام وصول شد. طبق مقدمه توجیهی، این طرح به منظور اصلاح محدوده حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی، فقط از طریق انتزاع و یا الحاق بخش‌هایی از برخی استان‌ها ارائه شده بود. همچنین براساس بند «۶» این طرح در استان‌هایی که تعداد نمایندگان کمتر از ۵ نفر باشد، انتخابات به صورت آزمایشی استانی برگزار می‌شود (همان، جلسه ۲۰۹، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۳). این طرح در واقع کپی برداری ناقصی از لایحه دولت در دوره هشتم بود. از سوی دیگر درباره چگونگی و کیفیت استانی برگزار شدن انتخابات در استان‌های با پنج نفر نماینده سکوت اختیار کرده بود. از دیگر ایرادهای این طرح عدم تطابق با تقسیمات کشوری بود.^۲

کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور طرح را با حضور مسئولان و کارشناسان ذی ربط و مشاوران نمایندگان پیشنهاددهنده و طراحان مورد رسیدگی قرار داد و در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۹ با اصلاحاتی به تصویب رساند. براساس مصوبه کمیسیون تنها اصلاحی که در جدول حوزه‌های انتخابیه صورت می‌گرفت مربوط به استان آذربایجان غربی بود که حوزه میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب با دو نماینده به دو حوزه انتخابیه مستقل میاندوآب با یک نماینده و حوزه انتخابیه شاهین‌دژ و تکاب با یک نماینده تقسیم می‌شد. که این مصوبه در دوره نهم به نتیجه نرسید (همان، جلسه ۳۱۳، اول اردیبهشت ۱۳۹۴).

در تاریخ ۴ آذر ۱۳۹۳، نمایندگان طرح دیگری با عنوان «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها» (شماره ثبت ۵۲۸) را با قید یک فوریت ارائه دادند. طبق مقدمه توجیهی «این طرح براساس اصل شصت و چهارم قانون اساسی و با در نظر گرفتن مسائل جغرافیایی، جمعیتی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و غیره» پیشنهاد شده بود. طرح جدید ارائه شده با اندکی تغییر همان طرحی بود که به دلیل پس گرفته شدن برخی امضاها مسترد شد. بررسی این طرح نیز نشان می‌دهد که براساس شاخص جمعیتی موفق به توزیع عادلانه و غیر تبعیض‌آمیز ۲۰ نماینده در

۱. محمد صالح جوکار در نطق خود در تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۹۳ بیان کرد: «این طرح بر اساس اصل شصت و چهارم قانون اساسی است ... و در مجلس هشتم مطرح و با توجه به فضای موجود در صحن مجلس از دستور کار خارج گردید در حالی که کمیسیون محترم شورا با ارائه اصلاح حوزه‌های انتخابیه در جلسات متعدد به نتایجی رسیده‌اند که اعتراض مسئولین و مردم در شهرستان‌های مختلف را در پی داشته که متأسفانه حتی در راهپیمایی روز قدس نیز انعکاس نامطلوبی داشته است. لازم است کمیسیون محترم شورا به گونه‌ای مدیریت کند تا با رعایت حقوق قانونی مردم و براساس عدالت به گونه‌ای این اصلاح صورت پذیرد که کمترین هزینه را برای نظام دربرداشته باشد. ... یک حوزه انتخابیه با جمعیت بالای ۶۰۰ هزار نفر یک نماینده و یک حوزه انتخابیه با جمعیت ۷۰ هزار نفر اصلاً توجیه ندارد».

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به گزارش اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح اصلاح قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی. مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۲۶۰۱۳۷۳۴



کل کشور نشده است و برخی از حوزه‌های انتخابیه نسبت به میانگین کشوری جمعیت کمتری دارند.^۱ مخالفان تصویب یک فوریت طرح معتقد بودند که در این طرح به شهرهای بزرگ توجه شده است. در مقابل موافقان معتقد بودند که طرح به نفع مناطق محروم است. درنهایت یک فوریت طرح تصویب نشد (همان، جلسه ۲۴۶، ۴ اردیبهشت ۱۳۹۳). هرچند برخی نمایندگان در ۲۹ دی‌ماه ۱۳۹۴، تقاضای تغییر دستور درخصوص در اولویت قرار گرفتن بررسی «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها» (شماره ثبت ۵۲۸) را ارائه کردند (همان، جلسه ۳۹۱، ۲۹ دی ۱۳۹۴)، اما این تقاضا تصویب نشد و این طرح نیز در این دوره به نتیجه نرسید.

پنج روز بعد از ارائه طرح فوق (با شماره ثبت ۵۲۸)، در ۹ آذر ۱۳۹۳، «طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه انتخابات مجلس شورای اسلامی» با قید یک فوریت (با شماره ثبت ۵۳۲) اعلام وصول و فوریت آن تصویب شد. طبق مقدمه توجیهی، این طرح «از طریق تغییر و تعیین حدود جدید حوزه‌های انتخابیه در پی کسب اهدافی نظیر ارتقای سطح کیفی مجلس، افزایش میزان مشارکت عمومی در انتخابات و جلوگیری از وقوع برخی تخلفات همچون خرید رأی است». مخالفان معتقد بودند که طرح پاسخگوی نیازهای کل کشور نیست، اما موافقان معتقد بودند که طرح مانع بخشی‌نگری، قوم‌گرایی و ... می‌شود. درنهایت یک فوریت طرح تصویب شد (همان، جلسه ۲۶۷، ۹ آذر ۱۳۹۳).

کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور این طرح را با حضور مسئولان و کارشناسان ذی‌ربط و مشاوران و نمایندگان پیشنهاددهنده و طراحان مورد رسیدگی قرار داد و در جلسه مورخه ۱۳۹۴/۱/۲۳ با اصلاحاتی به تصویب رساند. در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۹۴، گزارش کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مورد طرح مذکور در صحن مجلس مورد بررسی قرار گرفت. استدلال موافقان و مخالفان تصویب کلیات این طرح، همان موارد مطرح شده در دوره‌های پیشین مجلس بود. مخالفان تصویب کلیات لایحه معتقد بودند که به دلیل نبود احزاب و ... امکان شناخت مردم استان‌ها از نمایندگان وجود ندارد و با تصویب این طرح پل ارتباطی میان مردم و نظام و دولت از بین می‌رود؛ درنتیجه تصویب این طرح صاحبان ثروت و قدرت در انتخابات پیروز می‌شوند و نخبگان به مجلس راه نمی‌یابند^۲ و تصویب این طرح سبب کاهش مشارکت مردم در انتخابات خواهد شد و به ضرر شهرهای کوچک است. موافقان معتقد بودند که تصویب این طرح سبب کاهش مراجعه مردم به نمایندگان و تعصبات محلی و

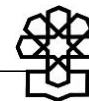
۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به گزارش «اظهاری نظر کارشناسی درباره «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها». مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۳۶۰۱۴۱۱. ۲. برای مثال مهدی دوات‌گری به‌عنوان مخالف بیان کرد «چون در کشور ما احزاب فعال نداریم، شمال و جنوب استان فرد را نمی‌شناسد، ... عدم شناخت باعث می‌شود که نه انتخاب‌کننده نماینده خود را بشناسد و نه انتخاب‌شونده. در یک هفته طول زمان تبلیغات انتخاباتی نامزدهای انتخاباتی چگونه می‌توانند در سطح استان مورد شناسایی قرار بگیرند؟ نکته بعدی، نماینده پل ارتباطی بین مردم، نظام و دولت است که با تصویب این طرح، ما این پل ارتباطی را کاملاً قطع می‌کنیم. ... مردم روستاها، بخش‌ها و شهرها دسترسی به مقامات دولتی ندارند ... برای طرح مشکلات‌شان نماینده کارساز است، ... نکته بعدی، حقوق فقرا، روستاها، شهرها عقب‌مانده و بالاخص نخبگان تضییع می‌شود، ... این خارج از عدالت است. ... نکته بعدی، صاحبان زر و زور و تزویر مستقیماً وارد انتخابات می‌شوند، آن هم با پول‌های نامشروع ... نماینده منتخب استانی، نماینده مردم نیست، نماینده پولدارها، نماینده صاحبان قدرت و ثروت هستند ...».

قومیت‌گرایی و تمرکز بیشتر نمایندگان بر امر قانونگذاری و نظارت و مسائل کلان کشور خواهد شد. دولت نیز مخالف این طرح بود.^۱ در نهایت کلیات طرح تصویب شد و برای رفع ابهام به کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور ارجاع شد (همان، جلسه ۳۱۴، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۴). کمیسیون مصوبه را مجدداً بررسی و با اصلاحاتی در متن و عنوان به تصویب رساند. در نهایت «طرح استانی - شهرستانی شدن حوزه‌های انتخابیه انتخابات مجلس شورای اسلامی» که ابتدائاً تحت عنوان «طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه انتخابات مجلس شورای اسلامی» ارائه شده بود با اصلاحاتی در تاریخ ۳۱/۳/۱۳۹۴ به تصویب رسید. اما این طرح نیز توسط شورای نگهبان به دلیل ابهامات و ایرادات از منظر قانون اساسی (ازجمله بند «۹» و «۱۵» اصل سوم و اصل هفتادوپنجم مورد تأیید قرار نگرفت. بنابراین دوره نهم نیز شاهد تغییری در حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان نبود.

۱۳-۱. دوره دهم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۹۵-خرداد ۱۳۹۹)

در جلسات ابتدایی مجلس دهم، طرح تفکیک حوزه انتخابیه میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب^۱ (با شماره ثبت ۱۳۵) اعلام وصول شد. این طرح درواقع به تفکیک حوزه انتخابیه میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب به دو حوزه مستقل میاندوآب و حوزه شاهین‌دژ و تکاب اختصاص داشت که در دوره نهم به نتیجه نرسیده بود. کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور طرح را بررسی و با اصلاح متن و عنوان به «طرح اصلاح جدول قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی» آن را تصویب کرد. گزارش کمیسیون در ۲۷ مرداد ۱۳۹۵ در مجلس بررسی شد. مخالفان استدلال می‌کردند که تفکیک این حوزه یک مطالبه عمومی در سراسر کشور برای تفکیک حوزه‌ها ایجاد می‌کند و در همه استان‌ها چنین مشکلی وجود دارد. لذا باید از طریق لایحه دولت اصلاح حوزه‌های انتخابیه به صورت جامع انجام شود و ۲۰ نماینده طبق اصل شصت و چهارم قانون اساسی اضافه شود. در مقابل موافقان معتقد بودند که مردم این منطقه سال‌هاست که درخواست تفکیک این حوزه را دارند و با این تفکیک مشکلات مردم حل می‌شود. در نهایت این طرح تصویب شد (مشروح مذاکرات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۱، ۲۷ مرداد ۱۳۹۵) و در تاریخ ۸ شهریور ۱۳۹۵ به تأیید شورای نگهبان رسید. شایان ذکر است که در سال ۱۳۹۵، سیاست‌های کلی انتخابات توسط رهبر معظم انقلاب ابلاغ شد که بند «۱» آن بر «تعیین حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و شوراها و شوراهای اسلامی بر مبنای جمعیت و مقتضیات اجتناب‌ناپذیر به گونه‌ای که حداکثر عدالت انتخاباتی و همچنین شناخت مردم از نامزدها فراهم گردد» تأکید دارد.

۱. مجید انصاری (معاون امور مجلس رئیس‌جمهور) بیان کرد «این طرح در حقیقت استانی محض نیست، بلکه تلفیقی شده است از شهرستانی و استانی در نتیجه معایب شهرستانی که در صحبت موافقین محترم بود حفظ شده، محاسن استانی که می‌تواند داشته باشد با این تلفیق شهرستانی-استانی از بین رفته است. ... ما به هر دلیلی احزاب به شکل واقعی در کشور گسترده و فراگیر نداریم هزینه‌های تبلیغاتی کاندیدها به خصوص کاندیدهای مستقل بسیار افزایش پیدا می‌کند و در بعضی جاها غیرممکن می‌شود. ... مسائل سیاسی امنیتی هم دور از توجه نمایندگان محترم نباشد».



در سال ۱۳۹۵ طرح‌های «اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها» (به شماره ثبت ۲۱۷ و ۲۲۸) در ۲۳ تیر ۱۳۹۵ و ۷ دی ماه ۱۳۹۵ اعلام وصول شد. در مقدمه توجیهی این دو طرح با اشاره به اصل شصت و چهارم قانون اساسی، بیان شده بود آخرین افزایش تعداد نمایندگان در سال ۱۳۷۸ بوده است و تا انتخابات بعدی (۱۳۹۹) این تعداد می‌تواند به ۴۰ نفر برسد. همچنین ذکر شده بود که این طرح به دنبال مشورت با مجامع استانی و براساس لایحه قبلی دولت که در سال ۱۳۹۰ به مجلس ارائه شده بود و پیشنهادهای کارشناسی حوزه‌های مختلف و بررسی‌های انجام شده، با درنظر گرفتن سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری و مسائل جغرافیایی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی تدوین شده است. براساس ماده واحد طرح، تعداد نمایندگان از ۲۹۰ نفر به ۳۳۰ نفر افزایش می‌یافت و حوزه‌های انتخابیه در ۲۵ استان اصلاح می‌شد. دو طرح، تنها در یک مورد با هم اختلاف داشتند که استان یزد بود. در طرح با شماره ثبت ۲۱۷ افزایش نماینده در استان یزد شامل حوزه انتخابیه یزد شده بود و تعداد نمایندگان آن از یک نفر به دو نفر افزایش یافته بود، اما در طرح به شماره ثبت ۲۲۸، ضمن حفظ اختصاص یک نماینده به حوزه انتخابیه یزد، اصلاحاتی در حوزه‌های مختلف استان یزد صورت گرفته بود.

دو طرح فاقد مطالعات پیش‌بینی پیوست بودند. در حالی که در طرح عنوان شده بود ملاک تنظیم طرح، لایحه قبلی دولت (ارائه شده در مجلس هشتم) بوده، اما از زمان ارائه لایحه دولت چند سال گذشته و تغییرات جمعیتی زیادی رخ داده بود. ازسوی دیگر لایحه دولت بر مبنای شاخص‌های علمی تدوین نشده بود و ایرادهایی به آن وارد بود. بررسی دو طرح نشان می‌دهد که در برخی حوزه‌ها بر مبنای عامل جمعیت، برابری حق رأی‌دهی رعایت نشده بود.^۱

در ۳ اردیبهشت ۱۳۹۶، طرح دیگری با عنوان «افزایش حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی» (با شماره ثبت ۲۶۳) اعلام وصول شد. این طرح نیز با استناد به اصل شصت و چهارم قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات، پیشنهاد افزایش ۴۰ نماینده را داده بود. براساس این طرح حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان در ۲۶ استان کشور اصلاح می‌شد. در این طرح صرفاً عنوان شده بود که براساس سیاست کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری و مؤلفه‌ها و شرایط کارشناسی، افزایش نمایندگان و تغییر محدوده حوزه‌های انتخابیه پیشنهاد شده است. اما دقیقاً مشخص نشده بود که چه مؤلفه‌ها و شرایط کارشناسی در تنظیم طرح مورد توجه قرار گرفته است. این طرح با دو طرح با شماره ثبت ۲۱۷ و ۲۲۸ در مورد سه حوزه تفاوت داشت. بررسی این طرح نیز حاکی از ناعادلانه بودن آن به لحاظ توجه به عامل جمعیت است.^۲

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به گزارش اظهارنظر کارشناسی درباره: «طرح‌های اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها». مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۲۶۰۱۵۲۸۸.

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به گزارش اظهارنظر کارشناسی درباره: «طرح افزایش حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی»، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۲۶۰۱۵۴۱۵.

کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای سه طرح فوق را طی جلسات متعدد و با حضور نمایندگان طراح، اعضای مجامع استانی نمایندگان و مسئولان دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، مشاوران و پژوهشگران مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بررسی کرد و با استناد به تبصره «۱» ماده (۱۴۷) به علت تشابه طرح‌ها و موضوع مشترک میان آنها، با اصلاحاتی در عناوین و متون به صورت متن واحد به تصویب رساند. براساس مصوبه کمیسیون در ۲۷ استان کشور اصلاحاتی در مرزهای حوزه‌های انتخابیه و یا تعداد نمایندگان به وجود می‌آمد.

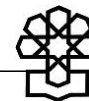
در زمان بررسی گزارش کمیسیون در صحن مجلس مخالفان تصویب کلیات به مواردی مانند مغایرت با اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی؛ مغایرت با بند «۱۰» سیاست‌های کلی نظام اداری، ابلاغی سال ۱۳۸۹ مبنی بر چابک‌سازی و متناسب‌سازی تشکیلات نظام اداری کشور؛ عدم توجه به معیارهای مندرج در اصل شصت و چهارم قانون اساسی؛ عدم رعایت عدالت و اعمال نفوذ در تدوین طرح؛ عدم مشخص نبودن مبنای افزایش نماینده و ... اشاره می‌کردند.^۱ در مقابل موافقان تصویب کلیات معتقد بودند که تقسیم‌بندی انجام شده در این طرح، عادلانه است و مخالفت با کلیات این طرح به معنای مخالفت با حقوق مردم است. موافقان با اشاره به وضعیت حوزه‌های انتخابیه خود خواستار تصویب کلیات این طرح بودند. دولت نیز مخالف تصویب کلیات این طرح بود.^۲ در نهایت کلیات طرح تصویب نشد (همان، جلسه ۳۲۷ و ۳۲۸، ۴ و ۵ خرداد ۱۳۹۸).

طرح دیگری که در دوره دهم مجلس ارائه شد «طرح اصلاح قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی» (به شماره ثبت ۳۸۱) بود که در ۱۳ اسفند ۱۳۹۶ اعلام وصول شد. طرح مذکور با این مقدمه توجیهی که شاخص‌های تعداد نمایندگان در یک حوزه انتخابیه عواملی مانند انسانی، سیاسی و جغرافیایی و نظایر آنهاست و با اشاره به اصل شصت و چهارم قانون اساسی و

۱. برای مثال حسینعلی حاجی‌دلیگانی بیان کرد این طرح «مغایر اصل شصت و چهارم قانون اساسی است که گفته در تعداد افزایش نمایندگان ملاحظات انسانی، سیاسی و جغرافیایی بایستی دیده شود. ... با بررسی‌هایی که انجام دادیم هیچ‌کدام از اینها درست و کامل دیده نشده ... اما اعمال سلیقه در تهیه گزارش صورت گرفته است. ... عدالت در توزیع کرسی‌های نمایندگان رعایت نشده، ... این چه وضعیتی است که ما در توزیع کرسی‌ها داریم که در یک حوزه انتخابیه ۳۰ هزار نفر در آن حوزه جمعیت ساکن هستند، ولی برخی از حوزه‌ها را داریم که بالای یک میلیون نفر، ... این طرح پخته نیست، توزیع منطقی بر آن صورت نگرفته است، ... ای کاش دولت لایحه آورده بود».

علیرضا سلیمی بیان کرد «این طرح ... بار مالی دارد، ... مغایر بند «۱۰» سیاست‌های ابلاغی است. ... ما همین الان بحث لایحه جامع انتخابات را داریم. لایحه جامع انتخابات را دولت محترم می‌آورد و قطعاً این مسائل باید در آن گنجانده بشود ... بحث انتخابات مجلس جدا، بحث افزایش تعداد نمایندگان جدا، مشخص نیست بر چه اساس ما داریم عجله می‌کنیم. ... فقط ... بعضی از فاکتورهایی که در این اصل شصت و چهارم ... اشاره شده مد نظر قرار گرفته. هر کسی رفته لابی کرده یک اسم را یک شهر اضافه کردند، یک شهر را کم کردند و مشخص نیست براساس چه مبنای و چه منطقی این نمایندگان اینجا اضافه شده؟ در این طرح عدالت رعایت نشده، بعضی از نقاط در کشور هستند با ۴۰ هزار نفر جمعیت یک نماینده دارند، نقاتی داریم ۴۰۰ هزار نفر فاقد نماینده هستند. ... عدالت کجا رفت؟ این طرح کارشناسی نیست، به دلیل اینکه مبنای افزایش و کاهش در اینجا مشخص نیست ... وقتی ... شما بپایید به نقطه‌ای نماینده اضافه کنید نقاط دیگر را که مستحق افزایش نماینده بودند، ... را نادیده بگیرید ... تنش‌های سیاسی جدید در کشور خواهد شد».

۲. سیدسلیمان سامانی (معاون حقوقی و امور مجلس وزارت کشور) بیان کرد «مهم‌ترین چیزی که باید در کلیات تصمیم‌گیری بشود انطباق این طرح با سیاست‌های کلی [انتخابات] و اصول قانون اساسی است. در بند «۱» ... مهم‌ترین بحثی که در این سیاست ابلاغ شده موضوع جمعیت است ... در حال حاضر بین دو حوزه انتخاباتی که هر کدام یک نماینده مجلس دارند ما شاهد هستیم که یک حوزه جمعیتش ۳۱ برابر حوزه دوم است. این به هیچ وجه عدالت انتخاباتی را برای ما فراهم نمی‌کند. ... این طرح ... بدون توجه به این اصل مهم سیاست‌های کلی انتخابات نوشته شده. در رابطه با اصل شصت و چهارم سه عنصر انسانی، سیاسی، و جغرافیایی ... پیش‌بینی شده. ... این امکان و شرایط بررسی در اختیار دولت است ... این مسیر باید از طریق لایحه انجام بشود، لذا ما با کلیات این طرح مخالف هستیم».



اینکه برخی از حوزه‌های انتخابیه، از رشد کمتری برخوردارند و از مسیر توسعه‌یافتگی و یا از توسعه‌یافتگی بر مبنای عدالت دور هستند، خواستار کاهش تعداد نمایندگان حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس از ۳۰ نفر به ۲۰ نفر شده بود. این استدلال در حالی بود که سهم توسعه‌یافتگی حوزه‌های انتخابیه در توزیع نمایندگان توسط قانون مشخص نشده است. ازسوی دیگر طرح به سیاست‌های کلی انتخابات اشاره داشت در حالی که در بند «۱» سیاست‌های کلی انتخابات بر شاخص جمعیتی تأکید شده که براساس این شاخص میانگین جمعیتی حوزه انتخابیه تهران از میانگین جمعیتی کل کشور برای حوزه‌های انتخابیه بالاتر است و ظرفیت افزایش تعداد نماینده را دارد.^۱ این طرح در کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای بررسی و با اکثریت آرا رد شد.

۲. تحلیل

۲-۱. نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه

در کشورهای مختلف وظیفه تهیه طرح اولیه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه یا برعهده کمیسیون‌های ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه است، یا برعهده نهاد مسئول برگزاری انتخابات، یا برعهده مجلس قانونگذاری. امروزه در اکثریت قابل‌توجهی از کشورها، فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه برعهده کمیسیون‌های انتخابات یا کمیسیون‌های ویژه‌ای است که با هدف ترسیم مرزهای انتخاباتی ایجاد شده‌اند. اعضای کمیسیون‌های ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه معمولاً از میان افراد غیرحزبی و بی‌طرف انتخاب می‌شوند که در رشته‌های مدیریت انتخابات، جغرافیا و آمار تخصص دارند. برای مثال در استرالیا، نیوزلند و انگلیس اعضای کمیسیون‌های ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه عبارتند از: تعدادی از مقامات مسئول برگزاری انتخابات، رؤسای ادارات ثبت احوال و رئیس اداره نقشه‌برداری ارتش (در انگلیس) یا رئیس اداره نقشه‌برداری کشوری (در استرالیا و نیوزلند). کارشناسان آمار نقش مهمی در کمیسیون ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه استرالیا دارند؛ زیرا در این کشور فرایند اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه براساس آمارهای جمعیتی صورت می‌گیرد. در کانادا از متخصصان و استادانی که در زمینه انتخابات یا جغرافیا تخصص دارند تقاضا می‌شود تا با کمیسیون ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه همکاری کنند. در بسیاری از کشورها همچنین چندین قاضی در کمیسیون ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه عضویت و در اغلب موارد ریاست کمیسیون را برعهده دارند. درحال حاضر در اکثر کشورهایی که در آنها تدوین طرح اولیه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه برعهده کمیسیون‌های ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه است، وظیفه تدوین نهایی طرح جهت قابل اجرا شدن آن برعهده مجالس قانونگذاری کشور (یا تأیید و امضای

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به گزارش اظهارنظر کارشناسی درباره «طرح اصلاح قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی»، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۲۶۰۱۵۸۲۱

قوه مجریه) است. با این حال، در برخی از کشورها (مانند نیوزلند) نیز کمیسیون ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه وظیفه تأیید نهایی طرح اولیه تدوین شده توسط خود را نیز برعهده دارد (هندلی و گورفمن، ۱۳۹۵: ۴۹۹-۵۰۵).

پس از انقلاب اسلامی ایران، اولین قانون انتخابات که جدول حوزه‌بندی انتخاباتی نیز بخشی از آن بود، به‌وسیله شورای انقلاب در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ ه.ش در زمانی به تصویب رسید که دولت موقت استعفا کرده بود و هنوز رئیس‌جمهور انتخاب نشده و نمایندگان مجلس نیز انتخاب نشده بودند و کابینه دولت شهید محمد رجایی نیز شکل نگرفته بود. از آنجاکه مشروح مذاکرات شورای انقلاب در زمینه تدوین و بررسی قانون انتخابات در دسترس نیست، نمی‌توان به‌صورت دقیق بیان کرد که امر مربوط به حوزه‌بندی دقیقاً توسط چه افرادی و با چه تخصصی انجام شد. اما آنچه مشخص است این است که به‌دلیل شرایط حاکم بر کشور، شورای مذکور قادر نبود حوزه‌بندی مناسبی را انجام دهد و به‌دلیل اجتناب از پیامدهایی مانند اعتراض مردم به تغییر اساسی در حوزه‌بندی موجود، آخرین قانون جدول حوزه‌های انتخابیه در دوره پهلوی با اندکی تغییرات به تصویب این شورا رسید.

پس از این مقطع زمانی، ترسیم طرح اولیه جدول حوزه‌بندی، یا توسط دولت در قالب لایحه و یا توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی در قالب طرح صورت گرفته است. شایان ذکر است در مواردی که ترسیم طرح اولیه جدول حوزه‌بندی توسط دولت صورت گرفته، دولت علاوه بر استفاده از ظرفیت کارشناسی کارشناسان وزارت کشور، اغلب از استانداران نیز اخذ نظر کرده است.

طرح‌ها و لوایح پس از ارائه در کمیسیون تخصصی مربوطه معمولاً با حضور کارشناسان وزارت کشور، نمایندگان پیشنهاددهنده و بعضاً افراد دیگری مانند ائمه جمعه یا بزرگان استان‌ها (رجوع شود به پاورقی ص ۳۹) بررسی شده است. درواقع نهاد مسئول ترسیم طرح اولیه مرزهای حوزه‌های انتخاباتی پس از انقلاب اسلامی ایران، مستقل، غیرحزبی و بی‌طرف نبوده است که پیامد آن نواقصی مانند عدم پیوستگی جغرافیایی نقاط درون برخی حوزه‌ها، عدم تأمین برابری قدرت رأی‌دهی و عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای اداری بوده است. همانند دوره قبل از انقلاب اختصاص/عدم اختصاص نماینده به برخی مناطق با وجود اعتراضات نمایندگان مبنی بر عدم رعایت معیارهای موجود در قانون حاکی از اعمال نفوذ و نقش‌آفرینی جغرافیای قدرت در امر حوزه‌بندی است. در ادامه نهاد مسئول تدوین مرزهای حوزه‌های انتخابیه در قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی، مصوب فروردین ۱۳۶۶ و اصلاحات متعاقب آن بیشتر بررسی می‌شود:

قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی، مصوب فروردین ۱۳۶۶، در قالب لایحه توسط دولت به مجلس ارائه شد و توسط کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور بررسی شد. با این حال، کمیسیون دخل و تصرف جدی در لایحه انجام نداد و اصالت را به پیشنهادهای



نمایندگان حوزه‌ها داد که به دلیل تعارض منافع نمایندگان و بی‌طرف نبودن آنها، جدول حوزه‌بندی نهایی نمی‌توانست عادلانه باشد. ازسوی دیگر در فرایند بررسی این لایحه وزارت کشور نیز موضع بسیار منفعلی اتخاذ کرد و در بسیاری از حوزه‌ها، اصراری بر تصویب آنچه خود به‌عنوان لایحه به مجلس تقدیم کرده بود، نداشت و بدون دفاع محکم، تصمیم را به نمایندگان واگذار می‌کرد. این عوامل در کنار در حاشیه قرار گرفتن عامل جمعیت و دادن اولویت به سایر ملاحظات سبب شد قانون مصوب ایرادهای زیادی داشته باشد و نتواند برابری حق رأی‌دهی را تأمین کند.

قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۶۶/۰۱/۳۰، ۴ اصلاح را تجربه کرده است که ۳ مورد در قالب طرح و یک مورد در قالب لایحه بوده است. که فقط لایحه به افزایش تعداد نمایندگان منجر شده است. لایحه اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۸ توسط وزارت کشور و با اخذ نظرات استانداران تهیه شد. این لایحه با حضور نمایندگان دولت و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و نمایندگان پیشنهاددهنده در کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با حذف بعضی از مواد و اعمال اصلاحاتی به تصویب رسید. طبق متن مشروح مذاکرات مجلس درباره بررسی این لایحه، از یک سو در درون دستگاه وزارت کشور اختلاف‌نظرهایی درباره محتوای لایحه وجود داشت و ازسوی دیگر، در هیئت دولت تغییراتی در لایحه به‌وجود آمد که مبنای کارشناسی نداشت و بیشتر ماهیت سیاسی داشت (رجوع شود به پاورقی صفحه ۳۱). در فرایند بررسی این لایحه بین وزارت کشور به‌عنوان نهاد ترسیم‌کننده و کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور اختلافاتی وجود داشت و آنچه کمیسیون تصویب کرد، متفاوت از لایحه اولیه بود و کمیسیون مذکور و وزارت کشور یکدیگر را متهم به عدم رعایت معیارها در تدوین و اصلاح لایحه می‌کردند. دلیل این امر نبود معیارها و شاخص‌های عینی و دقیق و عدم تعیین میزان مجاز انحراف از آنها، عدم توافق در مورد اولویت‌بندی معیارها و بعضاً عدم رعایت معیارهای ترسیم مرزها بود.

وظیفه تصویب نهایی جدول حوزه‌بندی انتخاباتی پس از انقلاب اسلامی ایران همواره برعهده مجلس شورای اسلامی بوده است. محل اعتراض به شیوه حوزه‌بندی موجود اغلب در مجلس شورای اسلامی بوده است و امکان طرح شکایت در جای دیگر برای مثال در دادگاه‌ها وجود ندارد.

۲-۲. علت (یا علل) اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه

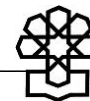
به‌طور معمول در کشورهایی که فرایند حوزه‌بندی انتخاباتی وجود دارد، زمان مشخصی برای اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه توسط قانون تعیین می‌شود. هرچند زمان استاندارد برای اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه وجود ندارد، اما معمولاً این زمان خیلی طولانی نیست. برای مثال در کشور سیشل براساس قانون در صورت ضرورت، مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید هر ۳ سال یک‌بار اصلاح شوند. در

ترکیه، نیوزلند، زیمبابوه، آلبانی، باهاماس و فیجی مرزهای حوزه‌های انتخابیه هر ۵ سال یک‌بار اصلاح می‌شوند. استرالیا حداقل هر ۷ سال یک‌بار مرزهای حوزه‌های انتخابیه خود را اصلاح می‌کند. در مقابل در فرانسه مرزهای حوزه‌های انتخابیه هر ۱۲ یا ۱۴ سال اصلاح می‌شوند. رایج‌ترین زمانی که برای اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه در کشورهای مختلف وجود دارد، ۱۰ سال است. براساس قانون انتخابات یا قانون اساسی کشورهای بوتسوانا، کانادا، هند، ژاپن، کنیا، لسوتو، مالزی، جزیره موریتوس، مکزیک، نپال، نیجریه، پاکستان، گینه جدید، پاپوآ، تانزانیا، ایالات متحده آمریکا و یمن مرزهای حوزه‌های انتخابیه هر ۱۰ سال یک‌بار باید اصلاح و بازنگری شوند.

در برخی کشورها نیز به‌جای تعیین زمان معین برای اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه معیارهای دیگری برای شروع فرایند اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه در نظر گرفته شده است. ازجمله این معیارها می‌توان به اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخاباتی پس از هر سرشماری جمعیتی، پس از تغییر تعداد کرسی‌های اختصاص یافته به هر حوزه انتخابیه، پس از تغییر در مرزهای اداری، پس از آنکه بین تعداد کرسی‌های اختصاص یافته به حوزه‌های انتخابیه و تعداد جمعیت آنها سطح معینی از عدم تناسب ایجاد شود، اشاره کرد (هندلی و گروفن، ۱۳۹۵: ۵۰۷-۵۰۸).

اصل شصت و چهارم قانون اساسی، یک دوره زمانی ۱۰ ساله را برای افزایش تعداد نمایندگان مجلس معین می‌دارد که لزوماً به‌معنای تجدیدنظر در مرزهای حوزه‌های انتخابیه نیست. هرچند تبصره ذیل ماده واحد قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۶۶/۰۱/۳۰) با بیان اینکه «حوزه‌های انتخاباتی همواره از هر نوع انتزاع و الحاق که براساس قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری در حد روستا و دهستان انجام می‌شود تبعیت خواهند کرد»، اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه در مواقعی که الحاق و انتزاعی در سطح روستا و دهستان صورت گیرد را پیش‌بینی کرده است؛ با این حال قوانین عادی مرتبط با حوزه‌بندی انتخابات به لزوم اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه به دلایل دیگر و دوره زمانی آن بی‌توجه بوده است. توضیح اینکه به‌دلیل تغییرات جمعیتی و تغییرات سایر شاخص‌ها، اغلب مرزهای حوزه‌ها نیازمند بازترسیم هستند. بدین معنا که گاهی یک انحراف فاحش از یک معیار و مقیاس مشخص، تجدیدنظر در مرزهای حوزه‌های انتخابیه از طریق ادغام حوزه‌ها و کاهش نماینده را ضروری می‌سازد و در برخی موارد افزایش نماینده نیازمند بازترسیم مرزهای حوزه‌ها، از طریق ادغام حوزه‌ها و یا تفکیک حوزه‌ها به دو یا چند حوزه مستقل است. مواردی نیز وجود دارد که بدون افزایش یا کاهش نماینده، تفکیک یک حوزه چند کرسی به حوزه‌های تک کرسی و ... نیازمند اصلاح مرزهای حوزه‌هاست.

همان‌گونه که گذشت، در همه دوره‌های مجلس شورای اسلامی، نمایندگان بر اشکالات و نارسایی‌های حوزه‌بندی انتخابات مجلس تأکید داشته و خواستار تجدیدنظر در آن بوده‌اند. به‌استثنای



دوره اول مجلس شورای اسلامی که به دلیل کمبود وقت، بحث اصلاح جدول حوزه‌بندی در لایحه قانون انتخابات نادیده گرفته شد؛ در همه دوره‌ها طرح و یا لایحه‌ای برای اصلاح جدول حوزه‌بندی و یا تغییر نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس ارائه شده است که در دوره‌های اخیر تعداد آنها بیشتر شده است. دلایل تلاش برای اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه یا اصلاح نظام حوزه‌بندی، عمل به اصل شصت و چهارم قانون اساسی، افزایش جمعیت کشور و حوزه‌ها، نواقص موجود در نظام حوزه‌بندی و یا نواقص موجود در مرزهای حوزه‌ها از منظر شاخص‌های موجود در قانون به‌ویژه عدم برابری جمعیت حوزه‌ها و عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای تقسیماتی بوده است.

۲-۳. معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه

رایج‌ترین معیار و در بسیاری از کشورها مهم‌ترین معیار برای ترسیم و اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه، معیار «برابری جمعیت» حوزه‌های انتخابیه است. در کشورهای مختلف درباره اینکه برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه چقدر باید باشد و تخطی از اصل برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه تا چه حد مجاز است، تفاوت‌هایی وجود دارد. برای مثال ایالات متحده آمریکا دارای کمترین حدنصاب است زیرا در این کشور کوچک‌ترین تخطی از اصل برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه ممنوع است. در کشور مقدونیه میزان عدم تناسب بین تعداد کرسی‌های اختصاص یافته به حوزه‌های انتخابیه و تعداد جمعیت آنها نباید بیش از ۳ درصد باشد، اگر چنین اتفاقی بیفتد مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید اصلاح شوند. در نیوزلند و آلبانی امکان تخطی از اصل برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه تا ۵ درصد مجاز است. در استرالیا، ایتالیا، بلاروس و اوکراین این رقم به ۱۰ درصد می‌رسد. در جمهوری چک، ارمنستان و آلمان این رقم ۱۵ درصد است.^۱ در کانادا کمیسیون‌های مستقلی که مسئول ترسیم و اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه هستند می‌توانند فقط در شرایط استثنایی و فوق‌العاده تا ۲۵ درصد از اصل برابری جمعیتی حوزه‌های انتخابیه تخطی کنند. سنگاپور جزء کشورهایی است که دارای بیشترین حد مجاز انحراف است. در این کشور نابرابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه تا ۳۰ درصد مجاز است.

از جمله معیارهای دیگری که نهادهای مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید به هنگام ترسیم این مرزها به آنها توجه کنند عامل «جغرافیا» است. در این زمینه رایج‌ترین معیار جغرافیایی توجه به «مرزهای سیاسی محلی» است که از قبل وجود داشته‌اند. توجه به «مرزهای طبیعی» که در نتیجه عواملی همچون کوه‌ها، رودخانه‌ها، جزایر و غیره ایجاد شده‌اند؛ سهل‌الوصول بودن به لحاظ جغرافیایی، به هم متصل بودن نواحی مختلف یک حوزه انتخابیه و نیز جمع‌وجور بودن از دیگر معیارهای مورد توجه در حوزه‌بندی انتخاباتی است. همچنین در بسیاری از کشورهایی که در آنها فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه وجود دارد تلاش

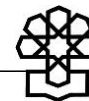
۱. طبق قانون انتخابات آلمان، حوزه‌هایی که میزان انحراف آنها بیش از ۲۵ درصد باشد، باید اصلاح شده و از نو ترسیم شوند (هندلی و گروفن، ۱۳۹۵: ۵۳۴).

می‌شود این مرزها به گونه‌ای ترسیم شوند که منافع گروه‌های محلی تا حد ممکن حفظ شود. در واقع حوزه‌های انتخابیه باید تا حد ممکن واحدهایی یکدست، منسجم و متشکل از گروه‌هایی باشند که دارای منافع مشترک هستند. همچنین ضروری است به هنگام ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه به شیوه‌های ارتباط مناطق مختلف و سهولت رفت و آمد بین آنها و نیز به گروه‌های مختلف زبانی، دینی و قومی توجه شود (هندلی و گورفمن، ۱۳۹۵: ۵۰۸-۵۱۳). در ادامه به بررسی معیار حوزه‌بندی پس از انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود:

اصل شصت و چهارم قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸، با ذکر اینکه «عده نمایندگان مجلس شورای ملی ۲۷۰ نفر است و پس از هر ده سال در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر ۱۵۰ هزار نفر یک نماینده اضافه می‌شود...» معیار حوزه‌بندی انتخاباتی را عامل «جمعیت» تعیین کرد و در این اصل قید ۱۵۰ هزار نفر برای افزایش نماینده تعیین شد که از آن برداشت به داشتن حداقل ۱۵۰ هزار نفر جمعیت برای داشتن یک نماینده نیز می‌شود. از سوی دیگر این اصل اشاره صریحی به تجدیدنظر درباره مرزهای حوزه‌های انتخابیه و معیار آن ندارد و افزایش نماینده یک حوزه لزوماً به معنای تجدیدنظر در مرزهای حوزه‌های انتخابیه نیست.

در حالی که در زمان فرایند بررسی و تصویب اصل شصت و چهارم قانون اساسی، شورای انقلاب درباره تعداد نمایندگان و حوزه‌بندی تصمیم نهایی را اتخاذ کرده بود، این شورا پس از تصویب نهایی قانون اساسی، قانون انتخابات را به تصویب رساند. ماده (۲) قانون انتخابات مجلس شورای ملی، مصوب شورای انقلاب (۱۳۵۸/۱۱/۱۷) بیان می‌دارد «به موجب اصل شصت و چهارم قانون اساسی عده نمایندگان مجلس شورای ملی کشور جمهوری اسلامی ایران جمعاً ۲۷۰ نفر می‌باشد که تقسیم آن براساس جدول ضمیمه این قانون می‌باشد». تبصره «۳» ذیل ماده (۲) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۱۰ نیز با ذکر اینکه «از تاریخ رسمیت یافتن دوره اول مجلس شورای اسلامی هر ده سال یکبار براساس آمار سرشماری کشور در هر حوزه انتخابیه به نسبت هر ۱۵۰ هزار نفر اضافی یک نماینده اضافه می‌شود»، عامل «جمعیت» را به عنوان معیاری برای افزایش تعداد نمایندگان تعیین کرد. با این حال تبصره «۲» ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵ که بیان می‌دارد «حوزه‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی حتی الامکان منطبق به محدوده شهرستان‌ها و هر حوزه انتخاباتی متشکل از یک یا چند شهرستان خواهد بود»، برای اولین بار در تاریخ حوزه‌بندی انتخاباتی کشور، عامل جغرافیایی «مرزهای سیاسی محلی» را به عنوان معیاری برای حوزه‌بندی به عامل جمعیت اضافه کرد که از دوره مشروطه اغلب یگانه معیار حوزه‌بندی انتخاباتی بود.

در فرایند تدوین و تصویب قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۶/۰۱/۳۰، با وجود تأکید اصل شصت و چهارم قانون اساسی و نیز تبصره «۳» ذیل ماده (۲) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۱۰، عامل جمعیت تحت تأثیر توجه بیشتر به تطابق مرزهای



حوزه‌های انتخاباتی با مرزهای سیاسی-اداری و ملاحظات سیاسی در حاشیه قرار گرفت. درعین حال در این قانون مسئله تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای تقسیماتی در سطح شهرستان به‌صورت کامل حل نشد. ضعف دیگر این بود که طی فرایند تصویب این قانون، از نظر معیار اتخاذ شده برای حوزه‌بندی یک رویه واحد برای همه حوزه‌ها اتخاذ نشد، در برخی حوزه‌ها عامل جمعیت، در برخی حوزه‌ها تقسیمات اداری و برخی سایر مقتضیات مبنای عمل حوزه‌بندی قرار گرفت. در نتیجه قانونی که تصویب شد هم به‌لحاظ برابری جمعیت حوزه‌ها و هم تطابق با تقسیمات اداری عاری از ایراد نبود.

با بازنگری در اصل شصت و چهارم قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، حدنصاب ۱۵۰ هزارنفر برای افزایش نماینده که درواقع به نوعی نشانگر حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده بود، حذف شد. شایان ذکر است که از ابتدای دوره دوم مجلس شورای ملی در عصر مشروطه نمایندگان برای جلوگیری از بی‌ضابطگی در امر حوزه‌بندی تلاش‌های فراوانی کرده بودند که یک مقیاس عددی مشخص برای داشتن حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده را در قالب یک اصل قانونی به تصویب برسانند که درنهایت با اصلاح ماده (۴) قانون اساسی مشروطه در سال ۱۳۳۶ این هدف محقق شد و مقیاس «۱۰۰ هزارنفر» برای افزایش نماینده در قانون اساسی گنجانده شد. پس از انقلاب این مقیاس در اصل شصت و چهارم قانون اساسی به «۱۵۰ هزارنفر» افزایش یافت، که با بازنگری در اصل شصت و چهارم قانون اساسی این دستاورد از بین رفت. دلیل حذف قید ۱۵۰ هزارنفر این بود که مانع از اختصاص نماینده به نواحی محرومی می‌شد که کمتر از این میزان جمعیت داشتند. دلیل دوم این بود که این اعتقاد وجود داشت که با وجود قید ۱۵۰ هزارنفر برای داشتن یک نماینده در قانون اساسی، با گذشت زمان افزایش بی‌رویه‌ای در تعداد نمایندگان مجلس ایجاد می‌شد. در حالی که روش منطقی برای حل مسئله نخست این بود که ضابطه‌ای در قانون عادی برای نواحی محروم با کمتر از ۱۵۰ هزارنفر جهت برخورداری شدن از نماینده تعریف شود (مانند تعریف میزان انحراف مجاز از قید ۱۵۰ هزارنفر برای شرایط استثنایی) و برای مسئله دوم راه‌حل منطقی پیش‌بینی ضابطه‌ای برای بالا بردن حدنصاب ۱۵۰ هزارنفر طی زمان با توجه به روند افزایش جمعیت کشور بود نه حذف حدنصاب مذکور.

با بازنگری در اصل شصت و چهارم قانون اساسی و حذف قید ۱۵۰ هزارنفر برای افزایش نماینده، معیار حوزه‌بندی از تأکید بر عامل جمعیت به «عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها» تغییر یافت. هرچند قانون اساسی کلیت امر را تعیین می‌کند، اما قانون عادی باید تعاریف عملیاتی از معیارهای مندرج در قانون اساسی ارائه کرده و مقیاس دقیق و قابل سنجشی برای هر کدام تعیین کند. با این حال در قوانین جمهوری اسلامی ایران، مقرر قانونی که عوامل مطرح در اصل شصت و چهارم قانون اساسی را تعریف عملیاتی کند و برای آنها شاخص‌های دقیق تعیین کرده و وزن و سهم هر کدام را در ترسیم مرزهای حوزه‌ها و تعداد نمایندگان تعیین کند وجود ندارد.

هرچند در بند «۱» سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری بر «تعیین حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی بر مبنای جمعیت و مقتضیات اجتناب‌ناپذیر به‌گونه‌ای که حداکثر

عدالت انتخاباتی و همچنین شناخت مردم از نامزدها فراهم گردد» تأکید شده است که در واقع به معنای اولویت شاخص «جمعیت» در امر حوزه‌بندی است، اما در این مقرر نیز حداقل تعداد «جمعیت» برای داشتن یک نماینده و میزان مجاز انحراف از آن مشخص نشده است. از سویی «مقتضیات اجتناب‌ناپذیر» نیز نیازمند تعیین دقیق شاخص‌ها در قالب یک مقرر قانونی است.

به این ترتیب در حالی که پس از انقلاب تا سال ۱۳۶۸، چالش مهم در حوزه‌بندی این بود که میزان انحراف مجاز از ۱۵۰ هزار نفر، تعیین نشده بود و در فرایند تصویب قانون سال ۱۳۶۶ تطابق مرزهای حوزه‌ها با مرزهای تقسیماتی در جهت عمل به بند «۲» ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری و سایر مقتضیات، نسبت به عامل جمعیت در اولویت قرار گرفت که سبب بی‌ضابطگی در حوزه‌بندی و پیامدهایی مانند عدم برابری جمعیت حوزه‌ها شد؛ از این زمان به بعد، نبود حدنصاب جمعیتی برای داشتن یک نماینده و عدم مشخص بودن میزان انحراف از آن، در کنار کلی بودن و مشخص نبودن شاخص‌ها و میزان تأثیر «عوامل سیاسی و جغرافیای و نظایر آن» تبدیل به چالشی جدی شد.

با وجود اینکه اصل شصت و چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد «از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر ۲۰ نفر نماینده می‌تواند اضافه شود»، اما نبود حدنصاب و کلی بودن سایر معیارها سبب شده است که توافق درباره اینکه افزایش نماینده به کدام حوزه‌ها تعلق گیرد، بسیار دشوار شود. مسئله‌ای که موسوی اردبیلی طی فرایند بازنگری اصل شصت و چهارم قانون اساسی به‌درستی آن را پیش‌بینی کرده بود. پس از سال ۱۳۶۸ در همه ادوار مجلس طرح و لوایحی برای اضافه شدن ۲۰ نماینده به مجلس ارائه شده است، اما در این میان تنها یک لایحه به تصویب نمایندگان رسید که به تحقق عدالت در حوزه‌بندی منجر نشد. در ادامه بیشتر به آسیب‌شناسی قوانین تصویب شده پس از انقلاب اسلامی ایران از منظر شاخص‌های جمعیت و ... پرداخته می‌شود.

الف) جمعیت

بررسی میزان و درصد انحراف جمعیت استان‌ها و حوزه‌های درون آنها بهتر می‌تواند مسئله عدم تأمین برابری حق رأی‌دهی در حوزه‌بندی‌های انجام شده را نشان دهد. از آنجاکه مشروح مذاکرات شورای انقلاب درباره بررسی قانون انتخابات در دسترس نیست، نمی‌توان به‌صورت دقیق بیان کرد که اولین حوزه‌بندی انتخابات که توسط این شورا در سال ۱۳۵۸ انجام شد دقیقاً براساس چه معیاری بوده است. با این حال با توجه به ماده (۲) قانون انتخابات مصوب این شورا، انتظار آن است که حوزه‌بندی انجام شده براساس معیار جمعیت و حدنصاب هر ۱۵۰ هزار نفر یک نماینده باشد. جدول ۱ و نمودار ۲ میزان و درصد انحراف جمعیت استان‌های کشور از معیار مذکور در این قانون را نشان می‌دهد.



جدول ۱. میزان و درصد انحراف استان‌ها از میانگین «هر ۱۵۰,۰۰۰ نفر یک نماینده»
در قانون انتخابات مجلس شورای ملی، مصوب شورای انقلاب (۱۳۵۸/۱۱/۱۷)

استان	جمعیت	تعداد نمایندگان در قانون ۱۳۵۸	نسبت تعداد کنونی نمایندگان به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس (هر ۱۵۰,۰۰۰ نفر)	درصد انحراف از مقیاس (هر ۱۵۰,۰۰۰ نفر)	مجموع انحراف از مقیاس (هر ۱۵۰,۰۰۰ نفر)	تعداد نمایندگان نسبت به جمعیت ^۱	انحراف تعداد نمایندگان نسبت به جمعیت کل استان
تهران	۵,۳۳۱,۱۶۶	۳۵ نفر	۱۵۲,۳۱۹	+ ۲,۳۱۹	+ ۱/۵	+ ۸۱,۱۶۶	۳۵/۵	فائق انحراف
مرکزی	۱,۰۹۰,۳۷۴	۹ نفر	۱۲۱,۱۵۳	- ۲۸,۸۴۷	- ۱۹/۲	- ۲۵۹,۶۲۶	۷/۲	۲ نفر مازاد
خراسان	۳,۲۶۴,۳۹۸	۲۵ نفر	۱۳۰,۵۷۶	- ۱۹,۴۲۴	- ۱۲/۹	- ۴۸۵,۶۰۲	۲۱/۷	۴ نفر مازاد
اصفهان	۲,۱۷۶,۶۹۴	۱۸ نفر	۱۲۰,۹۲۷	- ۲۹,۰۷۳	- ۱۹/۳	- ۵۲۳,۳۰۶	۱۴/۵	۴ نفر مازاد
آذربایجان شرقی	۳,۱۹۷,۶۸۵	۲۴ نفر	۱۳۳,۲۳۷	- ۱۶,۷۶۳	- ۱۱/۱	- ۴۰۲,۳۱۵	۲۱/۳	۳ نفر مازاد
خوزستان	۲,۱۸۷,۱۸۹	۱۷ نفر	۱۲۸,۶۵۸	- ۲۱,۳۴۲	- ۱۴/۲	- ۳۶۲,۸۱۱	۱۴/۵	۳ نفر مازاد
مازندران ^۲	۲,۳۸۴,۰۰۶	۱۷ نفر	۱۴۰,۲۳۶	- ۹,۷۶۴	- ۶/۵	- ۱۶۵,۹۹۴	۱۵/۸	۲ نفر مازاد
فارس	۲,۰۲۰,۹۴۲	۱۷ نفر	۱۱۸,۸۷۹	- ۳۱,۱۲۱	- ۲۰/۷	- ۵۲۹,۰۵۸	۱۳/۴	۴ نفر مازاد
گیلان	۱,۵۸۱,۸۷۲	۱۳ نفر	۱۲۱,۶۸۲	- ۲۸,۳۱۷	- ۱۸/۸	- ۳۶۸,۱۲۸	۱۰/۵	۳ نفر مازاد
آذربایجان غربی	۱,۴۰۷,۶۰۴	۱۲ نفر	۱۱۷,۳۰۰	- ۳۲,۷۰۰	- ۲۱/۸	- ۳۹۲,۳۹۶	۹/۳	۳ نفر مازاد
کرمان	۱,۰۸۵,۰۹۷	۱۰ نفر	۱۰۸,۵۱۰	- ۴۱,۴۹۰	- ۲۷/۶	- ۴۱۴,۹۰۳	۷/۲	۳ نفر مازاد
کرمانشاهان	۱,۰۳۰,۷۱۴	۸ نفر	۱۲۸,۸۳۹	- ۲۱,۱۶۱	- ۱۴/۱	- ۱۶۹,۲۸۶	۶/۸	۲ نفر مازاد
هرمزگان	۴۶۲,۴۴۰	۴ نفر	۱۱۵,۶۱۰	- ۳۴,۳۹۰	- ۲۲/۹	- ۱۳۷,۵۶۰	۳	۱ نفر مازاد
سیستان و بلوچستان	۶۶۴,۲۹۲	۷ نفر	۹۴,۸۹۸	- ۵۵,۱۰۱	- ۳۶/۷	- ۳۸۵,۷۰۸	۴/۴	۳ نفر مازاد
کردستان ^۳	۷۶۴,۷۳۴	۶ نفر	۱۲۷,۴۵۶	- ۲۲,۵۴۴	- ۱۵	- ۱۳۵,۲۶۶	۵	۱ نفر مازاد
همدان ^۴	۱,۱۰۷,۰۳۰	۹ نفر	۱۲۳,۰۰۳	- ۲۶,۹۹۷	- ۱۷/۹	- ۲۴۲,۹۷۰	۷/۳	۲ نفر مازاد
لرستان	۹۳۳,۹۳۹	۸ نفر	۱۱۶,۷۴۲	- ۳۳,۲۵۸	- ۲۲/۱	- ۲۶۶,۰۶۱	۶/۳	۲ نفر مازاد
زنجان	۱,۱۱۷,۱۵۷	۹ نفر	۱۲۴,۱۲۸	- ۲۵,۸۷۲	- ۱۷/۲	- ۲۳۲,۸۴۳	۷/۴	۲ نفر مازاد
یزد	۳۵۶,۸۴۹	۳ نفر	۱۱۸,۹۵۰	- ۳۱,۰۵۰	- ۲۰/۷	- ۹۳,۱۵۱	۲/۳	۱ نفر مازاد
بوشهر	۳۴۷,۷۶۳	۳ نفر	۱۱۵,۹۲۱	- ۳۴,۰۷۹	- ۲۲/۷	- ۱۰۲,۲۳۷	۲/۳	۱ نفر مازاد
چهارمحال و بختیاری	۳۹۴,۳۵۷	۳ نفر	۱۳۱,۴۵۲	- ۱۸,۵۴۸	- ۱۲/۳	- ۵۵,۶۴۳	۲/۶	۱ نفر مازاد
ایلام	۲۴۶,۰۲۴	۲ نفر	۱۲۳,۰۱۲	- ۲۶,۹۸۸	- ۱۷/۹	- ۵۳,۹۷۶	۱/۶	۱ نفر مازاد
سمنان ^۵	۲۹۲,۵۲۷	۴ نفر	۷۳,۱۳۲	- ۷۶,۸۶۸	- ۵۱/۲	- ۳۰۷,۴۷۳	۱/۹	۳ نفر مازاد
کهگیلویه و بویراحمد	۲۴۴,۳۷۰	۲ نفر	۱۲۲,۱۸۵	- ۲۷,۸۱۵	- ۱۸/۵	- ۵۵,۶۳۰	۱/۶	۱ نفر مازاد

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

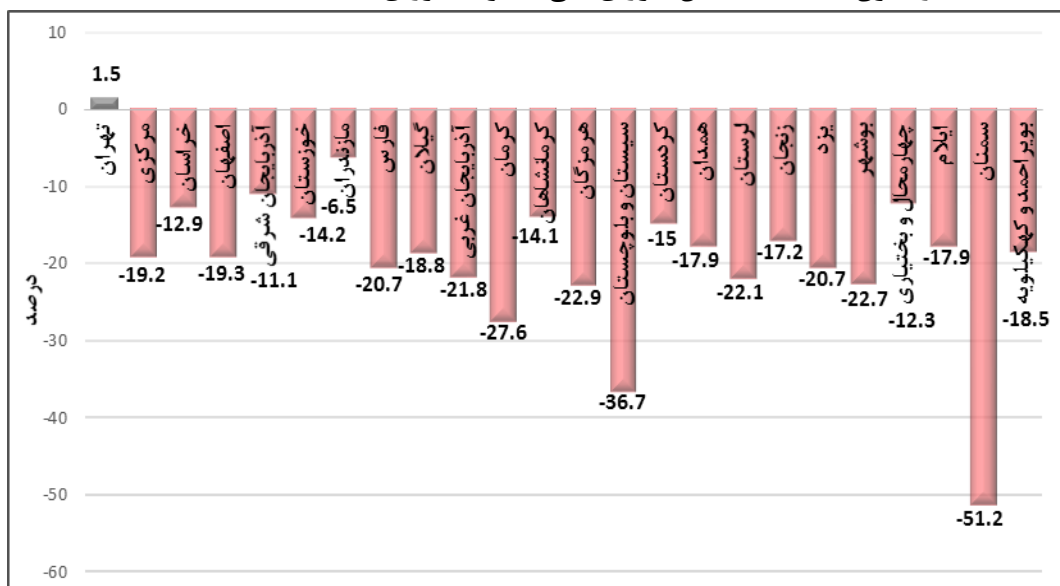
۱. تعداد نماینده‌ای که هر استان نسبت به جمعیت خود باید داشته باشد (جمعیت استان تقسیم بر ۱۵۰,۰۰۰).
۲. جمعیت استان مازندران ۲,۲۸۷,۱۷۱ نفر است که جمعیت دهستان پشتکوه (۳۱۶۵ نفر) باید از جمعیت این استان کسر شود.
۳. جمعیت استان کردستان ۷۸۲,۷۴۰ است که جمعیت دهستان چاردولی (۱۹۰۰۶ نفر) متعلق بخش مرکزی قروه باید از جمعیت این استان کسر شود.
۴. جمعیت استان همدان ۱,۰۸۸,۰۲۴ نفر است که جمعیت دهستان چاردولی (۱۹۰۰۶ نفر) بخش مرکزی قروه باید به جمعیت این استان اضافه شود.
۵. جمعیت استان سمنان ۲۸۹,۳۶۲ نفر است که جمعیت دهستان پشتکوه در استان مازندران باید به جمعیت این استان اضافه شود.

جدول فوق که براساس جمعیت استان‌های کشور در سرشماری ۱۳۵۵ کشور تنظیم شده است، نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن میانگین هر ۱۵۰ هزار نفر یک نماینده، استان‌های کشور طیفی از انحراف بین ۱/۵ + تا ۵۱/۲- درصد دارند و در این میان تنها دو استان تهران و مازندران از انحراف زیر ۱۰ درصد برخوردارند. همچنین به‌استثنای استان تهران، همه استان‌ها نسبت به جمعیت خود از نماینده بیشتری (بین ۱ تا ۴ نماینده) برخوردار هستند.

شایان ذکر است که تعداد نمایندگان کشور در آخرین جدول حوزه‌های انتخابیه قبل از انقلاب اسلامی (مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۱۵) ۲۶۷ نفر بود که در این جدول به ۲۷۰ نفر افزایش یافت. جمعیت کل کشور در سال ۱۳۵۵، ۳۳,۷۰۸,۷۴۴ نفر بوده است که طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ با کاهش رشد نسبت به دهه قبل آن مواجه بوده است. با تقسیم جمعیت کشور بر ۲۶۵ نفر^۱ نماینده، به هر ۱۲۷,۲۰۳ نفر یک نماینده اختصاص می‌یافت. درواقع مجموع انحراف کل جمعیت کشور از تعداد نمایندگان با معیار هر ۱۵۰ هزار نفر یک نماینده ۶,۰۴۱,۲۵۶ - نفر بوده است. با توجه به جمعیت کشور در سال ۱۳۵۵، طبق مبنای ۱۵۰ هزار نفر باید حدود ۲۲۵ نماینده وجود داشته باشد.

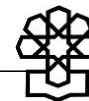
نمودار ۱. درصد انحراف استان‌ها از میانگین «هر ۱۵۰,۰۰۰ نفر یک نماینده»

در قانون انتخابات مجلس شورای ملی، مصوب شورای انقلاب (۱۳۵۸/۱۱/۱۷)



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۱. جهت محاسبه میانگین کشوری نسبت تعداد نمایندگان به جمعیت باید جمعیت کل کشور براساس سرشماری ۱۳۵۵ به تعداد نمایندگان تقسیم شود اما از آنجا که ۵ کرسی متعلق به اقلیت‌های دینی است و نسبت جمعیت به تعداد نمایندگان در آن تأثیر ندارد، از این‌رو باید ۵ از ۲۷۰ کسر شود و کل جمعیت کشور بر ۲۶۵ تقسیم گردد تا میانگین کشوری نسبت تعداد نمایندگان به جمعیت کل کشور به‌دست آید.



مقایسه جدول حوزه‌بندی در قانون مصوب شورای انقلاب با آخرین جدول حوزه‌های انتخابیه قبل از انقلاب اسلامی ایران نشان‌دهنده برخی تفاوت‌هاست. استان‌های اصفهان، خراسان و سیستان و بلوچستان شاهد افزایش یک نفر نماینده هستند و استان‌های آذربایجان شرقی و مازندران در این قانون کاهش نماینده را تجربه کردند. برای مثال در این قانون تعداد نمایندگان آذربایجان شرقی نسبت به قانون قبل از انقلاب از ۲۶ نفر به ۲۴ نفر کاهش یافت و تعداد نمایندگان حوزه تبریز از ۹ به ۶ نفر کاهش یافت و در مرزهای حوزه‌های انتخابیه درون این استان نیز تغییراتی صورت گرفت.

شایان ذکر است که پایین بودن انحراف تعداد نمایندگان برخی استان‌های کشور لزوماً به معنای استاندارد بودن انحراف حوزه‌های درون استان‌ها نیست. بررسی انحراف حوزه‌های درون استان‌ها بهتر می‌تواند این مسئله را نشان دهد. بدین منظور حوزه‌های انتخابیه استان کردستان که در کل از انحراف ۱۵- درصد برخوردار است بررسی شده است. جدول ۲ نشان می‌دهد که در استان کردستان، از مجموع پنج حوزه انتخابیه، دو حوزه از انحراف زیر ۱۵- درصد برخوردارند و سه حوزه دیگر از انحراف بالاتری برخوردارند که در این میان حوزه انتخابیه قروه انحراف ۳۰/۶- درصدی دارد.

جدول ۲. میزان و درصد انحراف حوزه‌های انتخابیه استان کردستان از میانگین «هر ۱۵۰,۰۰۰ نفر یک نماینده» در قانون انتخابات مجلس شورای ملی، مصوب شورای انقلاب (۱۳۵۸/۱۱/۱۷)

نام حوزه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	جمعیت حوزه انتخابیه	تعداد نماینده	نسبت تعداد نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس (۱۵۰,۰۰۰ نفر)	درصد انحراف از مقیاس (۱۵۰,۰۰۰ نفر)
سنندج	سنندج و بخش‌های مرکزی میرانشاه - کلمیاران	سنندج	۲۶۴,۱۰۲	۲ نفر	۱۳۲,۰۵۱	- ۱۷,۹۴۹	- ۱۱/۹
سقز و بانه	سقز و بخش مرکزی سقز و بخش‌های مرکزی و آلوت و نمشیر - پهلویدر شهرستان بانه	سقز	۱۶۳,۳۸۱	۱ نفر	۱۶۳,۳۸۱	+ ۱۳,۳۸۱	+ ۸/۹
مریوان	مریوان و بخش‌های مرکزی - خاوومیرآباد - کلاترران - سرشیو - سروآباد.	مریوان	۱۲۰,۴۵۱	۱ نفر	۱۲۰,۴۵۱	- ۲۹,۵۴۹	- ۱۹/۶
بیجار	شهر بیجار و بخش مرکزی.	بیجار	۱۱۱,۵۱۰	۱ نفر	۱۱۱,۵۱۰	- ۳۸,۴۹۰	- ۲۵/۶
قروه ^۱	شهر قروه و بخش‌های مرکزی - وئیلاق.	قروه	۱۰۳,۹۹۰	۱ نفر	۱۰۳,۹۹۰	- ۴۶,۰۱۰	- ۳۰/۶

مأخذ: همان.

۱. جمعیت شهرستان قروه ۱۲۲,۹۹۶ نفر است که جمعیت دهستان چاردولی (۱۹۰۰۶ نفر) متعلق بخش مرکزی قروه باید از جمعیت آن کسر شود.

بررسی حوزه‌ها در سایر استان‌ها نشان‌دهنده انحراف بیشتر است. برای مثال در حالی که استان سیستان و بلوچستان در کل انحراف $۳۶/۷$ - درصدی دارد، حوزه انتخابیه سراوان با جمعیت ۸۲,۸۸۲ نفر و یک نماینده، انحراف حدود ۴۵ - درصد دارد. در استان سمنان که در کل انحراف $۵۱/۲$ - درصدی دارد حوزه انتخابیه گرمسار با یک نماینده و ۴۳ هزار نفر جمعیت انحراف $۷۱/۳$ - درصدی دارد.

در قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی (مصوب $۱۳۶۶/۰۱/۳۰$) که در مقایسه با قانون سال ۱۳۵۸، دو نفر از تعداد نمایندگان استان مرکزی کسر و به استان تهران اضافه شده است، نیز برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه رعایت نشد. از آنجا که طبق گزارش شور دوم کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور، آخرین آمار جمعیت کشور در پاییز ۱۳۶۵ مبنای حوزه‌بندی نهایی قرار گرفت، می‌توان جدول حوزه‌بندی را براساس آمار سرشماری سال ۱۳۶۵ - که تا مهر ۱۳۶۵ به اتمام رسیده بود- بررسی کرد. بررسی جدول حوزه‌بندی این قانون نشان می‌دهد که اکثر استان‌های کشور نسبت به جمعیت خود، کمبود نماینده دارند. ۷ استان کشور فاقد انحراف و تنها استان سمنان نسبت به جمعیت خود، نماینده بیشتر دارد (جدول ۳، نمودار ۲). کمترین انحراف در این قانون ۳ + درصد و مربوط به استان مرکزی و بیشترین انحراف متعلق به استان تهران با $۵۶/۹$ + درصد است.



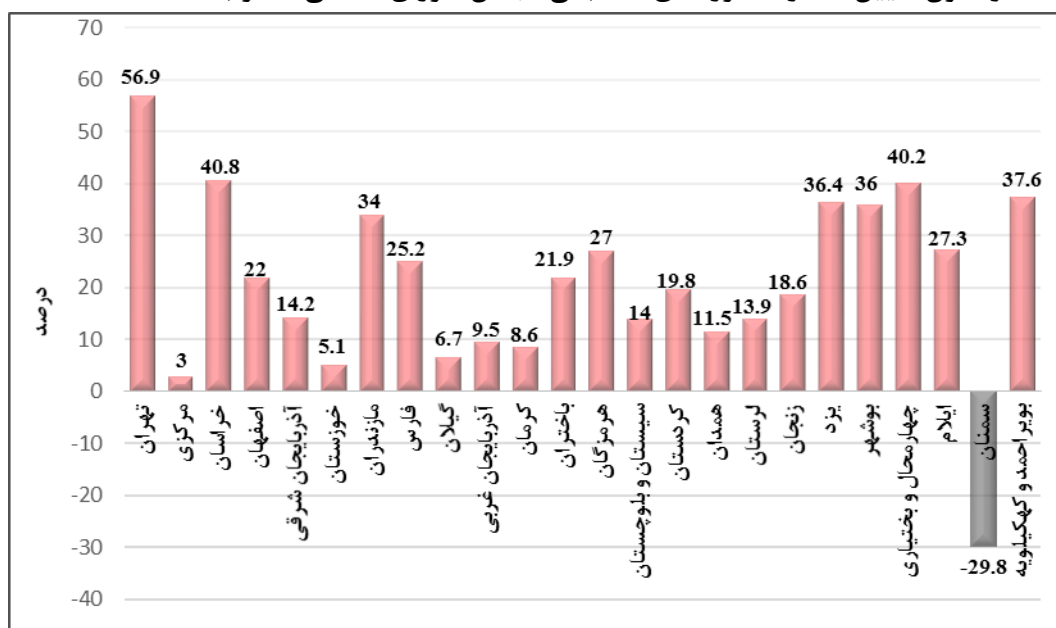
جدول ۳. میزان و درصد انحراف استان‌ها از میانگین «هر ۱۵۰,۰۰۰ نفر یک نماینده»
در قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۶۶/۰۱/۳۰)

استان	جمعیت	تعداد نمایندگان در قانون ۱۳۶۶	نسبت تعداد کثونی نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس ۱۵۰,۰۰۰ (نفر)	درصد انحراف از مقیاس ۱۵۰,۰۰۰ (نفر)	مجموع انحراف استانی از مقیاس (نفر ۱۵۰,۰۰۰)	تعداد نمایندگان نسبت به جمعیت ^۱	انحراف تعداد نماینده نسبت به جمعیت کل استان
تهران ^۲	۸,۷۱۰,۰۸۷	۳۷ نفر	۲۳۵,۴۰۸	+ ۸۵,۴۰۸	+ ۵۶/۹	+ ۳,۱۶۰,۰۸۷	۵۸ نفر	۲۱ نفر کمبود
مرکزی	۱,۰۸۲,۱۰۹	۷ نفر	۱۵۴,۵۸۷	+ ۴,۵۸۷	+ ۳	+ ۳۲,۱۰۹	۷/۲ نفر	فاقد انحراف
خراسان	۵,۲۸۰,۶۰۵	۲۵ نفر	۲۱۱,۲۲۴	+ ۶۱,۲۲۴	+ ۴۰/۸	+ ۱,۵۳۰,۶۰۵	۳۵/۲ نفر	۱۰ نفر کمبود
اصفهان	۳,۲۹۴,۹۱۶	۱۸ نفر	۱۸۳,۰۵۱	+ ۳۳,۰۵۱	+ ۲۲	+ ۵۹۴,۹۱۶	۲۱/۹ نفر	۳ نفر کمبود
آذربایجان شرقی	۴,۱۱۴,۰۸۴	۲۴ نفر	۱۷۱,۴۲۰	+ ۲۱,۴۲۰	+ ۱۴/۲	+ ۵۱۴,۰۸۴	۲۷/۴ نفر	۳ نفر کمبود
خوزستان	۲,۶۸۱,۹۷۸	۱۷ نفر	۱۵۷,۷۶۳	+ ۷,۷۶۳	+ ۵/۱	+ ۱۳۱,۹۷۸	۱۷/۸ نفر	فاقد انحراف
مازندران ^۳	۳,۴۱۷,۵۷۸	۱۷ نفر	۲۰۱,۰۳۴	+ ۵۱,۰۳۴	+ ۳۴	+ ۸۶۷,۵۷۸	۲۲/۷ نفر	۵ نفر کمبود
فارس	۳,۱۹۳,۷۶۹	۱۷ نفر	۱۸۷,۸۶۹	+ ۳۷,۸۶۹	+ ۲۵/۲	+ ۶۴۳,۷۶۹	۲۱/۲ نفر	۴ نفر کمبود
گیلان	۲,۰۸۱,۰۳۷	۱۳ نفر	۱۶۰,۰۸۰	+ ۱۰,۰۸۰	+ ۶/۷	+ ۱۳۱,۰۳۷	۱۳/۸ نفر	فاقد انحراف
آذربایجان غربی	۱,۹۷۱,۶۷۷	۱۲ نفر	۱۶۴,۳۰۶	+ ۱۴,۳۰۶	+ ۹/۵	+ ۱۷۱,۶۷۷	۱۳/۱ نفر	۱ نفر کمبود
کرمان ^۴	۱,۶۲۹,۳۵۴	۱۰ نفر	۱۶۲,۹۳۵	+ ۱۲,۹۳۵	+ ۸/۶	+ ۱۲۹,۳۵۴	۱۰/۸ نفر	فاقد انحراف
باختران	۱,۴۶۲,۹۶۵	۸ نفر	۱۸۲,۸۷۱	+ ۳۲,۸۷۱	+ ۲۱/۹	+ ۲۶۲,۹۶۵	۹/۷ نفر	۱ نفر کمبود
هرمزگان	۷۶۲,۲۰۶	۴ نفر	۱۹۰,۵۵۱	+ ۴۰,۵۵۱	+ ۲۷	+ ۱۶۲,۲۰۶	۵ نفر	۱ نفر کمبود
سیستان و بلوچستان	۱,۱۹۷,۰۵۹	۷ نفر	۱۷۱,۰۰۸	+ ۲۱,۰۰۸	+ ۱۴	+ ۱۴۷,۰۵۹	۷/۹ نفر	فاقد انحراف
کردستان	۱,۰۷۸,۳۹۸	۶ نفر	۱۷۹,۷۳۳	+ ۲۹,۷۳۳	+ ۱۹/۸	+ ۱۷۸,۳۹۸	۷/۱ نفر	۱ نفر کمبود
همدان	۱,۵۰۵,۸۲۶	۹ نفر	۱۶۷,۳۱۴	+ ۱۷,۳۱۴	+ ۱۱/۵	+ ۱۵۵,۸۲۶	۱۰ نفر	۱ نفر کمبود
لرستان	۱,۳۶۷,۰۲۹	۸ نفر	۱۷۰,۸۷۹	+ ۲۰,۸۷۹	+ ۱۳/۹	+ ۱۶۷,۰۲۹	۹/۱ نفر	۱ نفر کمبود
زنجان	۱,۶۰۲,۱۵۴	۹ نفر	۱۷۸,۰۱۷	+ ۲۸,۰۱۷	+ ۱۸/۶	+ ۲۵۲,۱۵۴	۱۰/۶ نفر	۱ نفر کمبود
یزد ^۵	۶۱۳,۹۰۹	۳ نفر	۲۰۴,۶۳۶	+ ۵۱,۶۳۶	+ ۳۶/۴	+ ۱۶۳,۹۰۹	۴ نفر	۱ نفر کمبود
بوشهر	۶۱۲,۱۸۳	۳ نفر	۲۰۴,۰۶۱	+ ۵۴,۰۶۱	+ ۳۶	+ ۱۶۲,۱۸۳	۴ نفر	۱ نفر کمبود
چهارمحال و بختیاری	۶۳۱,۱۷۹	۳ نفر	۲۱۰,۳۹۳	+ ۶۰,۳۹۳	+ ۴۰/۲	+ ۱۸۱,۱۷۹	۴/۲ نفر	۱ نفر کمبود
ایلام	۳۸۲,۰۹۱	۲ نفر	۱۹۱,۰۴۵	+ ۴۱,۰۴۵	+ ۲۷/۳	+ ۸۲,۰۹۱	۲/۵ نفر	فاقد انحراف
سمنان ^۶	۴۲۰,۸۰۳	۴ نفر	۱۰۵,۲۰۱	- ۴۴,۷۹۹	- ۲۹/۸	- ۱۷۹,۱۹۷	۲/۸ نفر	۲ نفر مازاد
کهگیلویه و بویراحمد	۴۱۳,۰۹۶	۲ نفر	۲۰۶,۵۴۸	+ ۵۶,۵۴۸	+ ۳۷/۶	+ ۱۱۳,۰۹۶	۲/۷ نفر	فاقد انحراف

مأخذ: همان.

۱. تعداد نماینده‌ای که هر استان نسبت به جمعیت خود باید داشته باشد (جمعیت استان تقسیم بر ۱۵۰,۰۰۰).
۲. جمعیت تهران ۸,۷۱۲,۰۸۷ نفر است که جمعیت روستاهای افتر، امامزاده عبدا...، اروانه، جوین وایح (جمعاً حدود ۲۰۰۰ نفر) باید از آن کسر شود.
۳. جمعیت استان مازندران ۳,۴۱۹,۳۴۶ نفر است که جمعیت تاش و شاهکوه (جمعاً ۱۷۶۸ نفر) باید از آن کسر شود.
۴. جمعیت کرمان ۱,۶۲۲,۹۵۸ نفر است که جمعیت دهستان‌های هرات (۵۶۴۴ نفر) و مروست (۷۵۲ نفر) متعلق به مهریز یزد باید به آن اضافه شود.
۵. جمعیت استان یزد ۶۲۰,۲۰۵ نفر است که جمعیت دهستان‌های هرات و مروست (جمعاً ۶۳۹۶ نفر) باید از آن کسر شود.
۶. جمعیت استان سمنان ۴۱۷,۰۳۵ نفر است که جمعیت تاش و شاهکوه از استان مازندران و همچنین روستاهای افتر، امامزاده عبدا...، اروانه، جوین وایح از استان تهران باید به آن اضافه شود.

نمودار ۲. درصد انحراف استان‌های کشور از میانگین «هر ۱۵۰,۰۰۰ نفر یک نماینده»
در قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۶۶/۰۱/۳۰)



مأخذ: همان.

پایین بودن درصد انحراف برخی استان‌های کشور در این قانون نیز به معنای پایین بودن انحراف حوزه‌های درون استان و متعادل بودن آنها نسبت به میانگین ۱۵۰ هزارنفر نیست. در این زمینه حوزه‌های استان کردستان بررسی شده است. درصد انحراف کلی این استان در این قانون ۱۹/۸ - درصد است اما از پنج حوزه انتخابیه این استان سه حوزه از انحراف بیش از ۱۹ درصد برخوردارند. حوزه سقز و بانه از انحراف ۵۶/۴+ درصدی برخوردار است و حوزه سنندج انحراف ۳۵/۲+ دارد (جدول ۴).



جدول ۴. میزان و درصد انحراف حوزه‌های انتخابیه استان کردستان از میانگین ۱۵۰,۰۰۰ نفر در قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۶۶/۰۱/۳۰)

نام حوزه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	جمعیت حوزه انتخابیه	تعداد نماینده	نسبت تعداد نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس (۱۵۰,۰۰۰ نفر)	درصد انحراف از مقیاس (۱۵۰,۰۰۰ نفر)
سنندج	شهرستان سنندج شامل شهر سنندج، بخش مرکزی، بخش میرانشاه، بخش کامیاران.	سنندج	۴۰۵,۸۰۱	۲ نفر	۲۰۲,۹۰۰	+ ۵۲,۹۰۰	+ ۳۵/۲
سقز و بانه	۱- شهرستان سقز، شامل شهر سقز، بخش مرکزی. ۲- شهرستان بانه شامل شهر بانه، بخش مرکزی، بخش نمشیر، بخش آلوت، بخش نور.	سقز	۲۳۴,۶۷۶	۱ نفر	۲۳۴,۶۷۶	+ ۸۴,۶۷۶	+ ۵۶/۴
مریوان	شهرستان مریوان شامل شهر مریوان، بخش مرکزی، بخش کلاترزان، بخش سرشیو، بخش سروآباد، بخش خاو و میرآباد.	مریوان	۱۵۲,۸۱۳	۱ نفر	۱۵۲,۸۱۳	+ ۲,۸۱۳	+ ۱/۸
بیجار	شهرستان بیجار شامل شهر بیجار، بخش مرکزی.	بیجار	۱۱۴,۵۷۳	۱ نفر	۱۱۴,۵۷۳	- ۳۵,۴۲۷	- ۲۳/۶
قروه	شهرستان قروه شامل شهر قروه، بخش مرکزی، بخش ثیلاق	قروه	۱۷۰,۵۳۵	۱ نفر	۱۷۰,۵۳۵	+ ۲۰,۵۳۵	+ ۱۳/۶

مأخذ: همان.

همچنین به‌منظور بهتر نشان دادن عدم تعادل جمعیتی حوزه‌های انتخابیه در قانون مصوب سال ۱۳۶۶ از ۳ استان اصفهان، آذربایجان شرقی و کرمان به‌صورت تصادفی سه حوزه انتخاب و درصد انحراف آنها محاسبه شده است (جدول ۵). که نشان‌دهنده وضعیت نامناسب حوزه‌های انتخابیه در این قانون به‌لحاظ تأمین برابری حق رأی‌دهی است.

جدول ۵. میزان و درصد انحراف برخی حوزه‌های انتخابیه در ۳ استان منتخب از میانگین ۱۵۰,۰۰۰ نفر در قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۶۶/۰۱/۳۰)

نام حوزه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	جمعیت حوزه انتخابیه	تعداد نماینده	نسبت تعداد نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس ۱۵۰,۰۰۰ نفر	درصد انحراف از مقیاس ۱۵۰,۰۰۰ نفر
استان اصفهان							
سمیرم	شهرستان سمیرم شامل شهر سمیرم، بخش مرکزی.	سمیرم	۶۴,۰۶۷	۱	۶۴,۰۶۷	- ۴۹,۰۰۶	- ۵۷/۲
فریدن و فریدون شهر	۱. شهرستان فریدن شامل شهر داران، بخش مرکزی، بخش چادگان. ۲. شهرستان فریدونشهر شامل شهر فریدونشهر، بخش مرکزی.	داران	۱۹۳,۸۲۸	۱	۱۹۳,۸۲۸	+ ۴۳,۸۲۸	+ ۲۹/۲
لنجان	شهرستان لنجان شامل شهر زرین‌شهر، بخش مرکزی، بخش مبارکه	زرین‌شهر	۲۶۲,۴۷۷	۱	۲۶۲,۴۷۷	+ ۱۱۲,۴۷۷	+ ۷۴
استان آذربایجان شرقی							
تبریز	شهرستان تبریز شامل بخش مرکزی بخش اسکو، بخش آذرشهر.	تبریز	۱,۵۲۷,۲۹۱	۶ نفر	۲۵۴,۵۴۸	+ ۱۰۴,۵۴۸	+ ۶۹/۹
میانه	شهرستان میانه شامل شهر میانه، بخش مرکزی، بخش ترکمان، بخش کاغذکنان.	میانه	۲۴۳,۳۰۰	۲ نفر	۱۲۱,۶۵۰	- ۲۸,۳۵۰	- ۱۸/۹
ورزقان	بخش ورزقان	ورزقان	۹۵,۶۲۹	۱ نفر	۹۵,۶۲۹	- ۵۴,۳۷۱	- ۳۶/۲
استان کرمان							
کرمان	شهرستان کرمان شامل شهر کرمان، بخش مرکزی، بخش ماهان، بخش شهداد، بخش گلپاف، بخش راور.	کرمان	۴۰۷,۷۴۳	۲ نفر	۲۰۳,۸۷۱	+ ۵۳,۸۷۱	+ ۳۵/۹
کهنوج	شهرستان کهنوج شامل شهر کهنوج، بخش مرکزی، بخش رودبار، بخش منوجان، بخش قلعه گنج.	کهنوج	۱۸۰,۷۷۸	۱ نفر	۱۸۰,۷۷۸	+ ۳۰,۷۷۸	+ ۲۰/۵
بافت	شهرستان بافت شامل شهر بافت، بخش مرکزی، بخش رابر.	بافت	۱۱۸,۹۷۶	۱ نفر	۱۱۸,۹۷۶	+ ۳۱,۰۲۴	- ۲۰/۶

مأخذ: همان.

شایان ذکر است که در سال ۱۳۶۶، جمعیت کشور ۴۹,۴۴۵,۰۱۰ نفر بوده است. که بدین معناست که به هر ۱۸۶,۵۸۵ نفر یک نماینده تعلق می‌گرفت و درواقع با رعایت حدنصاب ۱۵۰ هزارنفر باید کشور ۳۲۹ نماینده داشته باشد.

با وجود اینکه از مجلس پنجم توجه به عامل جمعیت در حوزه‌بندی بیشتر شد، اما قانون مصوب سال ۱۳۷۸ نیز نتوانست از لحاظ عامل جمعیت یک حوزه‌بندی عادلانه را به ارمغان آورد. این قانون ۲۰ نفر به تعداد نمایندگان کشور اضافه کرد. میزان و درصد انحراف حوزه‌هایی که طبق این قانون مشمول افزایش نماینده شد در جدول ۶ بررسی شده است که حاکی از عدم تحقق عدالت به‌لحاظ برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه است. در میان حوزه‌هایی که مشمول افزایش نماینده شدند، پس از



اعمال تغییرات، ۶ حوزه از انحراف زیر ۱۰ درصد برخوردار هستند، ۲ حوزه از انحراف بین ۱۰ تا ۲۰ درصد برخوردارند، ۱۴ حوزه از انحراف بین ۲۰ تا ۵۰ درصد، ۷ حوزه از انحراف ۵۰ تا ۱۰۰ درصد و ۲ حوزه از انحراف بالای ۱۵۰ درصد برخوردار هستند. در نتیجه تغییرات اعمال شده توسط این قانون حوزه انتخابیه کرج با انحراف ۱۷۶/۴+ درصد، از بیشترین درصد انحراف برخوردار است.

جدول ۶. میزان و درصد انحراف حوزه‌های انتخابیه مشمول افزایش نماینده از میانگین «هر ۲۱۰,۰۰۰ نفر یک نماینده» در قانون اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها (مصوب ۱۳۷۸/۰۸/۱۲)

نام حوزه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	جمعیت حوزه انتخابیه	تعداد نماینده	نسبت تعداد نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس ۲۱۰,۰۰۰ (نفر)	درصد انحراف
استان تهران							
شهریار	شهر شهریار و بخش‌های مرکزی و قدس	شهریار	۵۳۳,۸۳۲	۱ نفر	۵۳۳,۸۳۲	+ ۳۲۳,۹۳۲	+ ۱۵۴/۲
رباط کریم	شهر رباط کریم و بخش‌های مرکزی و گلستان	رباط کریم	۳۲۰,۸۱۰	۱ نفر	۳۲۰,۸۱۰	+ ۱۱۰,۸۱۰	+ ۵۲/۷
کرج	شهر کرج، بخش مرکزی، بخش اشتهارد	کرج	۱,۱۶۱,۱۶۱	۲ نفر	۵۸۰,۵۸۰	+ ۳۷۰,۵۸۰	+ ۱۷۶/۴
ورامین	ورامین و بخش‌های مرکزی، جواد آباد و پیشوا	ورامین	۴۱۳,۱۳۰	۱ نفر	۴۱۳,۱۳۰	+ ۲۰۳,۱۳۰	+ ۹۶/۷
پاکدشت	شهر پاکدشت و بخش‌های مرکزی و شریف آباد	پاکدشت	۱۶۴,۸۳۴	۱ نفر	۱۶۴,۸۳۴	- ۴۵,۱۶۶	- ۲۱/۵
استان قم							
قم	شهرستان قم شامل شهر قم، بخش مرکزی، بخش کهک، بخش جعفر آباد، بخش خلجستان	قم	۸۵۳,۰۴۴	۳ نفر	۲۸۴,۳۴۸	+ ۷۴,۳۴۸	+ ۳۵/۴
استان خراسان							
بیرجند ^۱	شهر بیرجند، بخش مرکزی و بخش‌های خوسف و درمیان	بیرجند	۲۵۰,۹۵۹	۱ نفر	۲۵۰,۹۵۹	+ ۴۰,۹۵۹	+ ۱۹/۵
نهبندان و سربیشه ^۲	شهر نهبندان، بخش مرکزی و بخش‌های سربیشه و خوسف	نهبندان	۶۸,۹۱۹	۱ نفر	۶۸,۹۱۹	- ۱۴۱,۰۸۱	- ۶۷/۱
استان اصفهان							
لنجان	شهر زرین شهر و بخش‌های مرکزی و باغ بهادران	زرین شهر	۲۰۷,۲۷۰	۱ نفر	۲۰۷,۲۷۰	- ۲,۷۳۰	- ۱/۳
مبارکه	شهر مبارکه و بخش مرکزی	مبارکه	۱۱۹,۷۲۹	۱ نفر	۱۱۹,۷۲۹	- ۹۰,۲۷۱	- ۴۲/۹
استان آذربایجان شرقی							
بناب	شهر بناب، بخش مرکزی	بناب	۱۱۲,۹۸۵	۱ نفر	۱۱۲,۹۸۵	- ۹۷,۰۱۵	- ۴۶/۱
ملکان	شهر ملکان، بخش‌های مرکزی و لیلان	ملکان	۹۴,۵۶۷	۱ نفر	۹۴,۵۶۷	- ۱۱۵,۴۳۳	- ۵۴/۹

۱. جمعیت شهرستان بیرجند ۲۷۶,۸۱۳ نفر است که جمعیت بخش سربیشه (۲۵۸۵۴ نفر) باید از آن کسر شود.

۲. جمعیت شهرستان نهبندان ۴۳۰,۶۵ نفر است که جمعیت بخش سربیشه (۲۵۸۵۴ نفر) باید به آن اضافه شود.

نام حوزه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	جمعیت حوزه انتخابیه	تعداد نماینده	نسبت تعداد نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس (۲۱۰,۰۰۰ نفر)	درصد انحراف از مقیاس (۲۱۰,۰۰۰ نفر)
استان اردبیل							
گرمی	شهر گرمی و بخش مرکزی انگوت	گرمی	۱۰۳,۷۳۲	۱ نفر	۱۰۳,۷۳۲	- ۱۰۶,۲۶۸	- ۵۰/۶
پارس آباد و بيله سوار	شهرستان‌های پارس آباد شامل شهر پارس آباد ، بخش‌های مرکزی و اصلاندوز ، بيله سوار شامل شهر بيله سوار و بخش‌های مرکزی و قشلاق دشت	پارس آباد و بيله سوار	۱۹۶,۴۸۶	۱ نفر	۱۹۶,۴۸۶	- ۱۳,۵۱۴	- ۶/۴
استان خوزستان							
اندیمشک	شهر اندیمشک، بخش‌های مرکزی و الوار گرمسیری	اندیمشک	۱۵۵,۵۹۴	۱ نفر	۱۵۵,۵۹۴	- ۵۴,۴۰۶	- ۲۵/۹
شوش	شهر شوش، بخش‌های مرکزی و شاور	شوش	۱۷۳,۲۳۲	۱ نفر	۱۷۳,۲۳۲	- ۳۶,۷۶۸	- ۱۷/۵
استان مازندران							
بابل	شهرستان بابل شامل شهر بابل، بخش مرکزی.	بابل	۴۲۱,۰۶۸	۲ نفر	۲۱۰,۵۳۴	+ ۵۳۴	+ ۰/۲۵
استان گلستان							
گرگان	شهرستان گرگان شامل شهر گرگان، بخش مرکزی	گرگان	۴۲۱,۷۷۰	۲ نفر	۲۱۰,۸۸۵	+ ۸۸۵	+ ۰/۴۲
استان فارس							
شیراز	شهرستان شیراز شامل شهر شیراز، بخش مرکزی، بخش زرقان، بخش ارژن	شیراز	۱,۲۷۱,۳۹۵	۴ نفر	۳۱۷,۸۴۹	+ ۱۰۷,۸۴۹	+ ۵۱/۳
استان هرمزگان							
بندرعباس، قشم، ابوموسی و حاجی آباد	۱- شهرستان بندرعباس شامل شهر بندرعباس، بخش مرکزی، بخش بندر خمیر، بخش فین. ۲- شهرستان قشم شامل شهر قشم، بخش مرکزی، بخش شهاب. ۳- شهرستان ابوموسی، شامل شهر ابوموسی. بخش مرکزی، بخش تنب.	بندرعباس	۴۹۶,۳۳۴	۳ نفر	۱۶۵,۴۴۵	- ۴۴,۵۵۵	- ۲۱/۲
استان سیستان و بلوچستان							
زاهدان	شهرستان زاهدان شامل شهر زاهدان، بخش مرکزی.	زاهدان	۴۳۰,۷۰۱	۲ نفر	۲۱۵,۳۵۰	+ ۵,۳۵۰	+ ۲/۵
استان لرستان							
بروجرد	شهرستان بروجرد شامل شهر بروجرد، بخش مرکزی، بخش اشترینان	بروجرد	۳۱۶,۰۱۴	۲ نفر	۱۵۸,۰۰۷	- ۵۱,۹۹۳	- ۲۴/۷
استان یزد							
تفت و میبد ^۱	شهرستان میبد، شهرستان تفت	تفت	۱۱۵,۷۴۴	۱ نفر	۱۱۵,۷۴۴	- ۹۴,۲۵۶	- ۴۴/۸
باقی و مهریز و ابرکوه	شهرستان بافق، شهرستان مهریز، شهرستان ابرکوه	مهریز	۱۵۶,۶۵۴	۱ نفر	۱۵۶,۶۵۴	- ۵۳,۳۴۶	- ۲۵/۴

۱. با جدا شدن شهرستان میبد از حوزه اردکان، جمعیت حوزه اردکان ۶۱,۸۰۲ نفر شد که انحراف بالایی را نشان می‌دهد.



نام حوزه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	جمعیت حوزه انتخابیه	تعداد نماینده	نسبت تعداد نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس (۲۱۰,۰۰۰ نفر)	درصد انحراف از مقیاس (۲۱۰,۰۰۰ نفر)
استان بوشهر							
دشتی و تنگستان	شهرستان‌های دشتی، شهر خور موج و بخش‌های مرکزی و کاکي و شهرستان تنگستان شامل شهر اهرم و بخش‌های مرکزی و دلوار	خور موج	۲۷۸,۹۸۴	۱ نفر	۲۷۸,۹۸۴	+ ۶۸,۹۸۴	+ ۳۲/۸
دیر و کنگان	شهر بندر دیر و بخش‌های مرکزی و بخش برد خون و شهرستان کنگان شامل شهر بندر کنگان و بخش‌های مرکزی و جم و ریز	بندر کنگان	۱۲۰,۳۰۴	۱ نفر	۱۲۰,۳۰۴	- ۸۹,۶۹۶	- ۴۲/۷
استان چهارمحال و بختیاری							
بروجن	شهر بروجن و بخش‌های مرکزی و گندمان	بروجن	۱۰۴,۴۸۵	۱ نفر	۱۰۴,۴۸۵	- ۱۰۵,۵۱۵	- ۵۰/۲
لردگان	شهر لردگان و بخش‌های مرکزی، فلارد و خانمیرزا	لردگان	۱۴۳,۵۳۲	۱ نفر	۱۴۳,۵۳۲	- ۶۶,۴۶۸	- ۳۱/۶
استان ایلام							
ایلام، شیروان و چرداول، ایوان و مهران ^۱	شهرستان ایلام؛ شهرستان شیروان و چرداول؛ شهرستان ایوان؛ شهرستان مهران.	ایلام	۳۳۴,۴۳۴	۲ نفر	۱۶۷,۲۱۷	- ۴۲,۷۸۳	- ۲۰/۳
استان کهگیلویه و بویراحمد							
کهگیلویه	شهر دهدشت و بخش‌های مرکزی، لنده، بهمئی، چرام، چاروسا و دیشموک	دهدشت	۲۰۶,۶۰۲	۱ نفر	۲۰۶,۶۰۲	- ۳,۳۹۸	- ۱/۶
گچساران	شهر دو گنبدان و بخش‌های مرکزی و باشت	گچساران	۱۲۵,۴۹۱	۱ نفر	۱۲۵,۴۹۱	- ۸۴,۵۰۹	- ۴۰/۲

مأخذ: همان.

با توجه به گذشت ۲۱ سال از تصویب این قانون و افزایش جمعیت کشور و نیز برخی حوزه‌ها، عدم برابری جمعیت و عدم برابری حق رأی‌دهی بیشتر شده است و امروز وضعیت بغرنجی بر آخرین جدول حوزه‌های انتخابیه از منظر تعداد نمایندگان حوزه‌ها نسبت به جمعیت وجود دارد که نیازمند بررسی در قالب یک گزارش متمایز است. در ادامه به عامل جغرافیا پرداخته می‌شود.

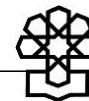
۱. جمعیت حوزه انتخابیه دهلران، مهران، دره‌شهر و آبدانان براساس سرشماری ۱۳۷۵، ۲۰۱,۴۳۲ نفر بود که انحراف کمی از میانگین ۲۱۰ هزار نفر داشت. اما با انتزاع شهرستان مهران (با ۴۶۹۸۱ نفر جمعیت) از این حوزه و پیوستن به حوزه ایلام، شیروان و چرداول، و ایوان جمعیت حوزه ایلام ... ۱۵۴۴۵۲ نفر شد که کمتر از میانگین مد نظر بوده است.

ب) عامل جغرافیا

در قانون مصوب شورای انقلاب، دو مورد عدم رعایت مرزهای سیاسی در سطح استان و موارد بسیاری از عدم رعایت مرزها در سطح شهرستان، بخش و دهستان وجود داشت. در قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۶۶/۰۱/۳۰) هرچند وزارت کشور، اولویت را تبصره «۲» ماده (۱۴) قانون تقسیمات کشوری جهت تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه بر محدوده شهرستان‌ها قرار داد، اما قانون تصویب شده نه تنها موفق به رفع کامل عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخاباتی با مرزهای تقسیماتی در سطح شهرستان نشد، بلکه بر مشکلات موجود در این زمینه افزود. شایان ذکر است که برخی از عدم تطابق‌ها در این زمینه محصول تصمیمات کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور بوده است و در لایحه تقدیمی دولت وجود نداشت. کمیسیون مذکور در چنین مواردی برای توجیه عدم تطابق مرزهای حوزه‌ها با مرزهای سطح شهرستان گاه به عامل جمعیت حوزه و گاه به فاصله و عوارض جغرافیایی استناد می‌کرد.

در فرایند تصویب این قانون با وجود تأکید مخبر کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور مبنی بر اینکه در مورد انتزاع و الحاق برخی نقاط از یک استان به استان دیگر مبنای عمل کمیسیون این بوده که در مطالعات تقسیماتی مطالعه و پیش‌بینی انتزاع و الحاق نقطه مذکور صورت گرفته باشد و در این مورد فقط یک نقطه وجود دارد که وزارت کشور تصمیم به انتزاع و الحاق آن دارد، اما در نهایت در قانون مصوب در ۳ مورد مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای اداری در سطح استان تطابق نداشت. برای مثال تاش و شاه‌کوه که از لحاظ تقسیمات کشوری جزء شهرستان گرگان در استان مازندران بود در مصوبه کمیسیون در حوزه انتخابیه شاهرود (در استان سمنان) قرار گرفت در حالی که در لایحه دولت جزء حوزه انتخابیه گرگان بود. این نحوه ترسیم مرزها مورد اعتراض نماینده گرگان قرار گرفت و وزارت کشور نیز مخالف این نحوه ترسیم بود، اما کمیسیون با استناد به عارضه جغرافیایی، استدلال کرد که در گذشته برای رأی‌گیری در این دو روستا از گرگان، از هلی‌کوپتر استفاده می‌شده و بهتر است که در حوزه‌ای قرار گیرد که با ماشین برای اخذ رأی بروند (رجوع شود به پاورقی ص ۱۶).

ازجمله عدم تطابق مرزها در سطح شهرستان بخش نصرت‌آباد و میرجاوه بود که به لحاظ تقسیمات کشوری متعلق به شهرستان زاهدان بوده و در حالی که پیشنهاد دولت در لایحه الحاق بخش نصرت‌آباد و بخش میرجاوه به زاهدان بود، اما طبق تصمیم کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور آنها حوزه خاش (شهرستان خاش) قرار گرفتند. نماینده زاهدان با استناد به رعایت تقسیمات کشوری در سطح شهرستان و فاصله جغرافیایی کمتر این دو بخش با زاهدان، خواستار بازگرداندن این دو بخش به حوزه انتخابیه زاهدان بود که در این مورد مخبر کمیسیون با اشاره به کم بودن جمعیت حوزه انتخابیه خاش با این پیشنهاد مخالفت کرد (رجوع شود به پاورقی ص ۱۷).



از جمله عدم رعایت مرزها در سطح بخش، دهستان‌های قجق و قان یخمز شرقی و غربی متعلق به بخش مرکزی گنبد بود که در لایحه دولت در حوزه گنبدکاووس قرار داشت. اما در گزارش کمیسیون این دهستان‌ها در حوزه انتخابیه رامیان قرار گرفت. با وجود اعتراض نماینده حوزه مذکور مبنی بر لزوم رعایت تقسیمات کشوری و نیز فاصله خیلی کم این دهستان‌ها با گنبد، در نهایت این دهستان‌ها طبق رأی نمایندگان در حوزه انتخابیه رامیان قرار گرفت (رجوع شود به پاورقی ص ۱۶).

بنابراین در حالی که مجلس و دولت تلاش داشتند در راستای عمل به تبصره «۲» ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مرزهای حوزه‌های انتخابیه را بر مرزهای تقسیمات کشوری در سطح شهرستان منطبق کنند، در قانون مصوب فروردین ۱۳۶۶، عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای تقسیماتی در اکثر استان‌های کشور باقی ماند. طبق گفته معاون وزارت کشور در دوره سوم، از ۱۹۶ حوزه انتخابیه کشور، تنها ۹۶ حوزه کاملاً بر مرزهای تقسیماتی سطح شهرستان تطابق داشت.^۱ در این میان برخی شهرستان‌ها به ۴ حوزه مجزا تقسیم شد. برای مثال در استان همدان، شهرستان همدان به ۴ حوزه مجزا (همدان، بهار، اسدآباد، رزن) تقسیم شد و در استان لرستان شهرستان خرم‌آباد به ۴ حوزه مجزا (خرم‌آباد، دلفان و الشتر، ملای، کوه‌دشت و دوره چگینی) تقسیم شد.

قانون اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه، مصوب ۱۳۷۴/۰۹/۲۲، با اعمال ۹ مورد اصلاح مرزها، مسئله عدم تطابق با تقسیمات کشوری را تا حدودی حل کرد. همچنین قانون اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها (مصوب ۱۳۷۸/۰۸/۱۲) مسئله عدم تطابق با مرزهای تقسیماتی در سطح شهرستان را در برخی حوزه‌های انتخاباتی حل کرد، اما در عین حال در این قانون نیز به لحاظ عامل جغرافیایی برخی مشکلات به حوزه‌های انتخابیه اضافه شد. برای مثال با تفکیک حوزه انتخابیه اردکان و میبد، شهرستان میبد به حوزه تفت الحاق شد، در حالی که بین تفت و میبد شهرستان یزد و صدوق قرار داشت، درواقع طبق این قانون حوزه انتخابیه‌ای تشکیل شد که میان نقاط جزء آن پیوستگی جغرافیایی وجود ندارد.

همچنین پس از انقلاب توجه به عوارض جغرافیایی یا فاصله جغرافیایی در حوزه‌بندی سبب ایجاد برخی معضل‌های دیگر مانند عدم تطابق با مسئله مرزهای اداری یا عدم رعایت برابری جمعیتی حوزه‌های انتخابیه شده است.

۱. محمدحسین رضائی (معاون وزارت کشور) بیان کرد «از ۱۹۶ حوزه انتخاباتی، ۹ حوزه، تشکیل شده از یک شهرستان و قسمت دیگری از یک شهرستان دیگر بود. ۲۷ حوزه از چند بخش تشکیل می‌شد که شهرستانی در آن نبود، در ۱۲ حوزه علاوه بر یک شهرستان، یک شهرستان دیگر هم لازم دارد، ۲۲ حوزه داریم که از چند شهرستان تشکیل شده، ۹۶ تا حوزه هم داریم که کاملاً بر مسائل تقسیماتی تطابق دارد» (مشروح مذاکرات سومین دوره مجلس شورای اسلامی، جلسه ۳۸۰، ۱۲ مرداد ۱۳۶۹).

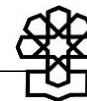
۴-۲. مشارکت مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه

پس از انقلاب اسلامی ایران نیز همانند گذشته، سازوکاری برای دخالت مستقیم مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه شکل نگرفت. با این حال مانند دوره مشروطه اعتراض‌های مردم نسبت به حوزه‌بندی موجود و درخواست‌های آنها اغلب در شکل طومار و شکوائیه از طریق نمایندگان مردم در مجلس ارائه شده است.

در پایان باید گفت با وجود اینکه پس از انقلاب اسلامی ایران، نمایندگان در ادوار مختلف در نطق‌های خود، تذکرات کتبی به دولت و ... همواره معترض وضعیت جدول حوزه‌بندی انتخابات مجلس بوده‌اند و با وجود تلاش‌های فراوان برای اصلاح جدول مذکور، به دلیل نواقص حاکم بر چهار مسئله مرتبط با حوزه‌بندی انتخاباتی (نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌ها، علت اصلاح مرزها، معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌ها و مشارکت مردم)، هرچه تلاش‌ها برای اصلاح جدول مذکور و یا تغییر نظام حوزه‌بندی انتخابات نسبت به دوره‌های قبل بیشتر شده است، کمتر نتیجه حاصل شده است (جدول ۷).

جدول ۷. طرح‌ها و لوایح پیشنهاد شده به مجلس شورای اسلامی در زمینه اصلاح نظام حوزه‌بندی انتخابات یا اصلاح مرزها و تعداد نمایندگان حوزه‌های انتخابیه پس از انقلاب اسلامی ایران

دوره	عنوان پیشنهاد	نتیجه
دوره اول (خرداد ۱۳۵۹ - خرداد ۱۳۶۳)	۱. لایحه انتخابات	تصویب به صورت قانون
دوره دوم (خرداد ۱۳۶۳ تا خرداد ۱۳۶۷)	۱. لایحه محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی	تصویب به صورت قانون
دوره سوم (خرداد ۱۳۶۷ - خرداد ۱۳۷۱)	۱. طرح «اصلاح تبصره ذیل قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی»	رد کلیات
	۲. «طرح قانونی اصلاح مواد از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و الحاق مواد به آن»	مسکوت
	۳. «لایحه ماده‌واحد قانون تأثیر تغییرات تقسیمات کشوری در محدوده حوزه‌های انتخابیه»	عدم حصول نتیجه
	۴. «طرح ماده‌واحد قانون میزان تأثیر تقسیمات کشوری در محدوده حوزه‌های انتخاباتی»	تصویب به صورت قانون
دوره چهارم (خرداد ۱۳۷۱ تا خرداد ۱۳۷۵)	۱. «طرح اصلاح حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی»	رد کلیات
	۲. «طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی»	عدم تأیید شورای نگهبان
	۳. «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه»	تصویب به صورت قانون
دوره پنجم (خرداد ۱۳۷۵ - خرداد ۱۳۷۹)	۱. «طرح استانی‌شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی»	عدم حصول نتیجه
	لایحه اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی	تصویب به صورت قانون
دوره ششم (خرداد ۱۳۷۹ - خرداد ۱۳۸۳)	۱. طرح استانی‌شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی	عدم تأیید شورای نگهبان
	۱. «طرح آزمایشی استانی‌شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی در دوره هشتم در برخی از استان‌های کشور»	عدم حصول نتیجه
دوره هفتم (خرداد ۱۳۸۳ - خرداد ۱۳۸۷)	۲. «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه با قید دو فوریت»	عدم حصول نتیجه



دوره	عنوان پیشنهاد	نتیجه
دوره هشتم (خرداد ۱۳۸۷ - خرداد ۱۳۹۱)	۳. «طرح تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه و اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی»	عدم حصول نتیجه
	۱. «طرح تغییر نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی»	عدم حصول نتیجه
	۲. «لایحه اصلاح جداول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها»	عدم حصول نتیجه
	۳. «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها»	رد کلیات
دوره نهم (خرداد ۱۳۹۱ - خرداد ۱۳۹۵)	۱. «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها» (با شماره ثبت ۴۳)	مسترد شدن طرح
	۲. «طرح اصلاح قانون تعیین محدوده‌های حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی» (با شماره ثبت ۴۵۳)	عدم حصول نتیجه
	۳. «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها» (شماره ثبت ۵۲۸)	عدم حصول نتیجه
	۴. «طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه انتخابات مجلس شورای اسلامی» با قید یک فوریت (با شماره ثبت ۵۳۲)	عدم تأیید توسط شورای نگهبان
دوره دهم (خرداد ۱۳۹۵ - خرداد ۱۳۹۹)	۱. طرح تفکیک حوزه انتخابیه میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب» (با شماره ثبت ۱۳۵ و شماره چاپ ۱۵۰)	تصویب به صورت قانون با تغییر عنوان
	۲. طرح «اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها» (به شماره ثبت ۲۱۷)	رد کلیات
	۳. طرح «اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها» (به شماره ثبت ۲۲۸)	
	۴. طرح «افزایش حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی» (با شماره ثبت ۲۶۳)	
	۵. «طرح اصلاح قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی» (به شماره ثبت ۳۸۱)	رد در کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها

مأخذ: همان.

نتیجه‌گیری

در نظام‌های انتخاباتی، ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و تغییر و اصلاح آنها طی زمان فرایندی بسیار پراهمیت و در عین حال بسیار پیچیده و حساس است. بررسی نظام حوزه‌بندی انتخاباتی پس از انقلاب اسلامی ایران از منظر الزامات ساختار رسمی و مجموعه قوانین مرتبط با ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه (نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه، علت/علل اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه، معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و چگونگی مشارکت مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه) نشانگر نقایصی جدی است. مهم‌ترین موارد عبارتند از:

۱. در حالی‌که در بسیاری از کشورها مسئولیت ترسیم اولیه مرزهای حوزه‌های انتخابیه برعهده کمیسیون‌های انتخابات یا کمیسیون‌های ویژه‌ای است که با هدف ترسیم مرزهای انتخاباتی ایجاد

شده‌اند و دربرگیرنده افراد غیرحزبی، بی‌طرف و متخصص در رشته‌های مدیریت انتخابات، جغرافیا و آمار هستند؛ در جمهوری اسلامی ایران نهاد مسئول طراحی اولیه مرزهای حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در قانون تعیین نشده (به‌استثنای قانون اصلاح تبصره «۳» ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری و الحاق یک تبصره به آن، که دولت را مکلف به ارائه لایحه قانونی محدوده حوزه‌های انتخاباتی ظرف مدت یک سال می‌کرد) است. طراحی اولیه مرزهای حوزه‌های انتخابیه یا توسط دولت در قالب ارائه لایحه انجام می‌شود و یا توسط نمایندگان مجلس؛ که بدین معناست که نهاد مسئول ترسیم طرح اولیه مرزهای حوزه‌های انتخابیه، مستقل، غیرحزبی و بی‌طرف نیست. از این رو همواره امکان تخطی از معیارهای تعیین شده برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه وجود دارد.

۲. رایج‌ترین معیار برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه عامل «برابری جمعیت» حوزه‌های انتخابیه است. در این زمینه مشخص شدن دو مسئله در قوانین انتخاباتی ضروری است. اول تعیین حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده و دوم تعیین میزان مجاز انحراف از حدنصاب مذکور. پس از انقلاب اسلامی ایران، اصل شصت و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، قید ۱۵۰ هزار نفر جمعیت را بدین منظور تعیین کرد. اما با بازنگری در اصل شصت و چهارم قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ قید ۱۵۰ هزار نفر حذف شد و به‌جای عامل جمعیت، «عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها» به‌عنوان معیار حوزه‌بندی تعیین شد. پس از گذشت ۳۱ سال از بازنگری در قانون اساسی، تعریف عملیاتی از عوامل انسانی، سیاسی و جغرافیایی و تعیین شاخص‌های دقیق و قابل سنجش برای عوامل مذکور و مشخص کردن وزن و سهم هر کدام از آنها در ترسیم مرزهای حوزه‌ها، اصلاح آنها طی زمان و افزایش نمایندگان توسط قانون عادی صورت نگرفته است که این وضعیت امر اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه و افزایش نمایندگان مجلس طبق اصل شصت و چهارم قانون اساسی را با چالش اساسی مواجه کرده است.

۳. پس از انقلاب اسلامی مردم دخالت مستقیمی در فرایند ترسیم حوزه‌های انتخابیه نداشته‌اند. نتیجه نواقص فوق بی‌عدالتی و تبعیض آشکاری است که در حوزه‌بندی کنونی و نحوه توزیع کرسی‌های مجلس شورای اسلامی وجود دارد. از این رو اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی ضروری است. اما مهم‌تر و قبل از آن اصلاح نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی ضروری است.

پیشنهادهای

پیشنهاد می‌شود نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی در قالب یک قانون مجزا با محورهای ذیل اصلاح شود:

- تعیین نهاد مسئول ترسیم طرح اولیه مرزهای حوزه‌های انتخاباتی با ویژگی‌های مستقل، بی‌طرف و غیرحزبی بودن؛



- تعیین شاخص‌های دقیق و قابل سنجش برای معیارهای مندرج در اصل شصت و چهارم قانونی اساسی (عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها) و همچنین مقتضیات اجتناب‌ناپذیر مندرج در بند «۱» سیاست‌های کلی انتخابات و تعیین وزن و سهم هر کدام از آنها در حوزه‌بندی انتخابات؛ تعیین حدنصاب جمعیتی برای داشتن یک نماینده و تعیین میزان/درصد مجاز انحراف از حدنصاب مذکور؛
- تعیین دوره زمانی برای بازنگری و بازترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه؛
- تعیین سازوکاری برای مشارکت مردم در طراحی اولیه مرزهای حوزه‌های انتخاباتی.

پیوست‌ها

پیوست ۱. جدول حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران منضم به

«قانون انتخابات مجلس شورای ملی کشور جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷

ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
تهران				
۱	تهران و شمیران	بخش‌های مرکزی - کن و بخش‌های مرکزی - کهریزک و فشافویه، ری و بخش‌های مرکزی رودبار قصران، شمیران و لواسانات	تهران	۳۰
۲	کرج	بخش مرکزی - بخش ساوجبلاغ - بخش طالقان	کرج	۲
۳	شهریار	بخش شهریار و اشتهراد	شهریار	۱
۴	دماوند	بخش‌های مرکزی - فیروزکوه	دماوند	۱
۵	ورامین	بخش‌های مرکزی جوادآباد و پلشت	ورامین	۱
استان مرکزی				
۶	اراک	اراک و بخش مرکزی و بخش وفس (کميجان)	اراک	۲ نفر
۷	سربند	بخش سربند.	شازند	۱ نفر
۸	قم	قم و بخش مرکزی نوفل لوشاتو بخش خلجستان به‌استثنای روستاهای راهجرد غربی	قم	۲ نفر
۹	ساوه	ساوه و بخش مرکزی نوبران - زرد - خرقان - جعفرآباد.	ساوه	۱ نفر
۱۰	خمین	بخش مرکزی	خمین	۱ نفر
۱۱	محلات	بخش‌های مرکزی و دلیجان.	محلات	۱ نفر
۱۲	تفرش	تفرش و بخش‌های مرکزی فراهان و شهر آشتیان و بخش مرکزی آشتیان و روستاهای راهجرد غربی بخش خلجستان که عبارتند از: هزارآباد کردیجان - جریک آقاج - خوراک آباد - مزرعه نو - صالح آباد - سره رود - سمنان جرد - کدشک - ضراب زیرکان - ورسان - آمره - جوزه - موجان - سرخده - امیرآباد - شاره - فوجرد - رسگان.	تفرش	۱ نفر
استان خراسان				
۱۳	مشهد	شهر مشهد و بخش مرکزی	مشهد	۵ نفر
۱۴	فریمان	بخش‌های احمدآباد - فریمان - سرخس.	فریمان	۱ نفر
۱۵	طرقبه	بخش طرقبه و چناران	طرقبه	۱ نفر
۱۶	بیرجند	شهر بیرجند و بخش‌های مرکزی - خوسف - نهبندان.	بیرجند	۱ نفر
۱۷	قائنات	بخش‌های قائنات درمیان	قائن	۱ نفر
۱۸	سبزوار	سبزوار و بخش‌های مرکزی - داورزن - جغتای - ششتند.	سبزوار	۲ نفر
۱۹	تربت‌حیدریه	شهر تربت‌حیدریه و بخش‌های مرکزی و کدکن.	تربت‌حیدریه	۱ نفر
۲۰	خواف	بخش خواف و بخش رشتخوار.	خواف	۱ نفر
۲۱	نیشابور	نیشابور و بخش‌های مرکزی - زبرخان - تحت جلگه و سرولايت.	نیشابور	۲ نفر
۲۲	بجنورد	بجنورد و بخش مرکزی - بخش‌های جاجرم - مانه و سلمقان - جرگلان وراز و دهستان چناران	بجنورد	۲ نفر
۲۳	تربت‌جام	بخش‌های مرکزی و جنت‌آباد و شهر تایباد و بخش مرکزی باخزر	تربت‌جام	۱ نفر
۲۴	گناباد	گناباد و بخش‌های مرکزی و بجستان و فیض‌آباد	گناباد	۱ نفر
۲۵	کاشمر	کاشمر و بخش‌های مرکزی کوه‌سرخ - برداسکن - خلیل‌آباد	کاشمر	۱ نفر
۲۶	درگز	درگز و بخش‌های مرکزی - نوخندان - چاپشلو - لطف‌آباد - و بخش کلات مشهد.	درگز	۱ نفر
۲۷	قوچان	قوچان و بخش مرکزی و دهستان چری.	قوچان	۱ نفر
۲۸	شیروان	شیروان و بخش مرکزی و بخش باجگیران.	شیروان	۱ نفر
۲۹	اسفراین	اسفراین و بخش مرکزی و بخش‌های بام و صفی‌آباد - بخش و دهستان خرق بخش مرکزی قوچان	اسفراین	۱ نفر
۳۰	فردوس و طبس	فردوس و بخش‌های مرکزی و سرایان و بشرویه فردوس و بخش‌های مرکزی و دستگردان طبس.	فردوس	۱ نفر



ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
استان اصفهان				
۳۱	اصفهان	شهر اصفهان و دهستان جی و کرارج بخش مرکزی اصفهان.	اصفهان	۵ نفر
۳۲	ماربین	بخش ماربین.	همایونشهر	۱ نفر
۳۳	برخور	بخش‌های برخوار و میمه و دهستان‌های قهاب و برآن شمالی و جنوبی بخش مرکزی اصفهان.	دولت آباد	۱ نفر
۳۴	اردستان	اردستان و بخش مرکزی و بخش کوهپایه به‌طور کامل شامل دهستان کوهپایه، زفره-هرند-سگزی-تودشک-ورزنه و مشکنان	اردستان	۱ نفر
۳۵	نائین	نائین و بخش‌های مرکزی انارک - خور و بیابانک	نائین	۱ نفر
۳۶	شهرضا	شهرضا و بخش‌های مرکزی و جرقویه اصفهان	شهرضا	۱ نفر
۳۷	سمیرم	سمیرم و بخش مرکزی شهرستان سمیرم و بخش سمیرم سفلی شهرستان شهرضا	سمیرم	۱ نفر
۳۸	کاشان	کاشان و بخش‌های مرکزی آران	کاشان	۱ نفر
۳۹	نطنز	نطنز و بخش‌های مرکزی قمصر و جوشقان	نطنز	۱ نفر
۴۰	گلپایگان	بخش‌های مرکزی و خوانسار	گلپایگان	۱ نفر
۴۱	نجف‌آباد	نجف‌آباد و بخش مرکزی	نجف‌آباد	۱ نفر
۴۲	فریدن	فریدن و بخش‌های مرکزی فریدونشهر - چادگان	داران	۱ نفر
۴۳	لنجان	لنجان و بخش‌های مرکزی و مبارکه شهرستان لنجان	زرین‌شهر	۱ نفر
۴۴	فلاورجان	بخش فلاورجان	فلاورجان	۱ نفر
استان آذربایجان شرقی				
۴۵	تبریز	تبریز و بخش‌های مرکزی اسکو-هریس و آذرشهر به‌استثنای دهستان شورکات	تبریز	۶ نفر
۴۶	شبستر	بخش شبستر و دهستان شورکات بخش اسکو	شبستر	۱ نفر
۴۷	بستان‌آباد	بخش بستان‌آباد	بستان‌آباد	۱ نفر
۴۸	مراغه	مراغه و بخش‌های مرکزی و عجب‌شیر	مراغه	۱ نفر
۴۹	بناب	بخش‌های بناب و ملکان	بناب	۱ نفر
۵۰	اردبیل	شهر اردبیل و بخش‌های نیر و دهستان‌های فولادلو و سرعین و بخش نمین و دهستان‌های غربی و شرقی اطراف شهر	اردبیل	۳ نفر
۵۱	اهر	اهر و بخش مرکزی	اهر	۱ نفر
۵۲	کلیبر	بخش‌های کلیبر - خداآفرین و هوراند	کلیبر	۱ نفر
۵۳	ورزقان	بخش ورزقان	ورزقان	۱ نفر
۵۴	میانه	شهر میانه و بخش مرکزی و بخش ترکمان و بخش کاغذکنان	میانه	۲ نفر
۵۵	خلخال	خلخال و بخش‌های مرکزی شاه‌رود-سنجد-خورش‌رستم	خلخال	۱ نفر
۵۶	مشکین‌شهر	مشکین‌شهر و بخش مرکزی	مشکین‌شهر	۱ نفر
۵۷	مرند	مرند و بخش‌های مرکزی و جلفا	مرند	۱ نفر
۵۸	سراب	سراب و بخش مرکزی	سراب	۱ نفر
۵۹	هشترود	هشترود و بخش‌های مرکز و بخش چهاراویماق	آذران	۱ نفر
۶۰	مغان	بخش‌های مرکزی-پاسارگاد بيله‌سلوار	گرمی	۱ نفر
استان خوزستان				
۶۱	اهواز	اهواز و بخش مرکزی	اهواز	۳ نفر
۶۲	آبادان	آبادان و بخش‌های مرکزی و اروندکنار	آبادان	۳ نفر
۶۳	خرمشهر	شهر خرمشهر و بخش‌های شادگان - مینو - و بخش مرکزی خرمشهر	خرمشهر	۲ نفر
۶۴	دزفول	دزفول و بخش‌های مرکزی و سردشت	دزفول	۱ نفر
۶۵	اندیمشک	بخش‌های اندیمشک و شوش	اندیمشک	۱ نفر
۶۶	مسجدسلیمان	مسجدسلیمان و بخش‌های مرکزی و اندیکا	مسجدسلیمان	۱ نفر
۶۷	رامهرمز	رامهرمز و بخش‌های مرکزی رامشیر و بخش هفتگل مسجد سلیمان	رامهرمز	۱ نفر
۶۸	ایذه	ایذه و بخش‌های مرکزی - دهدژ - جانکی	ایذه	۱ نفر
۶۹	بندرماهشهر	بندر ماه‌شهر و بخش‌های مرکزی - بندر خمینی- هنديجان و خارك	بندر ماه‌شهر	۱ نفر

ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
۷۰	دشت آزادگان	دشت آزادگان و بخش‌های مرکزی - هوزگان - بستان	سوسنگرد	۱ نفر
۷۱	شوشتر	شوشتر و بخش‌های مرکزی و گتوند	شوشتر	۱ نفر
۷۲	بهبهان	شهر بهبهان و بخش‌های مرکزی - آغاچاری و زیدون	بهبهان	۱ نفر
استان مازندران ۱۷ نفر				
۷۳	ساری	شهر ساری و بخش‌های مرکزی و دودانگه و چهاردانگه به‌استثنای دهستان پشتکوه	ساری	۲ نفر
۷۴	گرگان	گرگان و بخش مرکزی	گرگان	۱ نفر
۷۵	کتول	بخش‌های علی‌آباد آق‌قلعه و دهستان ملک بخش مرکزی گرگان	علی‌آباد کتول	۱ نفر
۷۶	کردکوی	بخش‌های کردکوی و بندر ترکمن و گمیشان و بندرگز	کردکوی	۱ نفر
۷۷	بابل	بابل و بخش مرکزی	بابل	۱ نفر
۷۸	بابلسر و بندپی	بخش بابلسر و بخش بندپی	بابلسر	۱ نفر
۷۹	گنبد کاووس	شهر گنبد کاووس و بخش مرکزی و دهستان آتابای جنوبی و بخش داشلی برون بااستثنای قجق و قان یخمز شرقی و غربی بخش مرکزی گنبد کاووس	گنبد کاووس	۱ نفر
۸۰	مینودشت	بخش‌های مینودشت - کوکلان - مراوه تپه	مینودشت	۱ نفر
۸۱	رامیان	بخش رامیان و دهستان‌های قجق و قان یخمز شرقی و غربی بخش مرکزی گنبد کاووس	رامیان	۱ نفر
۸۲	قائم‌شهر	قائم‌شهر و بخش مرکزی و بخش سوادکوه	قائم‌شهر	۲ نفر
۸۳	بهبه‌شهر	بهبه‌شهر و بخش‌های مرکزی یانه‌سر - گلوگاه	بهبه‌شهر	۱ نفر
۸۴	نوشهر	نوشهر و بخش‌های - مرکزی - چالوس - کلاردشت	نوشهر	۱ نفر
۸۵	تنکابن	تنکابن و بخش‌های مرکزی و رامسر	تنکابن	۱ نفر
۸۶	نور	نور و بخش‌های مرکزی - چمستان - بلده و بخش هراز شهرستان آمل	نور	۱ نفر
۸۷	آمل	آمل و بخش‌های مرکزی لاریجان	آمل	۱ نفر
استان فارس ۱۷ نفر				
۸۸	شیراز	شیراز و بخش مرکزی و بخش زرگان به‌استثنای گویم و غلات	شیراز	۳ نفر
۸۹	سروستان	بخش‌های سروستان و کربال	سروستان	۱ نفر
۹۰	مرودشت	مرودشت و بخش‌های مرکزی و ارسنجان	مرودشت	۱ نفر
۹۱	آباده	آباده و بخش‌های مرکزی - ابرکوه - و مهرآباد	آباده	۱ نفر
۹۲	داراب	داراب و بخش مرکزی	داراب	۱ نفر
۹۳	اقلید	اقلید و بخش مرکزی شهرستان اقلید و بخش بوانات آباده	اقلید	۱ نفر
۹۴	سپیدان	سپیدان و بخش مرکزی و گویم و غلات شیراز	اردکان	۱ نفر
۹۵	فسا	فسا و بخش مرکزی	فسا	۱ نفر
۹۶	کازرون	کازرون و بخش‌های مرکزی - خشت - کمارج - کوهمره نودان	کازرون	۱ نفر
۹۷	چهرم	چهرم و بخش‌های مرکزی - خفر - سیمگان - کردیان	چهرم	۱ نفر
۹۸	فیروزآباد	فیروزآباد و بخش‌های مرکزی فراشبند - قیر و کارزین	فیروزآباد	۱ نفر
۹۹	ممسنی	ممسنی و بخش‌های مرکزی ماهور - میلانی	نورآباد	۱ نفر
۱۰۰	نی‌ریز و استهبان	استهبان و بخش مرکزی استهبان نی‌ریز و بخش‌های مرکزی و پشتکوه آباده طشک	استهبان	۱ نفر
۱۰۱	لارستان	لارستان و بخش‌های مرکزی جویم - بخش اوز و بخش لامرد	لار	۲ نفر
استان گیلان ۱۳ نفر				
۱۰۲	رشت	شهر رشت و بخش مرکزی و بخش‌های کوچصفهان و لشت‌نشاء و دهستان خشکبیجار بخش خمام	رشت	۳ نفر
۱۰۳	بندر انزلی	بندر انزلی و بخش مرکزی انزلی و دهستان خمام بخش خمام	بندر انزلی	۱ نفر
۱۰۴	تالش	تالش و بخش‌های مرکزی و تالش دولاب و ماسال شاندرمن	تالش	۱ نفر
۱۰۵	آستارا	آستارا و بخش مرکزی	آستارا	۱ نفر
۱۰۶	صومعه‌سرا	صومعه‌سرا و بخش‌های مرکزی و تولمات	صومعه‌سرا	۱ نفر
۱۰۷	فومن	فومن و بخش‌های مرکزی و شفت	فومن	۱ نفر
۱۰۸	رودبار	رودبار و بخش‌های مرکزی و عمارلو	رودبار	۱ نفر
۱۰۹	لاهیجان	لاهیجان و بخش مرکزی	لاهیجان	۱ نفر



ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
۱۱۰	آستانه	بخش‌های آستانه و سیاهکل و حسن کیاده	آستانه	۱ نفر
۱۱۱	لنگرود	لنگرود و بخش مرکزی	لنگرود	۱ نفر
۱۱۲	رودسر	شهر رودسر و بخش‌های مرکزی و املش.	رودسر	۱ نفر
آذربایجان غربی				
۱۱۳	ارومیه	ارومیه و بخش مرکزی و بخش‌های سیلوانه و صومای برادوست.	ارومیه	۳ نفر
۱۱۴	مهاباد	مهاباد و بخش مرکزی.	مهاباد	۱ نفر
۱۱۵	بوکان	بخش بوکان و دهستان‌های ایل تیمور و اختاچی غربی بخش مرکزی	بوکان	۱ نفر
۱۱۶	میاندوآب	میاندوآب و بخش مرکزی و بخش‌های شاهین‌دژ و تکاب	میاندوآب	۲ نفر
۱۱۷	سلماس	سلماس و بخش مرکزی سلماس	سلماس	۱ نفر
۱۱۸	خوی	خوی و بخش‌های مرکزی چاپاره و قطور و دهستان‌های ولدیان رها	خوی	۱ نفر
۱۱۹	ماکو	ماکو و بخش‌های مرکزی - سیه چشمه و پلدشت	ماکو	۱ نفر
۱۲۰	نقده	شهر نقده و بخش‌های نقده و اشنویه.	نقده	۱ نفر
۱۲۱	پیرانشهر	پیرانشهر و بخش‌های مرکزی پیرانشهر و مرکزی سردشت	پیرانشهر	۱ نفر
استان کرمان				
۱۲۲	کرمان	کرمان - و بخش‌های مرکزی - ماهان - شهداد - راور.	کرمان	۲ نفر
۱۲۳	زرند	زرند و بخش‌های مرکزی و کوهبنان	زرند	۱ نفر
۱۲۴	رفسنجان	رفسنجان و بخش مرکزی.	رفسنجان	۱ نفر
۱۲۵	بم	بم و بخش‌های مرکزی راین - نرماشیر	بم	۱ نفر
۱۲۶	بافت	بافت و بخش مرکزی.	بافت	۱ نفر
۱۲۷	سیرجان	سیرجان و بخش‌های مرکزی مشیز و دهستان زیدآباد	سیرجان	۱ نفر
۱۲۸	جیرفت	جیرفت و بخش‌های مرکزی - ساردوئیه و جبال بارز	جیرفت	۱ نفر
۱۲۹	کهنوج	بخش کهنوج	کهنوج	۱ نفر
۱۳۰	شهر بابک	شهر بابک و بخش مرکزی و دهستان‌های پاریز بخش مرکزی سیرجان	شهر بابک	۱ نفر
استان کرمانشاهان				
۱۳۱	کرمانشاه	کرمانشاه و بخش مرکزی.	کرمانشاه	۳ نفر
۱۳۲	کنگاور	بخش کنگاور - هرسین و صحنه	کنگاور	۱ نفر
۱۳۳	قصرشیرین	قصرشیرین و بخش‌های مرکزی - سرپل‌ذهاب - سورمار - و بخش گیلان غرب شهرستان اسلام‌آباد.	قصرشیرین	۱ نفر
۱۳۴	پاوه	پاوه و بخش‌های مرکزی - جوانرود - باباجانی - روانسر - بانیکان - نوسود	پاوه	۱ نفر
۱۳۵	سنقر	سنقر و بخش مرکزی و دهستان‌های دینور و کندوله بخش صحنه	سنقر	۱ نفر
۱۳۶	اسلام‌آباد غرب	اسلام‌آباد و بخش مرکزی و بخش کرد	اسلام‌آباد	۱ نفر
استان هرمزگان				
۱۳۷	بندرعباس	بندرعباس و بخش‌های مرکزی و خمیر بندرعباس و شهرستان آبان با بخش‌های مرکزی و شهاب و ابوموسی و بخش حاجی‌آباد	بندرعباس	۲ نفر
۱۳۸	بندر لنگه	بندرلنگه و بخش مرکزی و بخش‌های بستک گاوبندی و شیب‌کوه - کیش و لاوان	بندرلنگه	۱ نفر
۱۳۹	میناب	میناب و بخش مرکزی و بخش رودان احمدی و بیابان و بخش جاسک بندرعباس	میناب	۱ نفر
استان سیستان و بلوچستان				
۱۴۰	زاهدان	زاهدان و بخش مرکزی	زاهدان	۱ نفر
۱۴۱	خاش	خاش و بخش‌های مرکزی و نوک‌آباد شهرستان خاش و بخش‌های نصرت‌آباد و میرجاوه زاهدان	خاش	۱ نفر
۱۴۲	زابل	زابل و بخش‌های مرکزی نارویی و شهرکی و بخش‌های پشت‌آب و شیب‌آب و میانکنگی.	زابل	۲ نفر
۱۴۳	سراوان	سراوان و بخش‌های مرکزی جالق - زابلی و سیب و سوران	سراوان	۱ نفر
۱۴۴	ایرانشهر	ایرانشهر و بخش‌های مرکزی بمپور - بزمان و بخش سرباز	ایرانشهر	۱ نفر
۱۴۵	چابهار	چابهار و بخش‌های مرکزی - نیک‌شهر - قصرقند - دشت یاری - جاسک فیروزآباد فراشبند	چابهار	۱ نفر

ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
استان کردستان				
۱۴۶	سنندج	سنندج و بخش‌های مرکزی میرانشاه - کامیاران	سنندج	۶ نفر
۱۴۷	مریوان	مریوان و بخش‌های مرکزی - خاومیرآباد - کلانتران - سرشیو - سروآباد.	مریوان	۱ نفر
۱۴۸	قروه	شهر قروه و بخش‌های مرکزی - و ئیلاق.	قروه	۱ نفر
۱۴۹	بیجار	شهر بیجار و بخش مرکزی.	بیجار	۱ نفر
۱۵۰	سقز و بانه	سقز و بخش مرکزی سقز و بخش‌های مرکزی و آلت و نمشیر - پهلویدژ شهرستان بانه	سقز	۱ نفر
همدان				
۱۵۱	همدان	همدان و بخش مرکزی	همدان	۲ نفر
۱۵۲	بهار	بخش سیمینه‌رود و بخش کبودرآهنگ	بهار	۱ نفر
۱۵۳	رزن	بخش رزن و بخش شرا و پیشخور و سردرود	رزن	۱ نفر
۱۵۴	نهاوند	نهاوند و بخش مرکزی و بخش خزل	نهاوند	۱ نفر
۱۵۵	تویسرکان	تویسرکان و بخش مرکزی	تویسرکان	۱ نفر
۱۵۶	ملایر	ملایر و بخش‌های مرکزی و سامن	ملایر	۲ نفر
۱۵۷	اسدآباد	بخش اسدآباد و دهستان چاردولی بخش مرکزی قروه	اسدآباد	۱ نفر
لرستان				
۱۵۸	خرم‌آباد	خرم‌آباد و بخش‌های مرکزی و زاغه و چفلوندی	خرم‌آباد	۲ نفر
۱۵۹	دلفان	بخش‌های دلفان - الشتر	نورآباد	۱ نفر
۱۶۰	ملاوی	بخش‌های ملاوی - الوار گرمسیری پای و ویسیان.	پل دختر	۱ نفر
۱۶۱	بروجرد	بروجرد و بخش‌های مرکزی - اشترینان.	بروجرد	۱ نفر
۱۶۲	درود	بخش‌های درود و چاپلق.	درود	۱ نفر
۱۶۳	کوهدشت	بخش‌های کوهدشت و دوره چگنی.	کوهدشت	۱ نفر
۱۶۴	الیگودرز	شهر الیگودرز و بخش‌های مرکزی - رزوماهر.	الیگودرز	۱ نفر
زنجان				
۱۶۵	زنجان	زنجان و بخش‌های مرکزی و طارم علیا به‌استثنای دهستان‌های چایپاره و ایچ رود	زنجان	۲ نفر
۱۶۶	ماه‌نشان	بخش ماه‌نشان و دهستان‌های چایپاره و ایچ‌رود بخش مرکزی زنجان	ماه‌نشان	۱ نفر
۱۶۷	ابهر	ابهر و بخش‌های مرکزی و سلطانیه.	ابهر	۱ نفر
۱۶۸	خدابنده	قیدار و بخش‌های مرکزی و افشار.	قیدار	۱ نفر
۱۶۹	قزوین	قزوین و بخش‌های مرکزی رودبار الموت - آبیک	قزوین	۲ نفر
۱۷۰	تاکستان	بخش‌های ضیاءآباد - طارم سفلی	تاکستان	۱ نفر
۱۷۱	بوئین زهرا	بخش‌های بوئین زهرا و آوج	بوئین زهرا	۱ نفر
یزد				
۱۷۲	یزد	یزد و بخش مرکزی.	یزد	۱ نفر
۱۷۳	اردکان	اردکان و بخش‌های مرکزی و خرائق اردکان و بخش‌های اشکدر و خضرآباد یزد	اردکان	۱ نفر
۱۷۴	تفت	تفت و بخش‌های مرکزی و نیر - بافق و بخش‌های مرکزی و بهاباد شهرستان بافق و بخش مهریز شهرستان یزد	تفت	۱ نفر
بوشهر				
۱۷۵	بوشهر	بوشهر و بخش‌های مرکزی گناوه و دیلم	بوشهر	۱ نفر
۱۷۶	رودباران	بخش‌های خورموج - تنگستان - کنگان - کاکي و جم	خورموج	۱ نفر
۱۷۷	دشتستان	برازجان و بخش‌های مرکزی و سعدآباد	برازجان	۱ نفر
چهارمحال بختیاری				
۱۷۸	شهرکرد	شهرکرد و بخش مرکزی	شهرکرد	۱ نفر
۱۷۹	بروجن	بروجن و بخش‌های مرکزی - گندمان و لردگان	بروجن	۱ نفر
۱۸۰	اردل	بخش‌های اردل - میزدج - کیار و شوراب	اردل	۱ نفر



ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
ایلام				
۱۸۱	ایلام	شهر ایلام و بخش‌های مرکزی شیروان و چرداول چوار و ایوان و هولیلان و زردیان	ایلام	۱ نفر
۱۸۲	دهلران	دهلران و بخش‌های مرکزی موسیان- آبدانان- زرین‌آباد شهرستان دهلران و بدره و بخش‌های مرکزی شهرستان بدره مهران و بخش‌های مرکزی ارگوازی صالح‌آباد شهرستان مهران	دهلران	۱ نفر
سمنان				
۱۸۳	سمنان	سمنان و بخش‌های مرکزی سنگسر و دهستان پشتکوه بخش دودانگه ساری.	سمنان	۱ نفر
۱۸۴	دامغان	دامغان و بخش‌های مرکزی و صیدآباد دامغان و بخش بسطام شاهرود	دامغان	۱ نفر
۱۸۵	شاهرود	شاهرود و بخش‌های مرکزی بیارجمند و میانی	شاهرود	۱ نفر
۱۸۶	گرمسار	گرمسار و بخش‌های مرکزی و ایوانکی	گرمسار	۱ نفر
بویر احمد و کهگیلویه				
۱۸۷	بویراحمد	بویراحمد و بخش‌های مرکزی، دروهان	بویراحمد	۱ نفر
۱۸۸	کهگیلویه و گچساران	دهدشت و بخش‌های مرکزی بهمنی لنده و چرام کهگیلویه دوگنبدان و بخش‌های مرکزی و باشت شهرستان گچساران	دهدشت	۱ نفر
اقلیت‌های مذهبی				
۱۸۹	زرتشتیان	زرتشتیان ایران	تهران	۱ نفر
۱۹۰	کلیمیان	کلیمیان ایران	تهران	۱ نفر
۱۹۱	آشوریان و کلدانیان	مسیحیان آشوری و کلدانی ایران	تهران	۱ نفر
۱۹۲	ارمنیان	مسیحیان ارمنی، مناطق شمال ایران	تهران	۱ نفر
۱۹۳	ارمنیان	مسیحیان ارمنی مناطق جنوب ایران	اصفهان	۱ نفر
جمع				
				۲۷۰ نفر

مأخذ: مجموعه قوانین سال ۱۳۵۸، نشریه روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

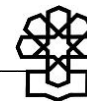
پیوست ۲. قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۶۶/۰۱/۳۰)

ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
تهران				
۱	تهران و ری و شمیران	۱. شهرستان تهران شامل شهر تهران، بخش مرکزی، بخش کن مرکز حوزه انتخابیه تهران. ۲. شهرستان ری شامل بخش مرکزی، بخش فشافویه، بخش کهریزک، بخش اسلام‌شهر ۳. شهرستان شمیرانات شامل بخش مرکزی شمیران، بخش رودبار قصران، بخش لواسانات.	تهران	۳۰ نفر
۲	کرج	شهر کرج، بخش مرکزی، بخش اشتهارد	کرج	۱ نفر
۳	ساوجبلاغ و طالقان	بخش ساوجبلاغ، بخش طالقان	هشتگرد	۱ نفر
۴	شهریار و رباط کریم	بخش شهریار، بخش رباط کریم	شهریار	۱ نفر
۵	دماوند	شهرستان دماوند شامل شهر دماوند، بخش مرکزی، بخش فیروزکوه (به استثنای روستاهای حمامک، افتر، امامزاده عبد... اروانه، جوین و اییح) روستای بومهن	دماوند	۱ نفر
۶	ورامین	شهرستان ورامین شامل شهر ورامین. بخش مرکزی، بخش جوادآباد، بخش پلشت، روستای حمامک (از شهرستان دماوند)	ورامین	۱ نفر
۷	قم	شهرستان قم شامل شهر قم، بخش مرکزی، بخش نوفل لوشاتو (کهک)، بخش جعفرآباد	قم	۲ نفر
استان مرکزی				
۸	اراک	شهرستان اراک شامل شهر اراک، بخش مرکزی، بخش وفس.	اراک	۲ نفر
۹	سربند	شهرستان سربند شامل شهرشازند، بخش مرکزی.	شازند	۱ نفر
۱۰	ساوه	شهرستان ساوه شامل شهر ساوه. بخش مرکزی، بخش نوبران، بخش زرنند، بخش خرقان.	ساوه	۱ نفر
۱۱	تفرش و آشتیان	۱- شهرستان تفرش شامل شهر تفرش، بخش مرکزی، بخش فراهان، بخش خلجستان. ۲- شهرستان آشتیان. شامل شهر آشتیان، بخش مرکزی.	تفرش	۱ نفر
۱۲	محلات و دلپجان	۱- شهرستان محلات شامل شهر محلات بخش مرکزی. ۲- شهرستان دلپجان شامل شهر دلپجان، بخش مرکزی.	محلات	۱ نفر
۱۳	خمین	شهرستان خمین شامل شهر خمین، بخش مرکزی.	خمین	۱ نفر
استان خراسان				
۱۴	مشهد	شهرستان مشهد شامل شهر مشهد، بخش مرکزی، بخش کلات.	مشهد	۵ نفر
۱۵	فریمان	بخش فریمان، بخش احمدآباد، بخش سرخس.	فریمان	۱ نفر
۱۶	طرقبه و چناران	بخش طرقبه، بخش چناران.	چناران	۱ نفر
۱۷	بیرجند	شهرستان بیرجند شامل شهر بیرجند، بخش مرکزی، بخش خوسف، بخش درمیان، بخش نهبندان.	بیرجند	۱ نفر
۱۸	قائنات	شهرستان قائنات شامل شهر قائن، بخش مرکزی.	قائن	۱ نفر
۱۹	سبزوار	شهرستان سبزوار شامل شهر سبزوار. بخش مرکزی، بخش جغتای، بخش داورزن، بخش ششتمد.	سبزوار	۲ نفر
۲۰	گناباد	شهرستان گناباد شامل شهر گناباد، بخش مرکزی، بخش بجستان.	گناباد	۱ نفر
۲۱	ترتیب حیدریه	شهرستان ترتیب حیدریه، شامل شهر ترتیب حیدریه، بخش مرکزی، بخش کدکن، بخش بایک، بخش فیض آباد.	ترتیب حیدریه	۱ نفر
۲۲	خواف و رشت خوار	بخش خواف، بخش رشتخوار	خواف	۱ نفر
۲۳	نیشابور	شهرستان نیشابور شامل شهر نیشابور، بخش مرکزی، بخش زبرخان، بخش تخت جلگه، بخش سروایت.	نیشابور	۲ نفر
۲۴	بجنورد	شهرستان بجنورد شامل شهر بجنورد، بخش مرکزی، بخش جاجرم، بخش مانه سملقان، بخش جرجلان.	بجنورد	۲ نفر
۲۵	ترتیب جام و تایباد	۱- شهرستان ترتیب جام، شامل شهر ترتیب جام، بخش مرکزی، بخش جنت آباد. ۲- شهرستان تایباد شامل شهر تایباد، بخش مرکزی.	ترتیب جام	۱ نفر
۲۶	کاشمر	شهرستان کاشمر شامل شهر کاشمر، بخش مرکزی، بخش کوه سرخ، بخش برداسکن، بخش خلیل آباد.	کاشمر	۱ نفر
۲۷	قوچان	شهرستان قوچان شامل شهر قوچان. بخش مرکزی، بخش باجگیران (به استثنای دهستان‌های قوشخانه، جیرستان، بی چرانلو).	قوچان	۱ نفر



ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
۲۸	اسفراین	شهرستان اسفراین شامل شهر اسفراین، بخش مرکزی، بخش بام و صفی آباد.	اسفراین	۱ نفر
۲۹	درگز	شهرستان درگز شامل شهر درگز، بخش مرکزی، بخش لطف آباد، بخش چاپشلو، بخش نوخندان.	درگز	۱ نفر
۳۰	شیروان	شهرستان شیروان شامل شهر شیروان، بخش مرکزی، دهستان های قوشخانه، جیرستان، بی چرانلو.	شیروان	۱ نفر
۳۱	فردوس و طبس	۱- شهرستان فردوس شامل شهر فردوس، بخش مرکزی، بخش سرایان، بخش بشرویه. ۲- شهرستان طبس، شامل شهر طبس، بخش مرکزی، بخش دستگردان.	فردوس	۱ نفر
استان اصفهان ۱۸ نفر				
۳۲	اصفهان	شهرستان اصفهان شامل شهر اصفهان، بخش مرکزی، بخش جرقویه، بخش کوهپایه.	اصفهان	۵ نفر
۳۳	برخوار و میمه	بخش برخوار، بخش میمه.	دولت آباد	۱ نفر
۳۴	اردستان	شهرستان اردستان شامل شهر اردستان، بخش مرکزی.	اردستان	۱ نفر
۳۵	نائین	شهرستان نائین شامل شهر نائین، بخش مرکزی، بخش انارک، بخش خور و بیابانک.	نائین	۱ نفر
۳۶	ماربین	شهرستان ماربین شامل شهر خمینی شهر، بخش مرکزی	خمینی شهر	۱ نفر
۳۷	شهرضا (قمشه)	شهرستان قمشه شامل شهر شهرضا، بخش مرکزی، بخش سمیرم سفلی	شهرضا	۱ نفر
۳۸	سمیرم	شهرستان سمیرم شامل شهر سمیرم، بخش مرکزی.	سمیرم	۱ نفر
۳۹	لنجان	شهرستان لنجان شامل شهر زرین شهر، بخش مرکزی، بخش مبارکه	زرین شهر	۱ نفر
۴۰	کاشان	شهرستان کاشان شامل شهر کاشان، بخش مرکزی، بخش آران .	کاشان	۱ نفر
۴۱	نطنز	۱- شهرستان نطنز شامل شهر نطنز، بخش مرکزی، ۲- بخش قمصر.	نطنز	۱ نفر
۴۲	گلپایگان و خوانسار	۱- شهرستان گلپایگان شامل شهر گلپایگان، بخش مرکزی. ۲- شهرستان خوانسار شامل شهر خوانسار، بخش مرکزی	گلپایگان	۱ نفر
۴۳	نجف آباد	شهرستان نجف آباد شامل شهر نجف آباد، بخش مرکزی، بخش تیران.	نجف آباد	۱ نفر
۴۴	فریدن و فریدونشهر	۱- شهرستان فریدن شامل شهر داران، بخش مرکزی، بخش چادگان. ۲- شهرستان فریدونشهر شامل شهر فریدونشهر، بخش مرکزی.	داران	۱ نفر
۴۵	فلاورجان	شهرستان فلاورجان شامل شهر فلاورجان، بخش مرکزی.	فلاورجان	۱ نفر
استان آذربایجان شرقی ۲۴ نفر				
۴۶	تبریز	شهرستان تبریز شامل بخش مرکزی بخش اسکو، بخش آذرشهر.	تبریز	۶ نفر
۴۷	شبستر	بخش شبستر	شبستر	۱ نفر
۴۸	بستان آباد	بخش بستان آباد	بستان آباد	۱ نفر
۴۹	اهر	شهرستان اهر شامل شهر اهر، بخش مرکزی، بخش هریس (به استثنای دهستان مهربان)	اهر	۱ نفر
۵۰	کلیبر	بخش کلیبر، بخش خداآفرین، بخش هوراند.	کلیبر	۱ نفر
۵۱	ورزقان	بخش ورزقان	ورزقان	۱ نفر
۵۲	اردبیل	شهرستان اردبیل شامل شهر اردبیل بخش مرکزی بخش نیر، بخش نمین. دهستان تقی دیزج (از شهرستان مشگین شهر).	اردبیل	۳ نفر
۵۳	مراغه	شهرستان مراغه شامل شهر مراغه، بخش مرکزی، بخش عجب شیر.	مراغه	۱ نفر
۵۴	بناب و ملکان	بخش بناب بخش ملکان.	بناب	۱ نفر
۵۵	سراب	شهرستان سراب شامل شهر سراب، بخش مرکزی، دهستان مهربان.	سراب	۱ نفر
۵۶	میانه	شهرستان میانه شامل شهر میانه، بخش مرکزی، بخش ترکمان، بخش کاغذکنان.	میانه	۲ نفر
۵۷	خلخال	شهرستان خلخال شامل شهر خلخال، بخش مرکزی، بخش شاهرود، بخش سنجبد، بخش خورش رستم.	خلخال	۱ نفر
۵۸	مشکین شهر	شهرستان مشکین شهر شامل شهر مشکین شهر، بخش مرکزی (به استثنای دهستان تقی دیزج)	مشکین شهر	۱ نفر
۵۹	مرند	شهرستان مرند شامل شهر مرند بخش مرکزی، بخش جلفا.	مرند	۱ نفر
۶۰	مغان	شهرستان مغان شامل شهر گرمی، بخش مرکزی، بخش پارس آباد، بخش بيله سوار	گرمی	۱ نفر
۶۱	هشتروند	شهرستان هشتروند شامل شهر هشتروند بخش مرکزی بخش چهاراویماق	هشتروند	۱ نفر
استان خوزستان ۱۷ نفر				
۶۲	اهواز	شهرستان اهواز شامل شهر اهواز بخش مرکزی.	اهواز	۳ نفر

ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
۶۳	آبادان	شهرستان آبادان شامل شهر آبادان، بخش مرکزی (به‌استثنای دهستان دارخوین)، بخش اروندکنار.	آبادان	۳ نفر
۶۴	خرمشهر	شهرستان خرمشهر شامل شهر خرمشهر، بخش مرکزی، بخش مینو.	خرمشهر	۱ نفر
۶۵	شادگان	شهرستان شادگان شامل شهر شادگان، بخش مرکزی، دهستان دارخوین (از شهرستان آبادان)	شادگان	۱ نفر
۶۶	دزفول	شهرستان دزفول شامل شهر دزفول بخش مرکزی بخش سردشت	دزفول	۱ نفر
۶۷	اندیمشک	شهرستان اندیمشک شامل شهر اندیمشک، بخش مرکزی، بخش الوار گرمسیری، بخش شوش.	اندیمشک	۱ نفر
۶۸	مسجدسلیمان	شهرستان مسجدسلیمان شامل شهر مسجدسلیمان، بخش مرکزی، بخش هفتگل، بخش اندیکا.	مسجدسلیمان	۱ نفر
۶۹	رامهرمز	شهرستان رامهرمز شامل شهر رامهرمز، بخش مرکزی، بخش رامشیر.	رامهرمز	۱ نفر
۷۰	ایذه	شهرستان ایذه شامل شهر ایذه، بخش مرکزی، بخش دهدز، بخش جانکی.	ایذه	۱ نفر
۷۱	بندرماهشهر	شهرستان ماهشهر شامل شهر ماهشهر، بخش مرکزی، بخش بندر خمینی، بخش هندیچان.	ماهشهر	۱ نفر
۷۲	دشت‌آزادگان	شهرستان دشت‌آزادگان شامل شهر سوسنگرد، بخش مرکزی، بخش هوزگان، بخش بستان.	سوسنگرد	۱ نفر
۷۳	شوشتر	شهرستان شوشتر شامل شهر شوشتر، بخش مرکزی، بخش گتوند.	شوشتر	۱ نفر
۷۴	بهبهان	شهرستان بهبهان شامل شهر بهبهان، بخش مرکزی، بخش آغاجاری، بخش زیدون.	بهبهان	۱ نفر
استان مازندران ۱۷ نفر				
۷۵	ساری	شهرستان ساری شامل شهر ساری، بخش مرکزی، بخش دودانگه، بخش چهاردانگه.	ساری	۲ نفر
۷۶	آمل	شهرستان آمل شامل شهر آمل، بخش مرکزی، بخش لاریجان.	آمل	۱ نفر
۷۷	بابل	شهرستان بابل شامل شهر بابل، بخش مرکزی.	بابل	۱ نفر
۷۸	بابلسر و بندپی	بخش بابلسر، بخش بندپی.	بابلسر	۱ نفر
۷۹	کردکوی و ترکمن	۱- شهرستان کردکوی شامل شهر کردکوی، بخش مرکزی، بخش بندرگز. ۲- شهرستان ترکمن شامل شهر بندر ترکمن، بخش مرکزی، بخش گمیشان.	کردکوی	۱ نفر
۸۰	قائم‌شهر و سوادکوه	۱- شهرستان قائمشهر شامل شهر قائمشهر، بخش مرکزی. ۲- شهرستان سوادکوه شامل شهر سوادکوه، بخش مرکزی.	قائم‌شهر	۲ نفر
۸۱	گنبدکاوس	۱- شهرستان گنبدکاوس شامل شهر گنبدکاوس، بخش مرکزی (به استثنای دهستان‌های قجق و قان یخمز شرقی و غربی)، بخش داشلی‌برون.	گنبدکاوس	۱ نفر
۸۲	مینودشت	بخش مینودشت، بخش کولان، بخش مراوه‌تپه.	مینودشت	۱ نفر
۸۳	رامیان	بخش رامیان، دهستان‌های قجق و قان یخمز شرقی و غربی (از بخش مرکزی شهرستان گنبدکاوس).	رامیان	۱ نفر
۸۴	گرگان	شهرستان گرگان شامل شهر گرگان، بخش مرکزی (به استثنای تاش و شاهکوه)، بخش آق قلعه.	گرگان	۱ نفر
۸۵	علی‌آباد کتول	شهرستان علی‌آباد شامل شهر علی‌آباد، بخش مرکزی	علی‌آباد	۱ نفر
۸۶	بهشهر	شهرستان بهشهر شامل شهر بهشهر، بخش مرکزی، بخش گلوگاه، بخش یانه‌سر، بخش نکا.	بهشهر	۱ نفر
۸۷	تنکابن و رامسر	۱- شهرستان تنکابن شامل شهر تنکابن، بخش مرکزی. ۲- شهرستان رامسر شامل شهر رامسر، بخش مرکزی.	تنکابن	۱ نفر
۸۸	نور	شهرستان نور شامل شهر نور، بخش مرکزی، بخش چمستان، بخش بلده، بخش هراز.	نور	۱ نفر
۸۹	نوشهر	شهرستان نوشهر شامل شهر نوشهر، بخش مرکزی، بخش چالوس، بخش کلاردشت.	نوشهر	۱ نفر
استان فارس ۱۷ نفر				
۹۰	شیراز	شهرستان شیراز شامل شهر شیراز، بخش مرکزی، بخش زرقان	شیراز	۳ نفر
۹۱	سروستان و کربال	بخش سروستان، بخش کربال	سروستان	۱ نفر
۹۲	مرودشت	شهرستان مرودشت شامل شهر مرودشت، بخش مرکزی، بخش سعادت‌آباد، بخش ارسنجان	مرودشت	۱ نفر
۹۳	ممسنی	شهرستان ممسنی شامل شهر نورآباد، بخش مرکزی، بخش ماهور میلانی.	نورآباد	۱ نفر
۹۴	آباده	شهرستان آباده شامل شهر آباده، بخش مرکزی، بخش بوانات.	آباده	۱ نفر
۹۵	اقلید	شهرستان اقلید شامل اقلید، بخش مرکزی	اقلید	۱ نفر



ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
۹۶	فسا	شهرستان فسا شامل شهر فسا، بخش مرکزی، بخش زاهدان، بخش ششده، بخش نویندگان.	فسا	۱ نفر
۹۷	داراب	شهرستان داراب شامل شهر داراب، بخش مرکزی.	داراب	۱ نفر
۹۸	کازرون	شهرستان کازرون شامل شهر کازرون، بخش مرکزی، بخش خشت و کمارج، بخش کوهمره.	کازرون	۱ نفر
۹۹	جهرم	شهرستان جهرم شامل شهر جهرم، بخش مرکزی، بخش خفر، بخش سیمکان، بخش کردیان	جهرم	۱ نفر
۱۰۰	فیروزآباد	شهرستان فیروزآباد شامل شهر فیروزآباد، بخش مرکزی، بخش فراشیند، بخش قیرو کارزین.	فیروزآباد	۱ نفر
۱۰۱	سپیدان	شهرستان سپیدان شامل شهر اردکان، بخش مرکزی.	اردکان	۱ نفر
۱۰۲	لار	شهرستان لار شامل شهر لار، بخش مرکزی، بخش اوز، بخش جویم، روستای بیرم و روستاهای مجاور تاکرشیکی	لار	۲ نفر
۱۰۳	استهبان و نی‌ریز	۱- شهرستان نی‌ریز شامل شهر نی‌ریز بخش مرکزی بخش پشت‌کوه، بخش آباده طشک. ۲- شهرستان استهبان شامل شهر استهبان بخش مرکزی، بخش رونیز.	استهبان	۱ نفر
۱۰۴	لامرد	بخش لامرد (به استثناء روستای بیرم و روستاهای مجاور تاکرشیکی).	لامرد	۱ نفر
استان گیلان ۱۳ نفر				
۱۰۵	رشت	شهرستان رشت شامل شهر رشت، بخش مرکزی، بخش کوچصفهان، بخش لشت نشاء، دهستان خشکبیجار.	رشت	۳ نفر
۱۰۶	بندر انزلی	شهرستان انزلی شامل شهر بندر انزلی، بخش مرکزی، بخش خمام (به‌استثنای خشکبیجار).	بندر انزلی	۱ نفر
۱۰۷	تالش	شهرستان تالش شامل شهر هشتپر، بخش مرکزی بخش تالش دولاب، بخش ماسال شاندرمن.	هشتپر	۱ نفر
۱۰۸	آستارا	شهرستان آستارا شامل شهر آستارا، بخش مرکزی.	آستارا	۱ نفر
۱۰۹	صومعه‌سرا	شهرستان صومعه‌سرا شامل شهر صومعه‌سرا، بخش مرکزی، بخش تولم.	صومعه‌سرا	۱ نفر
۱۱۰	فومن	شهرستان فومن شامل شهر فومن، بخش مرکزی، بخش شفت.	فومن	۱ نفر
۱۱۱	آستانه اشرفیه	شهرستان آستانه شامل شهر آستانه، بخش مرکزی، بخش بندر کیاشهر.	آستانه	۱ نفر
۱۱۲	لنگرود	شهرستان لنگرود شامل شهر لنگرود، بخش مرکزی.	لنگرود	۱ نفر
۱۱۳	رودسر	شهرستان رودسر شامل شهر رودسر، بخش مرکزی، بخش املش.	رودسر	۱ نفر
۱۱۴	رودبار	شهرستان رودبار شامل شهر رودبار، بخش مرکزی، بخش عمارلو.	رودبار	۱ نفر
۱۱۵	لاهیجان	شهرستان لاهیجان شامل شهر لاهیجان، بخش مرکزی، بخش سیاهکل.	لاهیجان	۱ نفر
آذربایجان غربی ۱۲ نفر				
۱۱۶	ارومیه	شهرستان ارومیه شامل شهر ارومیه، بخش مرکزی، بخش صومای بردوست، بخش انزل، بخش سیلوانه.	ارومیه	۳ نفر
۱۱۷	مهاباد	شهرستان مهاباد شامل شهر مهاباد، بخش مرکزی.	مهاباد	۱ نفر
۱۱۸	بوکان	بخش بوکان	بوکان	۱ نفر
۱۱۹	میاندوآب	شهرستان میاندوآب شامل شهر میاندوآب، بخش مرکزی، بخش صائین دژ، بخش تکاب.	میاندوآب	۲ نفر
۱۲۰	سلماس	شهرستان سلماس شامل شهر سلماس، بخش مرکزی	سلماس	۱ نفر
۱۲۱	پیرانشهر و سردشت	۱- شهرستان پیرانشهر شامل شهر پیرانشهر، بخش مرکزی. ۲- شهرستان سردشت شامل شهر سردشت، بخش مرکزی.	پیرانشهر	۱ نفر
۱۲۲	ماکو	شهرستان ماکو شامل شهر ماکو، بخش مرکزی، بخش سیه‌چشمه، بخش پلدشت.	ماکو	۱ نفر
۱۲۳	نقده	شهرستان نقده شامل شهر نقده، بخش مرکزی، بخش اشنویه.	نقده	۱ نفر
۱۲۴	خوی	شهرستان خوی شامل شهر خوی، بخش مرکزی، بخش چایپاره.	خوی	۱ نفر
استان کرمان ۱۰ نفر				
۱۲۵	کرمان	شهرستان کرمان شامل شهر کرمان، بخش مرکزی، بخش ماهان، بخش شهداد، بخش گلباف، بخش راور.	کرمان	۲ نفر
۱۲۶	زرنده	شهرستان زرنده شامل شهر زرنده، بخش مرکزی، بخش کوهینان.	زرنده	۱ نفر
۱۲۷	رفسنجان	شهرستان رفسنجان شامل شهر رفسنجان، بخش مرکزی (به‌استثنای دهستان راویز).	رفسنجان	۱ نفر
۱۲۸	بم	شهرستان بم شامل شهر بم، بخش مرکزی، بخش راین، بخش نورماشیر.	بم	۱ نفر
۱۲۹	بافت	شهرستان بافت شامل شهر بافت، بخش مرکزی، بخش رابر.	بافت	۱ نفر

ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
۱۳۰	سیرجان و مشیز	۱- شهرستان سیرجان، شامل شهر سیرجان، بخش مرکزی. ۲- شهرستان مشیز شامل شهر بردسیر، بخش مرکزی.	سیرجان	۱ نفر
۱۳۱	جیرفت	شهرستان جیرفت شامل شهر جیرفت، بخش مرکزی، بخش ساردوئیه، بخش جبال بارز.	جیرفت	۱ نفر
۱۳۲	کهنوج	شهرستان کهنوج شامل شهر کهنوج، بخش مرکزی، بخش رودبار، بخش منوجان، بخش قلعه گنج.	کهنوج	۱ نفر
۱۳۳	شهر بابک	شهرستان شهر بابک شامل شهر بابک، بخش مرکزی، دهستان‌های هرات، مروست، راویز.	شهر بابک	۱ نفر
استان باختران ۸ نفر				
۱۳۴	باختران	شهرستان باختران شامل شهر باختران، بخش مرکزی	کرمانشاه	۳ نفر
۱۳۵	پاوه	شهرستان پاوه شامل شهر پاوه، بخش مرکزی، بخش جوانرود، بخش باباجانی، بخش روانسر، بخش باینگان، بخش نوسود.	پاوه	۱ نفر
۱۳۶	قصرشیرین و سرپل ذهاب و گیلانغرب	۱- شهرستان قصرشیرین شامل شهر قصرشیرین، بخش مرکزی، بخش سومار. ۲- شهرستان سرپل ذهاب، شامل شهر پل ذهاب، بخش مرکزی. ۳- شهرستان گیلانغرب شامل شهر گیلانغرب، بخش مرکزی (به استثنای دهستان گاور).	قصرشیرین	۱ نفر
۱۳۷	اسلام‌آباد	شهرستان اسلام‌آباد شامل شهر اسلام‌آباد، بخش مرکزی، بخش کرند	اسلام‌آباد	۱ نفر
۱۳۸	سنقر	شهرستان سنقر شامل شهر سنقر، بخش مرکزی.	سنقر	۱ نفر
۱۳۹	کنگاور و هرسین	شهرستان کنگاور شامل شهر کنگاور، بخش مرکزی، بخش صحنه و بخش هرسین (از شهرستان باختران)	کنگاور	۱ نفر
استان هرمزگان ۴ نفر				
۱۴۰	بندرعباس و قشم و ابوموسی	۱- شهرستان بندرعباس شامل شهر بندرعباس، بخش مرکزی، بخش سعادت‌آباد، بخش بندر خمیر، بخش فین. ۲- شهرستان قشم شامل شهر قشم، بخش مرکزی، بخش شهاب. ۳- شهرستان ابوموسی، شامل شهر ابوموسی، بخش مرکزی، بخش تنب.	بندرعباس	۲ نفر
۱۴۱	میناب	شهرستان میناب شامل شهر میناب، بخش مرکزی، بخش بشاگرد غربی، بخش بیابان، بخش رودان احمدی، بخش جاسک	میناب	۱ نفر
۱۴۲	بندر لنگه	شهرستان بندرلنگه شامل شهر بندرلنگه، بخش مرکزی، بخش گاوبندی، بخش شیب‌کوه، بخش کیش، بخش بستک.	بندرلنگه	۱ نفر
استان سیستان و بلوچستان ۷ نفر				
۱۴۳	زاهدان	شهرستان زاهدان شامل شهر زاهدان، بخش مرکزی.	زاهدان	۱ نفر
۱۴۴	خاش	شهرستان خاش شامل شهر خاش، بخش مرکزی، بخش نوک‌آباد، بخش نصرت‌آباد و بخش میرجاوه (از شهرستان زاهدان).	خاش	۱ نفر
۱۴۵	سراوان	شهرستان سراوان شامل شهر سراوان، بخش مرکزی، بخش جالق، بخش زابلی، بخش سیب و سوران.	سراوان	۱ نفر
۱۴۶	زابل	شهرستان زابل شامل شهر زابل، بخش مرکزی، بخش پشت‌آب، بخش شیب‌آب، بخش میانکنگی، بخش نارویی و شهرکی.	زابل	۲ نفر
۱۴۷	ایرانشهر	شهرستان ایرانشهر شامل شهر ایرانشهر، بخش مرکزی، بخش بمپور، بخش سرباز، بخش راسک و فیروزآباد، بخش بزمان.	ایرانشهر	۱ نفر
۱۴۸	چاه‌بهار	شهرستان چاه‌بهار شامل شهر چاه‌بهار، بخش مرکزی، بخش نیک‌شهر، بخش قصرقند، بخش دشتیاری.	چاه‌بهار	۱ نفر
استان کردستان ۶ نفر				
۱۴۹	سنندج	شهرستان سنندج شامل شهر سنندج، بخش مرکزی، بخش میرانشاه، بخش کامیاران.	سنندج	۲ نفر
۱۵۰	سقز و بانه	۱- شهرستان سقز، شامل شهر سقز، بخش مرکزی. ۲- شهرستان بانه شامل شهر بانه، بخش مرکزی، بخش نمشیر، بخش آلود، بخش ننور.	سقز	۱ نفر
۱۵۱	مریوان	شهرستان مریوان شامل شهر مریوان، بخش مرکزی، بخش کلاترزان، بخش سرشیو مریوان، بخش سروآباد، بخش خاو و میرآباد.	مریوان	۱ نفر
۱۵۲	بیجار	شهرستان بیجار شامل شهر بیجار، بخش مرکزی.	بیجار	۱ نفر



ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
۱۵۳	قروه	شهرستان قروه شامل شهر قروه بخش مرکزی، بخش نیلاق	قروه	۱ نفر
۹ نفر	همدان			
۱۵۴	همدان	شهرستان همدان شامل شهر همدان، بخش مرکزی	همدان	۲ نفر
۱۵۵	بهار	بخش سیمینه رود، بخش کبودرآهنگ	بهار	۱ نفر
۱۵۶	اسدآباد	بخش اسدآباد	اسدآباد	۱ نفر
۱۵۷	رزن	بخش رزن، بخش شفاء و ویشخور، بخش فامنین	رزن	۱ نفر
۱۵۸	نهادوند	شهرستان نهادوند شامل شهر نهادوند بخش مرکزی، بخش خزل	نهادوند	۱ نفر
۱۵۹	تویسرکان	شهرستان تویسرکان شامل شهر تویسرکان، بخش مرکزی	تویسرکان	۱ نفر
۱۶۰	ملایر	شهرستان ملایر شامل شهر ملایر، بخش مرکزی، بخش سامن	ملایر	۲ نفر
۸ نفر	لرستان			
۱۶۱	خرم آباد	شهرستان خرم آباد شامل شهر خرم آباد بخش مرکزی، بخش زاغه، بخش چغلوندی	خرم آباد	۲ نفر
۱۶۲	دلفان و الشتر	بخش دلفان، بخش الشتر	نورآباد	۱ نفر
۱۶۳	ملاوی	بخش ملاوی، بخش پایی، بخش ویسیان	پل دختر	۱ نفر
۱۶۴	کوهدشت دوره چگینی	بخش کوهدشت، بخش دوره چگینی	کوهدشت	۱ نفر
۱۶۵	بروجرد	شهرستان بروجرد شامل شهر بروجرد، بخش مرکزی، بخش اشترینان	بروجرد	۱ نفر
۱۶۶	درود و جاپلق	بخش دورود، بخش جاپلق	درود	۱ نفر
۱۶۷	الیگودرز	شهرستان الیگودرز شامل شهر الیگودرز، بخش مرکزی بخش ززوماهرو	الیگودرز	۱ نفر
۹ نفر	زنجان			
۱۶۸	زنجان و طارم علیا	شهرستان زنجان شامل شهر زنجان، بخش مرکزی (به استثنای دهستان ابجرود)، بخش طارم علیا	زنجان	۲ نفر
۱۶۹	ماه‌نشان	بخش ماه‌نشان، دهستان ابجرود	ماه‌نشان	۱ نفر
۱۷۰	قزوین	شهرستان قزوین شامل شهر قزوین، بخش مرکزی، بخش آبیک، بخش رودبار الموت، بخش طارم سفلی، دهستان قاقازان (از بخش مرکزی شهرستان تاکستان)	قزوین	۲ نفر
۱۷۱	بوئین‌زهره و آوج	بخش بوئین‌زهره، بخش آوج	بوئین‌زهره	۱ نفر
۱۷۲	تاکستان	شهرستان تاکستان شامل شهر تاکستان، بخش مرکزی (به استثنای دهستان قاقازان)	تاکستان	۱ نفر
۱۷۳	ابه‌ر	شهرستان ابهر شامل شهر ابهر، بخش مرکزی، بخش سلطانیه	ابه‌ر	۱ نفر
۱۷۴	خدابنده	شهرستان خدابنده شامل شهر قیدار بخش مرکزی، بخش افشار	قیدار	۱ نفر
۳ نفر	یزد			
۱۷۵	یزد	شهرستان یزد شامل شهر یزد، بخش مرکزی، بخش اشکذر، بخش خضراباد	یزد	۱ نفر
۱۷۶	اردکان	شهرستان اردکان شامل شهر اردکان، بخش مرکزی، بخش میبد، بخش خرائق	اردکان	۱ نفر
۱۷۷	تفت، بافق و مهریز	۱- شهرستان تفت شامل شهر تفت، بخش مرکزی، بخش نیر، بخش ابرکوه ۲- شهرستان بافق، شامل شهر بافق بخش مرکزی، بخش بهاباد. ۳- شهرستان مهریز شامل شهر مهریز، بخش مرکزی (به استثنای دهستان‌های هرات و مروست)	تفت	۱ نفر
۳ نفر	بوشهر			
۱۷۸	بوشهر و گناوه	۱- شهرستان بوشهر شامل شهر بوشهر، بخش مرکزی، بخش خارک ۲- شهرستان گناوه، شامل شهر گناوه، بخش مرکزی، بخش دیلم، بخش ریگ	بوشهر	۱ نفر
۱۷۹	دشتستان	شهرستان دشتستان شامل شهر برازجان، بخش مرکزی، بخش سعدآباد بخش شیانکاره	برازجان	۱ نفر
۱۸۰	دشتی و تنگستان و دیر و کنگان	۱- شهرستان دشتی شامل شهر خورموج، بخش مرکزی بخش کاکي. ۲- شهرستان تنگستان، شامل شهر اهرم، بخش مرکزی، بخش ساحلی. ۳- شهرستان دیر، شامل شهر دیر، بخش مرکزی، بخش بردخون. ۴- شهرستان کنگان، شامل شهر کنگان بخش مرکزی، بخش چم	خورموج	۱ نفر
۳ نفر	چهارمحال بختیاری			
۱۸۱	شهرکرد	شهرستان شهرکرد شامل شهرکرد، بخش مرکزی	شهرکرد	۱ نفر
۱۸۲	بروجن و لردگان	۱- شهرستان بروجن شامل شهر بروجن بخش مرکزی، بخش گندمان. ۲- شهرستان لردگان، شامل شهر لردگان، بخش مرکزی	بروجن	۱ نفر

ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
۱۸۳	اردل و فارس و کیار	شهرستان فارس شامل شهر فارس، بخش مرکزی، بخش شوراب، بخش اردل، بخش کیار (از شهرستان شهرکرد).	اردل	۱ نفر
ایلام ۲ نفر				
۱۸۴	ایلام و شیروان و چرداول	۱- شهرستان ایلام، شامل شهر ایلام، بخش مرکزی، بخش چوار، بخش ایوان. ۲- شهرستان شیروان چرداول، شامل شهر شیروان چرداول، بخش مرکزی	ایلام	۱ نفر
۱۸۵	دهلران و مهران و بدره	۱- شهرستان دهلران، شامل شهر دهلران، بخش مرکزی، بخش موسیان، بخش زرین‌آباد. ۲- شهرستان مهران، شامل شهر مهران، بخش مرکزی، بخش صالح‌آباد، بخش ارگوازی. ۳- شهرستان بدره شامل شهر بدره، بخش مرکزی، بخش آبدانان، بخش بدره.	دهلران	۱ نفر
سمنان ۴ نفر				
۱۸۶	سمنان	شهرستان سمنان، شامل شهر سمنان، بخش مرکزی، بخش مهدیشهر، روستاهای افتر، امامزاده عبدا...، ایچ، جوین، وارونه.	سمنان	۱ نفر
۱۸۷	دامغان	شهرستان دامغان شامل شهر دامغان، بخش مرکزی، بخش صیدآباد، دهستان کوه‌زر (از بخش مرکزی شهرستان شاهرود)	دامغان	۱ نفر
۱۸۸	شاهرود	شهرستان شاهرود شامل شهر شاهرود، بخش مرکزی (به‌استثنای دهستان کوه زر)، بخش بسطام، بخش بیارجمند، بخش میامی، تاش و شاهکوه (از بخش مرکزی شهرستان گرگان).	شاهرود	۱ نفر
۱۸۹	گرمسار	شهرستان گرمسار شامل شهر گرمسار، بخش مرکزی، بخش ایوانکی.	گرمسار	۱ نفر
بوی‌راحمند و کهگیلویه ۲ نفر				
۱۹۰	بوی‌راحمند	شهرستان بوی‌راحمند شامل شهر یاسوج، بخش مرکزی، بخش دروهان.	یاسوج	۱ نفر
۱۹۱	کهگیلویه و گچساران	۱- شهرستان کهگیلویه شامل شهر دهدشت، بخش مرکزی، بخش لنده، بخش بهمنی، بخش چرام. ۲- شهرستان گچساران شامل شهر دو گنبدان، بخش مرکزی، بخش باشت.	گچساران	۱ نفر
اقلیت‌های مذهبی ۵ نفر				
۱۹۲	زرتشتیان	سراسر کشور	تهران	۱ نفر
۱۹۳	کلیمیان	سراسر کشور	تهران	۱ نفر
۱۹۴	مسیحیان آشوری و کلدانی	سراسر کشور	تهران	۱ نفر
۱۹۵	مسیحیان ارمنی جنوب ایران	استان اصفهان، استان یزد، استان خوزستان، استان فارس، استان کرمان، استان هرمزگان، استان سیستان و بلوچستان، استان لرستان، استان چهارمحال و بختیاری، استان بوشهر، استان بوی‌راحمند و کهگیلویه.	اصفهان	۱ نفر
۱۹۶	مسیحیان ارمنی شمال ایران	استان تهران، استان مرکزی، استان آذربایجان غربی، استان آذربایجان شرقی، استان گیلان، استان مازندران، استان سمنان، استان خراسان، استان زنجان، استان همدان، استان کردستان، استان باختران، استان ایلام.	اصفهان	۱ نفر
جمع ۲۷۰ نفر				



پیوست ۳. اصلاح جدول حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی طبق قانون اصلاح جدول

حوزه‌های انتخابیه، مصوب ۱۳۷۴/۰۹/۲۲

ماده‌واحد - جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

الف) استان زنجان: نام حوزه انتخابیه «ماه‌نشان» به حوزه انتخابیه «ماه‌نشان و انگوران و ایجرود».

ب) استان یزد: نام حوزه انتخابیه «اردکان» به حوزه انتخابیه «اردکان و میبد».

ج) استان فارس: نام حوزه انتخابیه «سروستان و کربال» به حوزه انتخابیه «سروستان، کربال و کوار». نام حوزه انتخابیه «آباد» به حوزه انتخابیه «آباد و یوانات».

د) استان آذربایجان شرقی: نام حوزه انتخابیه «اهر» به حوزه انتخابیه «اهر و هریس».

ه) استان کرمان: شهرستان کرمان شامل شهر کرمان و کلیه بخش‌ها و دهستان‌های تابعه.

و) استان اصفهان: رهنان جزو حوزه انتخابیه اصفهان.

ز) استان مازندران: حوزه انتخابیه گرگان شامل شهر گرگان و کلیه بخش‌ها و دهستان‌های تابعه. حوزه انتخابیه نور و محمودآباد شامل شهرستان‌های نور و محمودآباد و کلیه بخش‌ها و دهستان‌های تابعه.

ح) استان تهران: حوزه انتخابیه تهران شامل شهرستان‌های تهران - ری - شمیرانات و اسلام‌شهر.

ط) استان همدان: بخش‌های شفاء و فامنین از حوزه انتخابیه رزن منفک و جزء حوزه انتخابیه شهرستان همدان قرار گرفت.

ی) استان لرستان: بخش چگنی از حوزه انتخابیه شهرستان کوهدشت منتزع و جزء حوزه انتخابیه شهرستان خرم‌آباد قرار گرفت.

ک) استان گیلان: بخش خمام از حوزه انتخابیه بندر انزلی منفک و به حوزه انتخابیه رشت ملحق می‌گردد.

ل) استان کردستان: بخش کلاترزان به مرکزیت شوشیه از حوزه انتخابیه شهرستان مریوان منتزع و به حوزه انتخابیه سنندج الحاق می‌گردد.

پیوست ۴. اصلاح جدول حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی طبق قانون اصلاح جدول

حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها، مصوب ۱۳۷۸/۰۸/۱۲

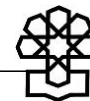
استان تهران	۱. تعداد نماینده حوزه انتخابیه «کرج» از یک به دو نفر افزایش می‌یابد.
	۲. با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «شهریار و رباط کریم» این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌شود:
	۱-۲. حوزه انتخابیه «شهریار» شامل شهر شهریار و بخش‌های مرکزی و قدس به مرکزیت شهر شهریار با یک نماینده.
استان قم	۲-۲. حوزه انتخابیه «رباط کریم» شامل شهر رباط کریم و بخش‌های مرکزی و گلستان به مرکزیت شهر رباط کریم با یک نماینده.
	۳. با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «ورامین و پاکدشت» این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌شود:
	۱-۳. حوزه انتخابیه «ورامین» شامل شهر ورامین و بخش‌های مرکزی، جواد آباد و پیشوا به مرکزیت شهر ورامین با یک نماینده.
استان خراسان	۲-۳. حوزه انتخابیه «پاکدشت» شامل شهر پاکدشت و بخش‌های مرکزی و شریف آباد به مرکزیت شهر پاکدشت با یک نماینده.
	تعداد نمایندگان حوزه انتخابیه «قم» از دو به سه نفر افزایش می‌یابد و بخش خلجستان از حوزه انتخابیه «تفرش و آشتیان و بخش خلجستان» از استان مرکزی منتزع و به حوزه انتخابیه قم ملحق می‌شود.
	۱. نام حوزه انتخابیه «طرقه و چناران» به حوزه انتخابیه «چناران و طرقه» اصلاح می‌گردد.
استان اصفهان	۲. یک نماینده به حوزه انتخابیه «بیرجند و نهبندان» افزوده می‌شود و این حوزه به دو حوزه مستقل زیر تقسیم می‌گردد:
	۱-۲. حوزه انتخابیه بیرجند شامل شهر بیرجند، بخش مرکزی و بخش‌های خوسف و درمیان به مرکزیت شهر بیرجند با یک نماینده.
	۲-۲. حوزه انتخابیه «نهبندان و سربیشه» شامل شهر نهبندان، بخش مرکزی و بخش‌های سربیشه و شوسف به مرکزیت شهر نهبندان با یک نماینده.
استان آذربایجان شرقی	۱. یک نماینده به حوزه انتخابیه «لنجان و مبارکه» افزوده می‌شود و این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌گردد:
	۱-۱. حوزه انتخابیه «لنجان» شامل شهر زرین شهر و بخش‌های مرکزی و باغ بهادران به مرکزیت شهر زرین شهر با یک نماینده.
	۲-۲. حوزه انتخابیه «مبارکه» شامل شهر مبارکه و بخش مرکزی به مرکزیت شهر مبارکه با یک نماینده.
استان اردبیل	۲. بخش «تیسار» از حوزه انتخابیه «نطنز و قمصر» منتزع و به حوزه انتخابیه «کاشان» الحاق می‌گردد.
	یک نماینده به حوزه انتخابیه «بناب و ملکان» افزوده می‌شود و این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌گردد:
	۱. حوزه انتخابیه «بناب» شامل شهر بناب، بخش مرکزی به مرکزیت شهر بناب با یک نماینده.
استان خوزستان	۲. حوزه انتخابیه «ملکان» شامل شهر ملکان، بخش‌های مرکزی و لیلان به مرکزیت شهر ملکان با یک نماینده.
	یک نماینده به حوزه انتخابیه «گرمی، پارس آباد و بیله سوار» افزوده می‌شود و این حوزه انتخابیه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌گردد:
	۱. حوزه انتخابیه «گرمی» شامل شهر گرمی و بخش مرکزی آنگوت به مرکزیت شهر گرمی با یک نماینده.
استان مازندران	۲. حوزه انتخابیه «پارس آباد و بیله سوار» متشکل از شهرستان‌های پارس آباد شامل شهر پارس آباد، بخش‌های مرکزی و اصلاندوز، بیله سوار شامل شهر بیله سوار و بخش‌های مرکزی و قشلاق دشت به مرکزیت شهر پارس آباد با یک نماینده.
	۱. یک نماینده به حوزه انتخابیه «اندیمشک و شوش» افزوده می‌شود و این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌گردد:
	۱-۱. حوزه انتخابیه «اندیمشک» شامل شهر اندیمشک، بخش‌های مرکزی و الوار گرمسیری به مرکزیت شهر اندیمشک با یک نماینده.
استان گلستان	۲-۲. حوزه انتخابیه «شوش» شامل شهر شوش، بخش‌های مرکزی و شاوور به مرکزیت شهر شوش با یک نماینده.
	۱. بخش‌های بندپی غربی و بندپی شرقی از حوزه انتخابیه «بابلسر و بخش‌های بندپی غربی و بندپی شرقی» منتزع و به حوزه انتخابیه «بابل» الحاق می‌گردد.
	۲. تعداد نماینده حوزه انتخابیه «بابل» از یک به دو نفر افزایش می‌یابد.
استان فارس	۱. تعداد نماینده حوزه انتخابیه «گرگان» از یک به دو نفر افزایش می‌یابد.
	۲. مناطق تابع حوزه انتخابیه گنبد کاووس به «شهرستان گنبد کاووس به‌استثنای بخش‌های آزاد شهر و رامیان شامل شهر گنبد کاووس و بخش‌های مرکزی و داشلی‌برون» اصلاح می‌گردد.
	۳. مناطق تابع حوزه انتخابیه «رامیان و آزاد شهر» به «بخش رامیان و بخش آزاد شهر» اصلاح می‌گردد.
استان کرمان	۱. یک نفر به تعداد نمایندگان فعلی حوزه انتخابیه «شیراز» افزوده می‌شود و تعداد نمایندگان این حوزه از سه نفر به چهار نفر افزایش می‌یابد.
	۲. بخش مشهد مرغاب تابع شهرستان خرم بید از حوزه انتخابیه «مرودشت، ارسنجان و بخش مشهد مرغاب» منتزع و به حوزه انتخابیه «آباد، بوانات و خرم‌بید» الحاق می‌گردد.
	۱. دهستان راویز از حوزه انتخابیه «شهر بابک و بخش هرات و مروست» منتزع و به حوزه انتخابیه «رفسنجان» الحاق می‌گردد.
استان هرمزگان	۲. بخش «هرات و مروست» از حوزه انتخابیه «شهر بابک و هرات و مروست» منتزع و به شهرستان مهریز تابع حوزه انتخابیه «بافق و مهریز» تابع استان یزد الحاق می‌گردد.
	یک نماینده به حوزه انتخابیه «بندرعباس، قشم، ابوموسی و حاجی آباد» افزوده می‌شود و تعداد نمایندگان این حوزه از دو به سه نفر افزایش می‌یابد.



استان سیستان و بلوچستان	یک نماینده به حوزه انتخابیه «زاهدان» افزوده می‌شود و تعداد نمایندگان این حوزه از یک به دو نفر افزایش می‌یابد.
استان لرستان	۱. بخش‌های پاپی و ویسیان تابع شهرستان خرم‌آباد از حوزه انتخابیه «پلدختر و بخش‌های پاپی و ویسیان» منتزع و به حوزه انتخابیه «خرم‌آباد» الحاق می‌گردد. ۲. تعداد نماینده حوزه انتخابیه بروجرد از یک به دو نفر افزایش می‌یابد.
استان یزد	شهرستان میبد از حوزه انتخابیه اردکان جدا و با شهرستان تفت به مرکزیت تفت دارای یک حوزه با یک نماینده و بافق و مهریز و ابرکوه به مرکزیت مهریز نیز دارای یک حوزه انتخابیه با یک نماینده می‌باشد.
استان بوشهر	با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «دشتی، تنگستان، دیر و کنگان» این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌شود: ۱. حوزه انتخابیه «دشتی و تنگستان» به مرکزیت شهر خور موج شامل شهرستان‌های دشتی، شهر خور موج و بخشهای مرکزی و کاکي وشهرستان تنگستان شامل شهر اهرم و بخشهای مرکزی و دلوار با یک نماینده. ۲. حوزه انتخابیه «دیر و کنگان» به مرکزیت شهر بندر کنگان شامل شهر بندر دیر و بخش‌های مرکزی و بخش برد خون و شهرستان کنگان شامل شهر بندر کنگان و بخش‌های مرکزی و جم وریز با یک نماینده.
استان چهارمحال و بختیاری	با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «بروجن و لردگان» این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌گردد. ۱. حوزه انتخابیه «بروجن» شامل شهر بروجن و بخش‌های مرکزی و گندمان به مرکزیت شهر بروجن با یک نماینده. ۲. حوزه انتخابیه «لردگان» شامل شهر لردگان و بخش‌های مرکزی، فلارد و خانمیرزا به مرکزیت شهر لردگان با یک نماینده.
استان ایلام	۱. شهرستان مهران از حوزه انتخابیه «دهلران، مهران، دره شهر و آبدانان» منتزع و به حوزه انتخابیه «ایلام، شیروان چرد اول و ایوان» الحاق می‌گردد. ۲. تعداد نماینده حوزه انتخابیه «ایلام، شیروان و چرد اول، ایوان و مهران» از یک به دو نفر افزایش می‌یابد.
استان کهگیلویه و بویراحمد	با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «کهگیلویه و گچساران» این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌گردد: ۱. حوزه انتخابیه «کهگیلویه» شامل شهر دهدشت و بخش‌های مرکزی، لنده، بهمنی، چرام، چاروسا و دیشموک به مرکزیت شهر دهدشت با یک نماینده. ۲. حوزه انتخابیه «گچساران» شامل شهر دو گنبدان و بخش‌های مرکزی و باشت به مرکزیت شهر دوگنبدان با یک نماینده.

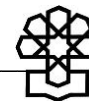
منابع و مأخذ

۱. سائلی کرده ده، مجید. سیر تحول قوانین انتخاباتی در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۲. هندلی، لیزا و برنارد، گروفرمن. فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه (مطالعه تطبیقی)، ترجمه ابوذر رفیعی قهساره، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵.
۳. دارابی، غلامعباس. گزارش اظهارنظر کارشناسی درباره «لایحه اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۱۰۹۶۸، ۱۳۹۰.
۴. اظهارنظر کارشناسی درباره «طرح اصلاح قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی»، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۲۶۰۱۵۸۲۱.
۵. اظهارنظر کارشناسی درباره: «طرح افزایش حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی»، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۲۶۰۱۵۴۱۵.
۶. اظهارنظر کارشناسی درباره: «طرح‌های اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها»، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۲۶۰۱۵۲۸۸.
۷. اظهارنظر کارشناسی درباره «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها»، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۲۶۰۱۴۱۱۱.
۸. اظهارنظر کارشناسی درباره: «طرح اصلاح قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی». مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۲۶۰۱۳۷۳۴.
۹. اظهارنظر کارشناسی درباره: «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۲۶۰۱۲۵۰۶.
۱۰. میراحمدی، فاطمه سادات. آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس در ایران ۱. دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۷۱۳۰، ۱۳۹۹.
۱۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۵۸، نشریه روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. آمارنامه استان تهران ۱۳۶۰، مرکز آمار ایران.
۱۳. آمارنامه استان تهران ۱۳۶۷، مرکز آمار ایران.
۱۴. آمارنامه استان مرکزی ۱۳۶۴، مرکز آمار ایران.
۱۵. آمارنامه استان مرکزی ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۱۶. آمارنامه استان خراسان ۱۳۵۷-۱۳۵۸، مرکز آمار ایران.
۱۷. آمارنامه استان خراسان ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۱۸. آمارنامه استان اصفهان ۱۳۵۹، مرکز آمار ایران.
۱۹. آمارنامه استان اصفهان ۱۳۶۸، مرکز آمار ایران.
۲۰. آمارنامه استان آذربایجان شرقی ۱۳۶۸، مرکز آمار ایران.



۲۱. آمارنامه استان خوزستان ۱۳۶۷، مرکز آمار ایران.
۲۲. آمارنامه استان خوزستان ۱۳۵۹، مرکز آمار ایران.
۲۳. آمارنامه استان مازندران ۱۳۶۰، مرکز آمار ایران.
۲۴. آمارنامه استان مازندران، ۱۳۶۷، مرکز آمار ایران.
۲۵. آمارنامه استان فارس ۱۳۵۶، مرکز آمار ایران.
۲۶. آمارنامه استان فارس ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۲۷. آمارنامه استان گیلان ۱۳۶۷، مرکز آمار ایران.
۲۸. آمارنامه استان گیلان ۱۳۵۸، مرکز آمار ایران.
۲۹. آمارنامه استان آذربایجان غربی ۱۳۵۸، مرکز آمار ایران.
۳۰. آمارنامه استان آذربایجان غربی ۱۳۶۷، مرکز آمار ایران.
۳۱. آمارنامه استان کرمان ۱۳۵۷، مرکز آمار ایران.
۳۲. آمارنامه استان کرمان ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۳۳. سالنامه آماری استان کرمانشاه ۱۳۸۳، مرکز آمار ایران.
۳۴. آمارنامه استان سیستان و بلوچستان ۱۳۵۸، مرکز آمار ایران.
۳۵. آمارنامه استان سیستان و بلوچستان ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۳۶. آمارنامه استان هرمزگان ۱۳۵۸، مرکز آمار ایران.
۳۷. آمارنامه استان هرمزگان ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۳۸. آمارنامه استان کردستان ۱۳۵۸، مرکز آمار ایران.
۳۹. آمارنامه استان کردستان ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۴۰. آمارنامه استان همدان ۱۳۵۸، مرکز آمار ایران.
۴۱. آمارنامه استان همدان ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۴۲. آمارنامه استان لرستان. ۱۳۶۲. مرکز آمار ایران.
۴۳. آمارنامه استان لرستان ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۴۴. آمارنامه استان زنجان ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۴۵. آمارنامه استان زنجان. ۱۳۵۸، مرکز آمار ایران.
۴۶. آمارنامه استان یزد ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۴۷. آمارنامه استان یزد ۱۳۵۸، مرکز آمار ایران.
۴۸. آمارنامه استان بوشهر ۱۳۶۱، مرکز آمار ایران.
۴۹. آمارنامه استان بوشهر ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۵۰. آمارنامه استان چهارمحال و بختیاری ۱۳۵۸، مرکز آمار ایران.
۵۱. آمارنامه استان چهارمحال و بختیاری ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۵۲. آمارنامه استان ایلام ۱۳۶۰، مرکز آمار ایران.

۵۳. آمارنامه استان ایلام ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۵۴. آمارنامه استان سمنان ۱۳۵۶، مرکز آمار ایران.
۵۵. آمارنامه استان سمنان ۱۳۶۸ و ۱۳۶۶، مرکز آمار ایران.
۵۶. آمارنامه استان کهگیلویه و بویراحمد ۱۳۶۰، مرکز آمار ایران.
۵۷. آمارنامه استان کهگیلویه و بویراحمد ۱۳۶۷، مرکز آمار ایران.
۵۸. آمارنامه استان قم ۱۳۷۷، مرکز آمار ایران.
۵۹. آمارنامه استان تهران ۱۳۷۷، مرکز آمار ایران.
۶۰. آمارنامه استان خراسان ۱۳۷۷، مرکز آمار ایران.
۶۱. نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۷۵، استان خراسان-شهرستان بیرجند. ۱۳۷۵
۶۲. آمارنامه استان اصفهان. ۱۳۷۷، مرکز آمار ایران.
۶۳. آمارنامه استان آذربایجان شرقی، ۱۳۷۷. مرکز آمار ایران.
۶۴. آمارنامه استان اردبیل ۱۳۷۷، مرکز آمار ایران.
۶۵. آمارنامه استان خوزستان ۱۳۷۷. مرکز آمار ایران.
۶۶. آمارنامه استان مازندران ۱۳۷۷، مرکز آمار ایران.
۶۷. آمارنامه استان گلستان ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
۶۸. آمارنامه استان هرمزگان ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
۶۹. آمارنامه استان فارس ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
۷۰. نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۷۵ استان فارس، مرکز آمار ایران.
۷۱. نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۷۵ شهرستان زاهدان، مرکز آمار ایران.
۷۲. آمارنامه استان سیستان و بلوچستان ۱۳۷۷، مرکز آمار ایران.
۷۳. آمارنامه استان لرستان ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
۷۴. آمارنامه استان یزد ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
۷۵. آمارنامه استان بوشهر ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
۷۶. آمارنامه استان چهارمحال و بختیاری ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
۷۷. آمارنامه استان ایلام ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
۷۸. آمارنامه استان کهگیلویه و بویراحمد ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
۷۹. مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۸۰. مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۸۱. مشروح مذاکرات مجلس اول شورای اسلامی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۸۲. مشروح مذاکرات مجلس دوم شورای اسلامی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۸۳. مشروح مذاکرات مجلس سوم شورای اسلامی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۸۴. مشروح مذاکرات مجلس چهارم شورای اسلامی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.



۸۵. مشروح مذاکرات مجلس پنجم شورای اسلامی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۸۶. مشروح مذاکرات مجلس ششم شورای اسلامی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۸۷. مشروح مذاکرات مجلس هفتم شورای اسلامی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۸۸. مشروح مذاکرات مجلس هشتم شورای اسلامی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۸۹. مشروح مذاکرات مجلس نهم شورای اسلامی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۹۰. مشروح مذاکرات مجلس دهم شورای اسلامی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.



شماره مسلسل: ۱۷۲۷۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس در ایران ۲. پس از انقلاب اسلامی تاکنون

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: فاطمه‌سادات میراحمدی

ناظران علمی: محمدرضا شمس، جلیل محبی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: پرند فیاضی

واژه‌های کلیدی:

۱. نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس
۲. دوره پس از انقلاب اسلامی ایران
۳. نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه
۴. علت اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه
۵. معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه



تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۹/۱۰